# سفرنامهٔ رکن الدّوله

بکوشش محمد گلبن

# سفرنامهٔ رکن الدوله

## «به سرخس»

به قلم محمدعلی منشی

و

نمائی از سرخس

گزارش محمدحسین مهندس به مؤیدالدوله

بکوشش محمد گلبن

۲۵۳۶

۱

---

**سفرنامه‌ها/ ۱**

□ سفرنامهٔ رکن‌الدوله
□ بکوشش محمد گلبن
□ ناشر انتشارات سحر شاهرضا مقابل دانشگاه تهران
□ چاپ: مشعل آزادی
□ چاپ اول ۲۵۳۶

# سر آغاز

**پوپك دیدم بەحوالی سرخس**
**بانگك بر برده به ابر اندرا**
**چادرکی دیـدم رنگین بر او**
**رنگ به سی‌گونه برآن چادرا**
**(رودکی)**

یکی‌از کارهای پسندیده وبا ارزش برخی از رجال دورهٔ اخیر ایران خاطرات نویسی وسفرنامه نویسی‌است. بهترین مؤاخذی‌که ما راباأوضاع‌سیاسی،اجتماعی واقتصادی ایران دریکصدوپنجاه‌سال گذشته آشنا می‌کند همین نوشته‌هاست.

بررسی کتابهایی چون « سیاحت درویشی دروغین » « سفرنامه ابراهیم‌بیك»«خاطرات‌حاجی‌سیاح محلاتی»،«خاطرات‌اعتمادالسلطنه» و غیره تأیید کنندهٔ نظریه بالا است. زیـرا مـی‌بینیم این کتابها تنها شرح مسافرت رجالی ازنقطه‌ای به‌یك نقطه دیگر نیست، بلکه بازگو کننده و نشان دهندهٔ گوشه‌های مهمی ازوضع زندگی و تاریخ واقعی یکصد وپنجاه سالهٔ گذشته ملت‌ما است.

از این روست که باید نشرچنین کتابهایی را مقدم برکتابهای

دیگر دانست.

کتابی راکه اینك پیش‌چشم دارید شامل دو مجموعهٔ ارزشمند از همین دست‌کتابها است. این دومجموعه در زمینهٔ‌شناخت‌جغرافیایی ناحیه سرخس‌تدوین وترسیم گردیده است.

یکی‌از این دو مجموعه «سفرنامهٔ رکن‌الدوله به‌سرخس» است که بقلم محمد علی منشی نوشته شده. و دیگری «نمایی از سرخس» گزارش محمد حسین مهندس. این‌دو مجموعه را دوتن از رجال عهد ناصری‌بنا بدستور دوتن ازحکام وقت ایالت خراسان‌نوشته‌اند. مطالب هردو مجموعه حاکی‌از یك موضوع است و دراطراف‌چگونگی‌ناحیه سرخس خراسان دورمیزند. بدین‌جهت مناسب دیدکه هردو را تواماً دریك مجلد به‌چاپ برساند. باشد که‌زمینه استفاده از هردو دریکجا آسان‌تر باشد.

«سفرنامهٔ‌رکن‌الدوله»درششمین‌سال‌حکومت محمدتقی‌میرزای رکن‌الدوله (درخراسان) بسال۱۲۹۹ ه.ق هنگامی‌که‌او برای سرکشی به‌ناحیه سرخس رفته نوشته‌شده است. نسخه‌ای‌که ازاین‌کتاب دردست است به‌خط شکستهٔ نستعلیق به قطع نیم‌خشتی به‌اندازهٔ ۱۵/۵ × ۲۱ است وطبق شماره ۵۰۷۵۳ متعلق به کتابخانهٔ مجلس‌شورای ملی‌است.

این نسخه بخط مؤلف نیست. امـا پیداست که زیرنظر مؤلف کتابت یافته است. خود مؤلف چندجا درمتن وحاشیه مطلب راکم و زیادکرده‌است. ضمناً این‌نسخه درصفحهٔ‌آخر تکمله‌ای داردکه به‌خط وامضاء مؤلف است. نویسندهٔ سفرنامه شناخته نشد. تنها اطلاعی‌که از او دردست داریم درآغاز سفرنامه ضمن معرفی همراهان رکن‌الدوله

به‌سرخس، ازخود به‌عنوان «محمدعلی منشی نایب وزارت علوم» یاد کرده است.

محمدعلی منشی ماجـرای این سفر رابنا بدستور رکن‌الدوله نوشته است. اما پیداست‌که این‌نوشته تنها یك‌نوشتهٔ دستوری نیست و نویسنده‌خود به‌این‌امر دلبسته و علاقمند است.

اوبادقت ووسواس‌تمام چگونگی خطوط راه‌ها، بناها، آبادی‌ها وبازخوانی کتیبه‌ها ومحل‌هائی راکه دیده شرح‌داده است. باکمی‌دقت میتوان وسعت نظر و دلبستگی اورا از لابلای سطور نوشته‌اش باز شناخت.

محمدتقی میرزای رکن‌الدوله فرزند محمدشاه قاجار و برادر ناصرالدین شاه است. او چندین‌بار به حکومت خراسان منصوب شد. مهدی بامداد در «رجال ایران»تولد او رادرحدود ۱۲۶۲ه.ق ووفاتش را۱۳۱۸ ه.ق ذکرکرده است.[1] ازبرخی‌ازنظرهایی‌که‌بامداد دربارهٔاش نقل‌کرده پیداست‌که رجال هم‌عصرش میانهٔ‌خوبی بااو نداشته‌اند.اما از برخی ازاشاره‌های میرزامحمد علی منشی دراین سفرنامه پیداست‌که نمی‌بایدآنچه را دربارهٔ اونوشته‌اند همه‌صحت داشته باشد. چراکه از مطالب‌سفرنامه‌اش پیداست‌که‌مردی‌بوده‌کاری و درهمین‌سفرسرخس‌هم نسبت به‌آبادانی‌آن ناحیه اقدام بسیاری‌کرده است.

مجموعهٔ دوم «نمایی از سرخس» کتابچهٔ گزارش محمد حسین مهندس است . این‌کتابچه‌متعلق به‌نگارنده است ودوازده سال پس‌از « سفرنامهٔ رکن‌الدوله» درسال ۱۳۱۱ ه . ق بدستور ابوالفتح میرزا

---

۱ـ رجال ایران ج۳ ص۳۱۲-۳۱۹



محمدتقی میرزا رکن‌الدوله

مؤیدالدوله حاکم وقت ایالت خراسان تدوین و ترسیم‌گردیده است. این کتابچه به‌اندازه ۲۱×۲۷ است . دارای جلد مقوائی منقوش است که عطف و گوشه‌اش چرمی است. مجموعاً ۲۶ صفحه است که ۸صفحهٔ‌آن نقشه‌های رنگی است‌که مؤلف «ازامتداد کشف‌رود وهری رود ازمشهد الی سرخس‌ناصری وسرحد اتك‌به‌انضمام دهات وآبادی‌های طرفین خط رودخانه و خطوط راه وغیره» ترسیم‌کرده است. این نقشه‌ها درمتن‌آمده است.

دربارهٔ این‌کتابچه درآخراین مقدمه توضیح‌بیشتری داده‌ام.

ابوالفتح میرزا مـؤیدالدوله پسر بـزرگ سلطان مـراد میرزا حسام‌السلطنه سالهای متمادی پیشکاری یزد و اصفهان و کردستان و کرمانشاه وحکومت زنجان وگیلان وخراسان‌راعهده داربود.ابراهیم فخرائی می‌نویسند«یکی‌دیگرازنمایندگان‌اعزامی‌پایتخت... ابوالفتح میرزا مؤیدالدوله بود (۱۳۰۲) که دختر ناصرالدین شاه افسرالدوله را درحباله نکاح‌داشت.»[1]

هنگامی‌که میرزاآقاخان‌کرمانی به‌علت تنقید ازفساد دستگاه ناصری تهران‌را ترك‌کرد وبه‌رشت واردشد «مؤیدالدوله درآن زمان والی‌رشت بود چندی ازایشان پذیرایی‌کرده چون فهمیدکه در دربار ناصرالدین‌شاه متهم‌به‌فساد وازتهران فراراً به‌رشت‌آمده‌اند ازعاقبت خود اندیشید وعذرآنها را خواست.»[2]

---

۱ـ گیلان درجنبش مشروطه ج۱ـچ۱ ص۲۶

۲ـ ماجرای قتل میرزا آقاخان کرمانی بقلم نگارنده یغما دوره ۲۴ـص۲۲۴

مؤیدالدوله پس‌ازچندسالی که حکومت گیلان را داشت «درسال ۱۳۱۰ه.ق استاندار خراسان ومتولی‌باشی آستان قدس رضوی گردید. مشهوراست که‌مؤیدالدوله‌لدی‌الورود خراسان ده‌نفر راکشت»[1] گزارش



ابوالفتح میرزا مؤیدالدوله

محمدحسین مهندس یکسال ونیم پس‌از ورود مؤیدالدوله به‌خراسان تنظیم گردیده است. از این گزارش پیداست که مؤیدالدوله نسبت به‌محدوده حکومتی خود چندان بی‌توجه نبوده است. اینك در زیر چگونگی وموقعیت سرخس‌را بررسی می‌کنیم.

---

۱ــ رجال ایران ج۱ــچ۱ ص۵۳

سرخس که یکی ازشهرها(یا شهرکهای) ناحیهٔ مرکزی‌خراسان است روزگاری بس دراز دارد وکشمکشهای بسیاری بخوددیده است.

دربیشترکتابهای جغرافیا دربارهٔ شهرسرخس (وناحیهٔ آن) که امروزبخشی ازآن درخاک‌کشورشوروی است، سخن رفته است.

لسترنج مینویسد: «شهرسرخس درکنارکوتاه‌ترین راه طوس به مروبزرگ درساحل راست، یعنی ساحل خاوری رودخانه مشهد واقع است. این‌رودخانه را امروز تجندگویند ظاهراً جغرافی‌نویسان‌قرون وسطی ازاین رودخانه اسم‌نبرده‌اند».[1]

درفرهنگ جغرافیائی ایران دربارهٔ سرخس آمده‌که: «سرخس نام‌یکی ازبخشهای شهرستان مشهد است‌که درخاور شهرستان وکنار مرزایران وشوروی واقع وحدودآن بشرح زیر است. از طرف خاور به‌رودخانهٔ هری رود که ازشمال خاوری‌آس‌تپه تا پل خواتون‌که مرز ایران وشوروی است میباشد.ازشمال به‌بخش‌کلات ازشهرستان‌دره‌گز ازباختر به‌کوه الاداغ ودهستان پائین ولایت از بخش‌فریمان. از طرف جنوب به‌بخش جنت‌آباد.[2] »

این پیداست‌که چون‌آدمی‌که هرروز زندگیش یکسان نیست‌و نمی‌تواند یکسان باشد، هرشهری نیز باگذشت‌زمان درمسیردگرگونی قرارمیگیرد وپیش‌آمد تازه‌ای ازگذرگاه آن میگذرد. گذشت زمان تابش باد وآفتاب.ریزش‌برف‌وباران.زلزله‌های سنگین. پیش‌آمدهای

---

۱ــ جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت‌شرقی. تألیف لسترنج ترجمهٔ عرفان ص ۴۲۱

۲ــ فرهنگ جغرافیائی‌ایران جلد۹ــ ص۲۱۲

سیاسی واجتماعی. بی‌توجهی زمامداران وقت. دلزدگی مردمان ازشهر ودیارخود، همه وهمه درسرنوشت تمام مظاهریك کشور و یك شهر و یك دهات، در ادوارمختلف نقش مهمی ازنظر دگرگونی بازی‌کرده و میکنند.

شهرسرخس نیزازاین قاعده برکنارنبوده ونیست.

با نگاهی گذرا به‌آنچه جغرافیانویسان در ادوارمختلف دربارهٔ سرخس ووضع آن نوشته‌اند مطلب بالابخوبی روشن وآشکار میشود.

«بارتولد»که چندکتاب ارزشمند دربارهٔ جغرافیا دارد، دربارهٔ سرخس مینویسد: «دربارهٔ وسعت شهرسرخس پیش ازاسلام اطلاعی‌در دست نیست. درنخستین قرنهای بعداز اسلام شهری تا حدی مهم بوده وفقط به‌وسعت نیمی ازمروبوده»[1]

همانطوریکه«بارتولد» مینویسد پیداست‌که درازمنهٔ قدیم‌یعنی درقرنهای‌اولیهٔ رسوخ‌اسلام درایران شهرسرخس آباد وبه‌علت‌شاهراه بودن مورد توجه بسیاربوده است.

این نیزپیداست‌که سرخس درروزگار سلطان محمود و روزگار پسرش سلطان مسعود غزنوی روزگاری به‌سامان داشته است. وضع سرخس را درآن روزگارمیتوان ازلابلای‌اشاره‌های مورخ‌راست‌نویس خواجه ابوالفضل بیهقی دبیر بخوبی باز شناخت. زیرا بیهقی خود روزگاری درآن ناحیت‌آمدورفت داشته و دریائی ازحقیقت در تمام سطورنوشته‌اش موج میزند.

---

۱ــ «بارتولد» آبیاری در ترکستان. ترجمهٔ کریم کشاورز چاپ اول آذرماه ۱۳۵۰ ص۶۰

بیهقی مینویسد: «چون‌ازبغلان بنده برفت سوی بلخ نالان‌شد، و مدتی به‌بلخ بماند. چون به‌سرخس‌رسید سپاه سالارخراسان‌حاجب غازی‌آنجا بود و خبرآمدکه سلطان‌محمود فرمان یافت[۱].»

ونیزهمو درجای دیگردربارهٔ به‌سلطنت رسیدن سلطان مسعود مینویسد: «وسلطان فرمود تا نامه‌ها نبشتند به‌هرات. وپوشنگ‌وطوس وسرخس ونسا وباورد وبادغیس‌وگنج‌روستا، به‌بشارت این‌حال‌که اورا تازه‌گشت ازمجلس خلافت[۲].»

دراینجا ازنوشتهٔ بیهقی معلوم است‌که سرخس به‌روزگارسلطان مسعود درردیف شهرهائی چون طوس ومرو، قرار داشته است و باز بیهقی درجای دیگردربارهٔ سرخس (ازگفتگوئی‌که بین‌سلطان مسعود ویکی ازدبیران دستگاه اوگذشته) مینویسد: «وگفت‌که ما آنچه باید بفرمائیم. عبیدالله چه‌شغل‌داشت؟گفت صاحب بریدی سرخس. ودیگر روزچون امیربارداده‌مگان ایستاده بودیم. امیرآوازداد.عبیدالله‌ازصف پیش‌آمد. امیرگفت بدیوان رسالت میباشی؟گفت میباشم.گفت‌چه‌شغلی داشتی به‌روزگارپدرم؟گفت صاحب بریدی سرخس.گفت همان شغل‌به توارزانی داشتیم.اما بایدکه به‌دیوان ننشینی‌که‌آنجا قوم انبوه‌است.»[۳]

ونیزمی‌نویسد: «وخواجه ازآنجا سوی نیشابور کشید و به‌مرو الرود وسرخس چهارغلام دیگررا بفروخت،»[۴]

---

۱ـ تاریخ بیهقی به‌اهتمام دکترفیاض چاپ دانشگاه مشهد ۱۳۵۰ ص۲۹

۲ـ همان کتاب ص ۵۳

۳ـ تاریخ بیهقی به‌اهتمام دکترفیاض چاپ دانشگاه مشهد ص۱۷۷

۴ـ همان‌کتاب ص ۲۵۴ـ۲۵۵

و نیزهمومیآورد «وامیر به‌هرات رسیدروزپنجشنبه نیمهٔذوالحجه و روزچهارشنبه بیست ویکم این ماه ازهرات برفت براه پوشنك تا سوی سرخس رود»[1]

«امیر رضی‌الله‌عنه به‌سرخس آمد چهارم محرم، و برکرانهٔ جوی بزرگ سرای‌پرده و خیمهٔ بزرگ زده بودند و سخت لشکر بـود در لشکرگاه»[2]

«امیرگفت همچنین است، اکنون باری روزی چند به سرخس بباشیم تا نگریم حالها چگونه‌گردد.»[3]

و نیزمینویسد: وطاهر را به‌هندوستان بردند وبه‌قلعت‌گیری باز داشتند ودیگران را به‌شهرسرخس بردند وبه‌زندان باز داشتند.»[4]

وبیهقی باز دربارهٔ وضع ترکمانان درآن زمان مینویسد ــ که نظرترکمانان این است‌که: «باید خواجهٔ بزرگ به‌میان‌کار درآید، و درخواهد ازخداوند سلطان، تا این «شهرکها»که به‌اطراف بیابان‌است چون مرو. سرخس. وباورد. ما رادادهاید[5].»

ازچند نظربیهقی درچند موردکه نامی ازسرخس بمیان آورده معلوم است‌که شهرسرخس یا به‌نقل قول بیهقی از ترکمانان «شهرك» سرخس ازتمام‌مزایای زمانی برخورداربوده صاحب‌برید داشته.زندان

---

۱ــ همان‌کتاب ص ۵۶۰

۲ــ تاریخ بیهقی به‌اهتمام دکترفیاض چاپ دانشگاه مشهد ص۵۶۳

۳ــ همان کتاب ص ۵۶۵

۴ــ همان کتاب ص ۵۷۰

۵ــ همان کتاب ص ۶۶۰

داشته.گنجایش پذیرائی ازسپاه وسرباز ولشکربسیار داشته. و وضع آن طوری بوده که سلطان بتواند برکرانـهٔ رود آن چند روزی به استراحت پردازد. این‌ها همه‌خود نشان دهندهٔ اهمیت سرخس درآن روزگاراست.

بهرحال پس‌ازبیهقی هم مورخانی‌که ازآن ناحیه گذشته‌اند تا حدودی وضع زمانی سرخس را روشن‌کرده‌اند. لسترنج نظربرخی از جغرافیا نویسان را دربـارهٔ سرخس درکتاب خـود آورده و نیز در کتابهای دیگری‌که پس‌ازلسترنج دربارهٔ جغرافیای ایران تألیف‌یافته دربیشترآنها شرحی دربارهٔ سرخس‌آمده است و چون اخیراً تحقیق تقریباً کاملی دربارهٔ سرخس انتشاریافته[1] پرداختن به‌وضـع تطوری سرخس دراین نوشته‌کار بی‌فائده‌ای است. به‌دنبال این مطلب به‌شرح کوتاهی دربارهٔ وضع سرخس در اواخر دورهٔ قاجاریـه میپردازیم و نوشتهٔ جامعی راکه محمدحسین مهندس دربارهٔ وضع سرخس درسال ۱۳۱۱هجری‌قمری‌درآخرسلطنت‌ناصرالدین‌شاه دربارهٔ سرخس‌تنظیم وترسیم‌کرده درزیر میآوریم،

میدانیم‌که وضع سرخس‌در دورهٔ قاجاریه بیش ازهردورهٔ‌دیگر تاریخ ایران دستخوش تزلزل وناملایمات بوده و این تزلزل از اوایل جنگهای ایران وروس‌تا پایان یافتن قراردادهای مرزی بین دوکشور وجود داشته است.

دردورهٔ قاجاریه مردم ناحیه مرزنشین ایران (بخصوص قسمت

---

۱ـ نوشتهٔ دکتر عباس سعیدی استادیار جغرافیا. مجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات وعلوم انسانی‌مشهد سال۸ ص۷۱۰ به‌بعد

مرزی ایران وشوروی) کمتر روی آرامش دیده‌اند. گاهی از دست مرزداران روس به‌عذاب بوده وگاهی ازدست‌حکام ایالتی ایران خانه بدوش. این وضع نه‌تنها دراهالی مرزنشین‌ایران جریان داشته،کسانی هم که درخط مرزی دولت روس زندگی میکردند روزگار آشفته‌ای داشته‌اند وازبیم جان به‌کشور ماپناه می‌آورده‌اند. دراین‌زمینه‌اسنادو مدارك بسیار دردست است. برای نمونه دوقسمت از دوگزارش میرزا نصراله‌خان مشیرالدوله رابه‌ناصرالدین‌شاه‌که‌تائیدکنندهٔ مطلب‌بالااست درزیر میآوریم.

میرزانصراله‌خان مشیرالدوله درملاقاتی که درماه‌جمادی‌الثانی ۱۳۰۰ هجری قمری با شارژدافر دولت روسیه داشته است‌وازملاقات خود به‌ناصرالدین‌شاه‌گزارش داده مینویسد:

«لهذا اگر این اطـراف داخل خاك روسیه بشود و دراین جا شهرهای معتبر ازقبیل عشق‌آباد بنانمایند، اغلب اهالی آن‌محالات‌از سختی و تعدی که این اوقـات از حکام درحق آنها وارد میآید به‌آن شهرها پناه‌خواهند برد وسال به‌سال‌که اهالی کمتر شوند تعدی حکام برای تحصیل مالیات وغیره زیادتر خواهد بود. به‌این وضع قوه هستی مملکت خراسان شمالی به‌زودی‌کاسته خواهد شد. از آنکه این‌فقره احتمال دارد، از این معلوم میشود که‌درپائیز گذشته چهل‌خانوارکرد ازرادکان که درنواحی مشهد میباشد فراری شده ورفته‌اند به‌تجند،از جهت تعدیات فوق‌العاده‌ای که به‌اهالی آن قریه وارد آمده بود.

وهمچنین درتابستان گذشته خبر به‌محمدآباد رسید که‌تنخواه زیادی از اهالی آن‌جا خواهند گرفت‌که بفرستندبه‌مشهد. ازاین‌بابت

چهارصدنفر از اهالی فراری شده ورفتند رو به‌عشق آباد به‌طوری که قشون عقب آنها فرستادند و آنها را مراجعت دادند.[۱] ونیز مشیرالدوله درگزارش دیگری که به‌ناصرالدین‌شاه ازملاقات خود با وزیرمختار روس داده مینویسد:

«ثانیاً درباب اصناف تبعهٔ ایران که درگنجه و درسایر ولایات روسیه توقف‌دارند وکارگزاران روس به‌عنوان فراری آنهارا معترض شده میگیرندکه سه‌روزه به‌ایران بروید یا تبعیت روس راقبول‌نمائید ازروی‌کاغذ معین الوزاره[۲] آنچه لازم بود به وزیر مختار روس اظهار و مطالبه کرد که تلگراف نماید واز آن معامله آنها را بازدارد.»[۳]

برای نمونه دوسند ازدو دوره‌یکی درزمانهای‌خیلی دورویکی خیلی نزدیك‌به‌زمان خودمان‌دربارهٔ سرخس درپیش‌آوردیم تاخواننده زمینهٔ آشنائی باسرخس را داشته باشد.

بهرحال بدنبال‌کشمکشهای مرزی گزارشهای بسیاری به‌ناصر-الدین‌شاه میرسد. ناصرالدین‌شاه درصدد برمیآید که به‌وضع‌شهرهای مرزی نیز توجهی بشود . میرزا سعید خان مؤتمن‌الملك وزیرامور خارجه مأمور میشود که قراردادی‌دربارهٔ حدود مرزی بادولت‌روسیه امضاء کند..

---

۱ـ گزارش میرزا نصراله خان مشیرالدوله به‌ناصرالدین شاه بتاریخ ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۰۰ هجری .

۲ـ میرزا رضاخان ارفع‌الدوله که نخست لقب معین‌الوزاره یافت و سپس ملقب به‌پرنس ارفع شد.

۳ـ گزارش مصباح‌الملك (نصرالله‌خان مشیرالدوله) به ناصرالدین‌شاه بتاریخ ۱۳۰۴ هجری قمری نسخه خطی متعلق به نگارنده .

میرزاسعیدخان کاری‌اساسی انجام نمی‌دهد وکشمکشهای‌مرزی دنباله پیدا میکند. درهمین سالها است که بدستور ناصرالدین‌شاه مهندسینی‌برای‌گزارش ازوضع شهرهای مرزی‌ایران فرستاده‌میشوند. میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله درسال۱۲۹۹ هجری‌قمری مأموررسیدگی وضع‌خوزستان میگردد. (سفرنامهٔ‌گزارش سفر او معروف است.)ونیز پیداست‌که ۱۲سال پس‌ازنجم‌الدوله‌محمد حسین‌مهندس تنظیم‌وترسیم کننده‌گزارش سرخس که شرح‌آن‌درزیر میآید مأمور سرحدی‌حدود سرخس‌گردیده است. متأسفانه از محمد حسین مهندس شرح احوالی بدست‌نیآمد.

گزارش محمدحسین مهندس برای اولین مرتبه بچاپ میرسد. این‌گزارش‌در۲۱ صفحه تنظیم وترسیم‌گردیده ومیتوان گفت‌که‌گزارش کاملی است‌که‌دربارهٔ سرخس درروزگار قاجاریه تنظیم‌وترسیم‌گردیده است. زیرا پیداست که‌گزارشگرآن بتمام آبادیها و دهات سرخس سرکشیده ووضع آن ناحیه را دقیق درگزارش خود شرح داده است. خود درصفحهٔ سوم‌گزارش خود مینویسد:

«کلیهٔ امتداد کشف‌رودوهری رود ازمشهد الی سرخس‌ناصری وسرحد اتك به‌انضمام دهات و آبادیهای طرفین خطوط رودخانه و خطوط راه وغیره‌که‌حسب‌الامر بندگان مستطاب اسعد اشرف‌والامؤید الدوله فرمانفرمای‌مملکت خراسان‌روحی فداه درمأموریت‌بسرحدات سرخس ترسیم نموده تقدیم داشت. فی‌شهر ذی الحجةالحرام ۱۳۱۱ [هجری‌قمری] محمدحسین مهندس». گزارش محمد حسین مهندس

را بطور کامل درزیر میآوریم وضمناً برای اینکه آبادیها و دهاتی که اودرگزارش خود نام برده نیز شناخته بشوندشرحی راکه دربارهٔ آنها درکتابهای جغرافیائی آمده درپا صفحه نقل میکنیم.

**محمد گلبن**

# نمائی از سرخس

کتابچهٔ نقشهٔ کلیهٔ امتدادکشف رود ازپل شاهی الی‌پل‌خواتون وازآنجا قطعه‌ای ازسرحد هریرود است الی سرحد سرخس به‌انضمام قراءِ ودهات ساحل طرفین وخطوط راه وغیره‌که درصفحه (سوم) نقشهٔ اول تماماً ودرچند صفحه دیگرقطعات امتداد مذکـور را بمقیاسهای بزرگترحسب‌الامر بندگان حضرت‌مستطاب‌اشرف اسعدوالامؤیدالدوله[1] فرمانفرمای مملکت خراسان روحـی فداه در مأموریت بسرحدات سرخس ترسیم نمود،

طول‌کشف رود ازپل شاهی الی پل خواتون[2] درمصب رودخانه

---

۱ـ ابوالفتح میرزا مؤیدالدوله : (پسر سلطـان مراد میرزا حسام‌السلطنه پسر سیزدهم عباس میرزا نایب‌السلطنه) داماد ناصرالدین‌شاه‌قاجارکه ازسال۱۳۱۰ هجری ــ قمری استاندار خراسان گردیده .

۲ـ پل‌خـواتون Pol-Xatun ده از دهستان جنت آبـاد بخش صالح آبـاد شهرستان مشهد ۳۶ ك شمال خاوری صالح‌آباد مالاریائی سکنه ندارد.پاسگاه مرزی و ژاندارمری دارد. (فرهنگ جغرافیائی ایران جلد۹ ص‌ـ۷۸)

مذکوراست بتفصیل ذیل قریب به‌بیست وچهارفرسخ است وسرچشمه ازالنك رادکان[1] است‌که قریب به‌دوازده فرسخ بالاترازپل شاهی است ونزدیك به‌چهل‌آبادی درکناراین رودخانه واقع است‌که تماماً ازآب زراعت دارندآبش‌زاینده است ومیزان‌آبی‌که هریك ازآبادیها جهت زراعت‌جدامیکنندعبارت‌ازآن‌مقداری‌است‌که از زیردست بندآبادی بالاترازکف رودخانه میجوشد وتا به‌محل‌آبادی مابعدش برسد قریب به‌شش هفت سنگ میشودکه تماماً حق همان‌آبادی است و این قدر منتها درجهٔ فصل‌کم‌آبی است. لیکن درفصل بهار وطغیان در هر نقطه متجاوز ازسیصد سنگ‌جاری‌است. شیرین وگواراست. ولی درتابستان وپائیز ازحدود قرابوغه[2]که شش فرسخی مشهد است الی پل خواتون به‌اختلاف محل‌شوراست وهوای ساحلش بواسطهٔ مجاورت جنگل‌گز، ناسازگار.

خط راه سرخس از رباط به‌دوجهت میشود. یکی‌راه‌مزدوران[3]

---

۱ــ «رادکان»، Rad-Kan نام یکی‌از دهستانهای بخش حومه شهرستان‌مشهد است. حدود دهستان ازطرف شمال وشمال خاوری کوه هزارمسجد ، جنوب وجنوب باختری دهستان چناران، باختربکوه تخت‌رستم محدوداست. رودخانه کشف‌رودازاین‌دهستان سرچشمه‌گرفته تا پل‌خواتون‌جریان پیدامیکند (فرهنگ جغرافیائی ایران ج۹ ــ ص۱۸۳)

۲ــ قرابوغه: درنقشه‌اول قرابوغه را درنزدیکی علی‌آباد ومحله‌تیموری نشان داده است.

۳ــ مزدوران Mozduran نام یکی‌ازدهستانهای بخش‌سرخس شهرستان‌مشهد، محدود است ازطرف شمال به‌دهستان چهچهه، ازجنوب بدهستان نوروزآباد . ازباختر به‌کوه‌الاداغ ازخاور بدهستان کندکلی ، موقعیت دهستان کوهستانی کلیه قراء در دامنه خاوری‌کوه قره‌داغ‌واقع اغلب آنهاازچشمه‌سار مشروب ـــ

است‌که ازرشته‌کوه مزدوران‌گذشته به‌شرخ وگنبدلی میرسد، وازآنجا به‌سرخس ناصری منتهی میگردد. رباط ماهی ازبناهای مخروبه بایر بسیارمعتبری است‌که تماماً باآجر وگچ ساخته شده ومحلی است‌که استعداد پنجاه خانوار و پانزده زوج زراعت را دارد. سابق خالصهٔ دیوانی، فعلامتعلق بجناب عضدالملک[1] است.

مزدوران، فاصله‌اش ازرباط ماهی سه فرسخ. ملکی سواران مزدورانی است، عددسوارپنجاه وهفت، سپرده به‌حاجی محمدمیرزای پسرمرحوم قهرمان میرزا. آبش چشمهٔ معدنی وگرم ومقدارش‌بتفاوت سال ازپنج زوج الی یك سنگ میرسد ومحلش درجای مرتفع قریب به‌قله وخطالرس‌کوه مزدوران است.

شرخ[2] فاصله‌اش تا مزدوران چهار فرسخ است، آبادی ندارد فقط دره‌ای است‌که دردامنهٔ شمالی‌کوه مزدوران‌درمغرب تربکان‌واقع است وچشمه‌والنك معتبری‌دراین دره‌جاری‌وواقع است، محل‌علف‌چر رمه‌های تیموری است.

گنبدلی[3] محلی است که درشش‌فرسخی سرخس‌وچهار فرسخی

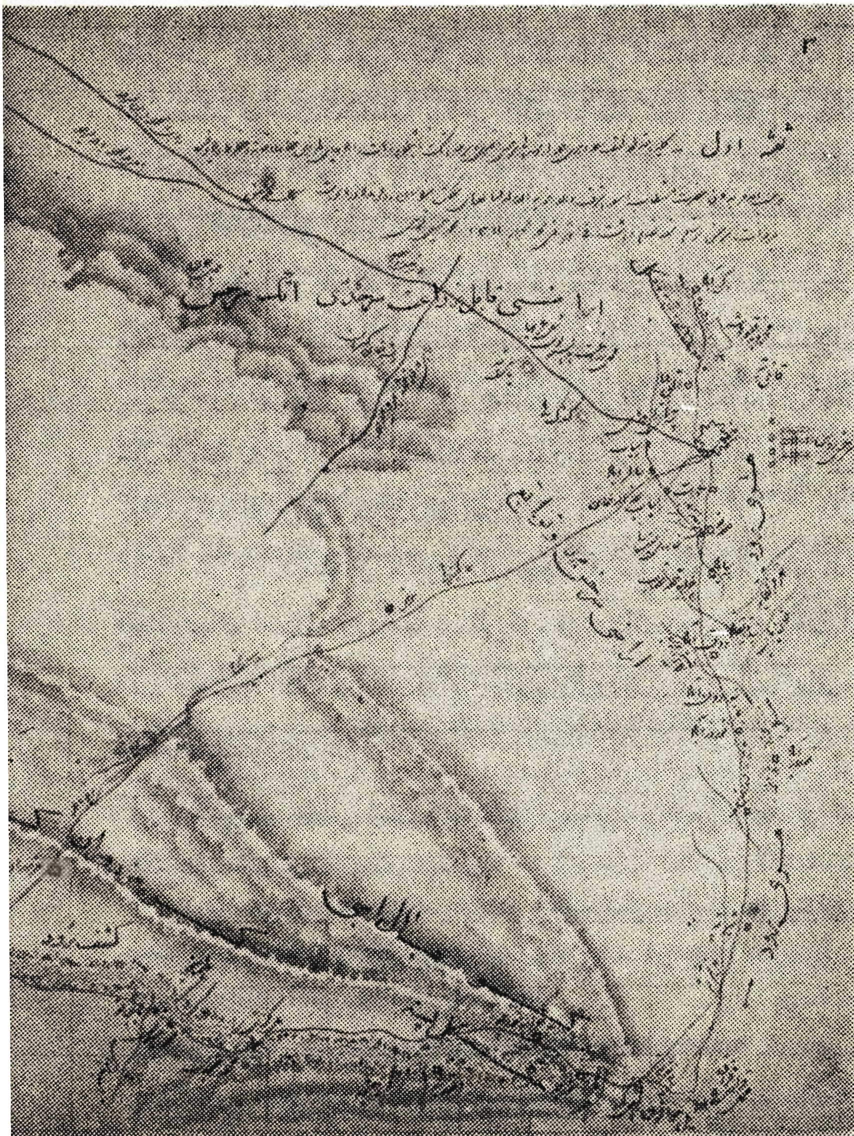
---

← میشوند محصول عمده غلات . تریاك، باغات، شغل زراعت، راه مالرو و صعب‌العبور است. (فرهنگ جغرافیائی ایران ج۹ـ ص۳۹۰)

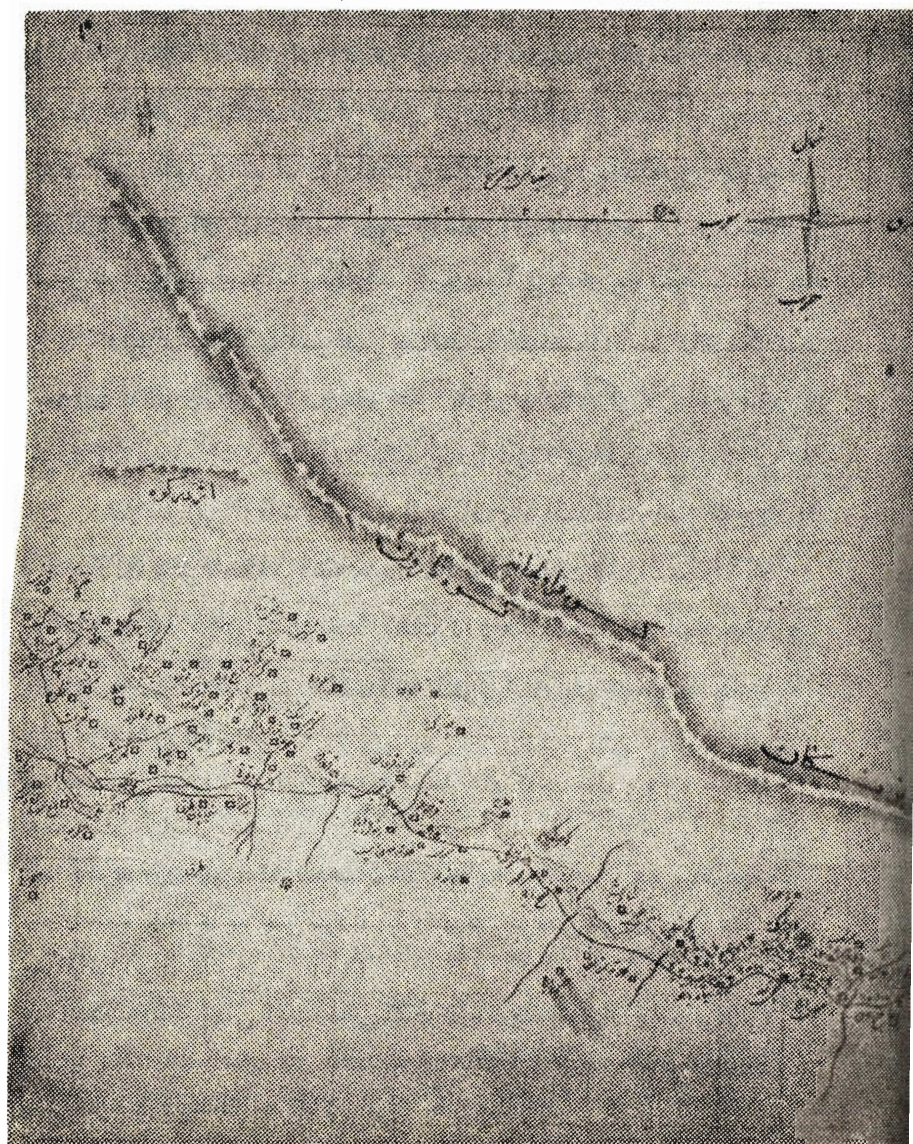
۱ـ عضدالملك ، علیرضاقاجار عضدالملك .

۲ـ شرخ؟ درمتن مینویسد فاصله‌اش تا مزدوران ۴ فرسخ است.

۳ـ گنبدلی: Gonbedli ده از دهستان مزدوران بخش سرخس شهرستان‌مشهد ۳۹ك جنوب باختری سرخس، سرراه شوسه‌مشهد سرخس (همان‌فرهنگ ج۹ـ ص ۳۶۹) .



نمائی ازسرخس/۲۳



شرح واقع است چند سال قبل مرحوم مؤتمن‌السلطنه[1] بشراکت حضرت والارکن‌الدوله[2] اقدامی در آبادی آنجا نمودندومبلغی هم‌مخارج کردند وچند خانوار سکنادادندلیکن عمل قناتش به‌انتها نرسیدوآبش‌جاری نشد. آبش شور وتلخ است اراضیش بسیار وسیع وحاصلخیز. چنانچه اقدامی دراجرای قنات آنجا بشود وقلعه وآب‌انباری هم بسازند ملك معتبری خواهد شد ولی عجالتاً بی‌سکنه وآبادی است.

ونیزازمزدوران‌به‌سرخس چنانچه‌درنقشه‌نموده است راه‌دیگری معروف به‌راه چگودر[3]که بهیچوجه آبادی ندارد مگر در سه‌فرسخی مزدوران محلی است که یورت‌سیاه چادر تیموری است.

خلاصه این اوقات راه معمول همان راه اقدربند[4] است‌که‌چهار فرسخ ازراه مشروحه معروضه مزدوران دورتر است واز اسمعیل‌آباد[5] که مقابل رباط ماهی است بخط کشف رود ممتد میشود و همه جادر

---

۱ــ مؤتمن‌السلطنه، حاجی‌میرزا محمدرضا مستوفی سبزواری که سالها پیشکار مالیه خراسان بوده‌است.

۲ــ محمدتقی میرزا رکن‌الدوله فرزند محمد شاه که در سال ۱۲۹۸ هجری به‌حکومت خراسان رسید.

۳ــ چگودر Gakudar: ده، ازدهستان شوریچه بخش سرخس، شهرستان‌مشهد ۶۶ ك جنوب‌باختری سرخس سرراه مالروعمومی سرخس‌به‌مزدوران (فرهنگ جغرافیائی ایران جلد ۹ــص ۱۱۶)

۴ــ اقدربند «نقطه مهمی است‌ومحلی است‌که بایدچند خانوار برسم قراولی درآنجا سکناداشته باشند» متن. آق‌دربند Ag-Darbend ده‌از دهستان شوریچه بخش سرخس (فرهنگ جغرافیائی ایران جلد ۹ــ۲۵).

۵ــ اسمعیل‌آباد: Esmail Abad ده،از دهستان صالح‌آباد بخش صالح آباد شهرستان مشهد. )فرهنگ جغرافیائی ایران جلد۹ ص۲۰)

کنار رودخانه میرود تابه‌سرخس برسد.

اسمعیل‌آباد متعلق بصدرآستانهٔ مقدسه وچند خانوار سکنه دارد وزراعت مینمایند. ازاسمعیل‌آباد به‌باغباقو![1] سه‌فرسخ است.

باغباقو به‌علی اصغرخان رئیس تلگرافخانه آذربایجان بملکیت مرحمت‌شده اگرچه چهارسال قبل اقدامی درآبادی آنجا نمودوچهار صد پانصدتومان هم مخارج کرد لیکن صورت آبادی نگرفت وبعداز مراجعت خودش از ارض اقدس خانوار آنجا متفرق شد و فعلا چند غلام تلگراف که مستحفظ سیم میباشند دراین قلعه ساکنندوگاهی‌هم تلگرافچی مأمور این نقطه میشوداز باغباقوالی اقدربندقریب به‌چهار فرسخ است.

اقدربند نقطهٔ مهمی‌است ومحلی است‌که باید چندخانواربرسم قراولی در آنجا سکنا داشته باشند . هم صورت آبادی بگیرد و هم مستحفظ راه باشند.ولی فعلاآبادی ندارد قلعه‌اش برجااست.آب‌انباری هم اگر دراین محل ساخته شود موجب کثرت تردد وآبادی این راه خواهد شد. اگرچه ازباغباقو الی شورچه[2] چند چشمه آب‌شیرین در دامنه‌ها بهم میرسد لیکن چون ازخط راه مسافت دارد و وصول بآنها

---

۱ـ باغباقو! «ظاهرا؟ باغوچه ملاحسین؟» ده‌از دهستان میانولایت بخش حومه شهرستان مشهد ۱۴ ك شمال باختر مشهد ـ۱ ك كنار كشف رود. (فرهنگ جغرافیائی ایران جلد۹ص ۴۶).

۲ـ شورچة: ظاهرا ؟ شوریچه مرکزدهستان شوریچه بخش سرخس شهرستان مشهد، ۷۳ ك جنوب باختری سرخس‌ـ سر راه مالروعمومی پل خواتون‌به مزدوران. (فرهنگ جغرافیائی ایران جلد ۹ـص ۲۴۵)

جهت عابرین سرپل مشکل است، شرح سایر نقاط درنقشه‌جات جزو ازعرض لحاظانورخواهد گذشت. دراین نقشه ازمنتها الیه امتدادکشف رود وقطعه‌ای‌ازامتداد هری‌رودنموده‌شده‌است.وآبادیهای ساحل کشف رودکه دراین نقشه نموده شده‌است، عبارت‌ازشورچه وپس‌کمر وجلگهٔ پل‌خواتون‌است.

شورچه و پس‌کمر[1] ازنقاطی‌است‌که جمشیدیها متصرف هستند ومواضع با اهمیتی است وعمدهٔ جنگل‌پسته دردامنهٔ کوهسار شورچه واقدربند وپس‌کمر است. ولی بواسطهٔ بی‌اعتدالی که ذغال سوزان که دربریدن درختهای نورس مینمایند معلوم بودکه‌چند فرسخ ازجنگل این کوهسار قریب به‌اتمام است. خوب است قدغن شود که دربریدن حداعتدال مرعی شود وباندازه که ازطرف حکومت معین ومقرر شود رفتار نمایند.

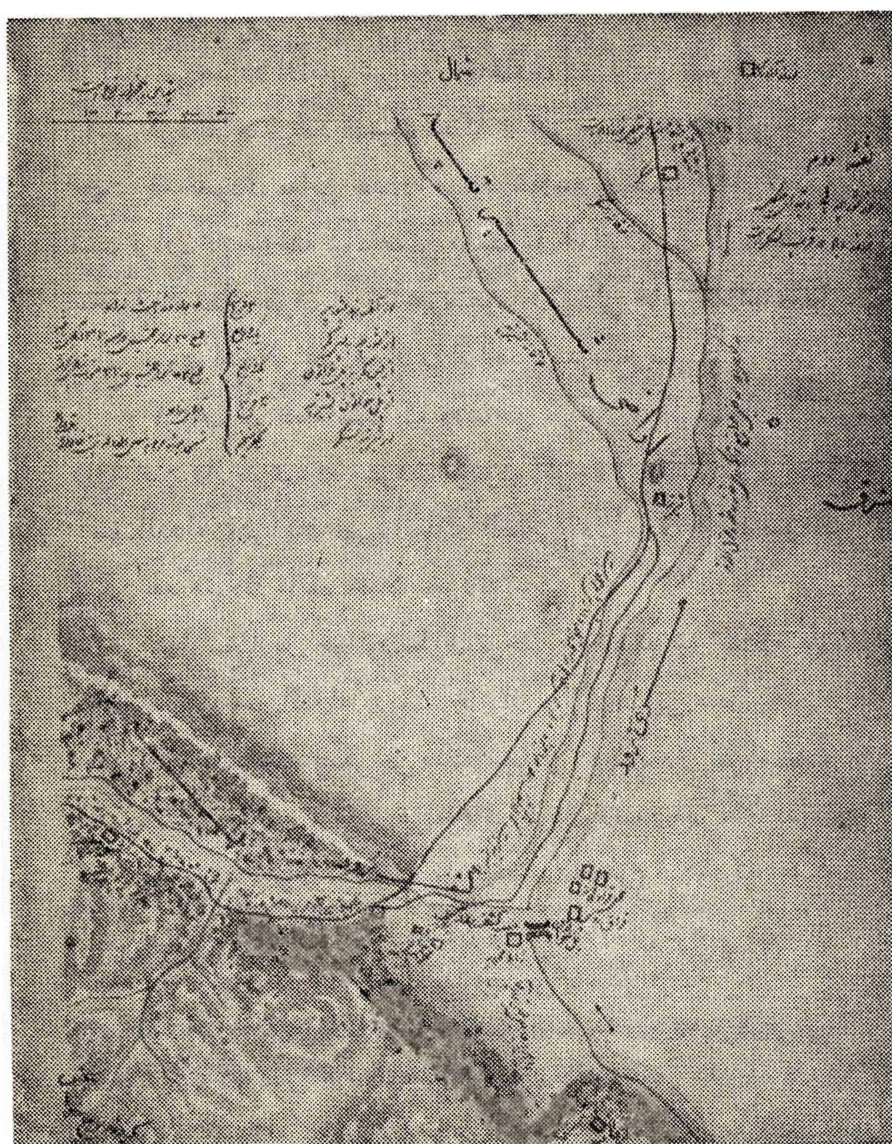
پل‌خواتون اگرچه اراضیش چندان وسعت ندارد لیکن بقدر چندخانواری‌که بسمت‌قراولی دراین محل ساکن‌باشند ممکن است‌در آنجا قراردادکه‌طرح آبادی اندازند ومحافظت‌طرق ومعابرکوهستانی طرف روزآباد وسرجام را بنمایند. زیرا که ایاب‌وذهاب اغلب‌سارقین واشرار افغانستان بجلگهٔ سرخس ازحدود گرماب وپل خواتون‌است.

یکصدنفرقراول‌قزاق‌روسی درپل‌خواتون‌اقامت دارندومنزلهای متعدد ساخته‌اند واغلب اوقات ازآن سمت بخاك ماآمدوشدمینمایند

---

۱ــپس کمر Pas-Kamar ،ده‌ازدهستان شوریچه‌بخش سرخس شهرستان‌مشهد ۷۲ك جنوب‌باختری‌سرخس،سرراه مالروعمومی پل‌خواتون‌آق‌دربند، (فرهنگ جغرافیائی ایران جلد ۹ــص ۷۷).

نمائی ازسرخس/۲۷



وگردش میکنند، چنانچه درهمین سفر سه‌سوار قزاق طرف‌خاك ایران درکنار سرحد در اراضی شیرتپه [۱] به‌فدوی رسیدند و سئوالی بزبان روسی کردند. همین‌قدر فهمیده شدکه تحقیق میکردند. که این‌چاکر جهت چه‌مقصودی به‌این حدودآمده‌ام. خلاصه از جمله نقاطی‌که‌لازم است قراول‌خانه‌ساخته شود همین موضع پل‌خواتون‌است که درمقابل سخلوقزاق روس طرف ایران هم مأمور وقراولی حاضر باشد حفظ معابر نموده اشخاص غیر مجاز را ازآمد وشد منع نمایند.

گرماب هم نقطه‌ایست که درساحل هری‌رود، طرف‌خاك‌ایران واقع است واز هری رود مشروب میشود. اگرچه درنه‌سال قبل‌مرحوم آصف‌الدوله [۲] بشراکت نصرة‌الملك [۳] اقدامی درآبادی آنجا نمودند لیکن بعد متروك مانده وفعلا مخروبه است.

سه‌فرسخ ازپل خواتون‌بطرف‌سرخس موضع‌شیرتپه است‌ومتعلق بورثه مرحوم معین‌الدوله [۴] وبیست‌خانوار بربری دراین محل‌ساکن و مشغول زراعت‌هستند لیکن‌این ملك‌گنجایش واستعدادش بمراتب‌بیش ازاین است. چنانچه ازآثار خرابه‌های اطراف وتعدد شهرهای قدیمه که ازکشف‌رود وهری رودمنشعب میشده‌است معلوم میشود که جلگه

---

۱ـ شیرتپه، Cir-Tappe ده، از دهستان نوروز آباد بخش سرخس شهرستان مشهد ۴۲ ك جنوب سرخس، سرراه مالروعمومی به‌پل‌خواتون.

۲ـ آصف‌الدوله،حاجی‌غلامرضاخان شاهسون آصف‌الدوله.که پس‌ازعلی‌نقی میرزا رکن‌الدوله والی خراسان شده است.

۳ـ نصرةالملك: علی‌خان قراگزلو.

۴ـ معین‌الدوله، احمدمیرزاپسر دهم عباس میرزانایب‌السلطنه‌که مدتی‌زندانی برادرش محمدشاه بوده ودرسال ۱۳۱۰ هجری‌قمری درمشهد وفات یافته‌است.

شیرتپه بلوکی بوده مشتمل برچند آبادی. پارچه‌های آسیاب فلزی و ظروف‌چینی و آجرهای بسیار بزرگ درخرابه‌های محل بمقدارزیاد یافت میشود.

وسنگر[1] که‌یك فرسخ‌نیم ازشیرتپه پائین‌تراست جمع‌سیستانی‌ها است که بواسطهٔ ناخوشی و خشك سالی سنهٔ ماضیه امسال وضعشان بفلاکت وسختی کشیده ودرهذالسنه چندان زراعتی ندارند و بیش از هشت‌خروار بذرنکرده بودندوحال آنکه،استعدادش درزراعت،ووسعت اراضیش، برابر شیرتپه است.

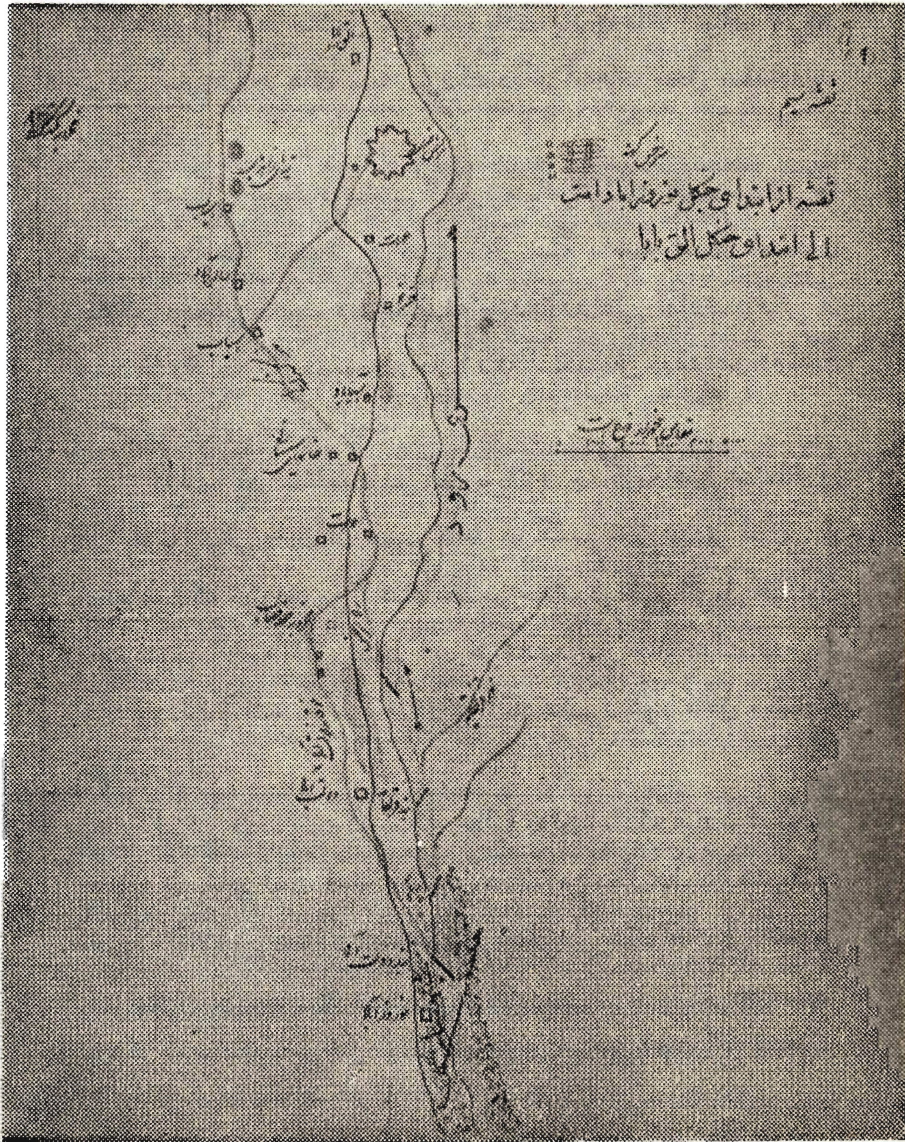
دولت‌آباد[2] بمناسبت سرآب بودن و جنگل داشتن استعدادش درآبادی وترقی دادن از جمیع نقاط جلگهٔ سرخس بیشتر است . و نقطه‌ایست‌که میتواند مرکزتمام خط سرحدی سرخس الی‌پل خواتون واقع شود. خاصه اگر تقسیم آب هری‌رود بین خاك دولت روس و خاك [دولت] علیه در سربند دولت آباد مقرر شود محل معتناوبه خواهد بود.

لیکن حیف است‌که سکنهٔ حالیهٔ دولت‌آبادکه عبارت ازیکصد خانوار سیستانی است استعداد ترقی دادن این محل را ندارند. به‌این معنی‌که اقلا این جماعت وضعشان غیرمنظم وپریشان است و اهتمامی

---

۱ـ سنگر: Sangar ده،از دهستان نوروزآباد بخش سرخس، شهرستان مشهد ۳۸ ك جنوب‌خاوری سرخس سرراه‌مالروعمومی سرخس‌به‌جنت آباد (فرهنگ جغرافیائی ایران جلد ۹ـ ص ۲۲۵) .

۲ـ دولت‌آباد Dowlat_Abad ده، از دهستان نوروز آباد بخش سرخس شهرستان مشهد ۲۰ ك جنوب سرخس‌سرراه مالروعمومی سرخس به‌جنت‌آباد (فرهنگ جغرافیائی ایران جلد ۹ـ ص ۱۷۳)



درعمل زراعت و فلاحت نمی‌نمایند. ثانیاً رعیت وسکنهٔ همچه نقطه لازم است‌که در تحت اطاعت رئیس مستقل باکفایت دولتخواهی باشند که بقدرت شخص و بصیرت کامل بتواند خـانوار و سکنهٔ این نقطهٔ سرحد را منظم داشته وسرپرستی نماید وجداً رعیت‌را مشغول زراعت داشته فوائدکلی ازمحصول این‌محل بردارند.

چنانچه رأی مبارك‌بندگان حضرت‌اشرف والاروحی‌فداه مقتضی باشدکه توجهی درانتظام این محل بفرمایند خالی از فایده نخواهد بود. باین‌ترتیب که اولا لازم است نهر ونوقانهٔ دولت‌آباد ثقیه شود و ممتدگردد، تا مقابل قلعه قصاب[1] به‌نوقانه کندك‌لی وصل شود و ثانیاً هرقدر ممکن است خانوار این محل را متزاید فرمایند و خانه‌های متعدد جهت‌رعیت ساخته شود وقلعهٔ آنها تعمیر گردد و بشخص کافـی کاردانی سپرده شودکه مواظبت نموده در ترقی دادن و تنظیم داشتن این‌نقطه جداً مشغول‌باشد. گذشته ازاینکه دربهارکه فصل طغیان‌آب است بهراندازه‌که خانوار و بذر باشد ممکن است زراعت نمایند و فائده‌هائی‌کلی ازمحصول غله عایدگردد. درتابستان هم بواسطهٔسرآب بودن تا یك اندازهٔ معین‌آب دارند ومیتوانند باغاتی طـرح نمایند و درختی غرس‌کنند واین جلگه را به‌ترتیب چند قطعه بـاغات همیشه سبز وخرم داشته‌باشند. وفقط این امتیاز در دولت‌آبـاد است نه‌سایر توابع سرخس.

---

۱ـ قلعه‌قصابـ Gal-Gassab ده ازدهستان نوروزآبادبخش سرخس‌شهرستان مشهد ۱۲ ك جنوب سرخس، سر راه مالروسرخس به‌پل خواتـون ( فرهنگ جغرافیائی ایران جلد ۹ـص ۳۰۳).

قلعه قصاب و آسیاباد[1] وقلعه نو[2] هم که ازتوابع سرخس محسوب میشود در کنار هری‌رود، بین دولت‌آباد و سرخس واقع است و بجز آسیاباد که بملکیت محمد تقی میرزای[3] مترجم کارگذار سرخس مرحمت شده است و چند خانواری سکنا داشته دو موضع دیگر مخروبه وبی‌سکنه است واستعدادآبادی تا یکدرجه دارد. نقشهٔ جلگه سرخس است واستعداد این جلگه فقط بـرای برداشت محصول گندم و ...[4] که اگر دوهزار خانوار بخواهند زراعت نمایندگنجایش دارد. زیراکه زراعت سرخس بهاره است ودر فصل طغیان آب ومعلوم است بتوسط نوقانهای[5] متعدد میتوان بمقدار زیاد ازرودخانه‌آب‌جدا نمود وتا زمان احتیاج بآب که آخرماه جوزا باشد مقدار آب هری‌رود نقصان کلی نمی‌پذیرد ومیزان آب درکمال طغیان درهرموضعی ازنقاط سرحد سرخس که تقریرشود قریب به‌هزارسنگ میرسدکه اگرخمس یا سدس آنرا بمصرف برسانند متجاوز ازهزار خروار در سرخس و توابع بذرمیشود. لیکن ملاحظهٔ گذران اهالی وسکنهٔ این حدود در تابستان خالی ازاهمیت نیست، درفصل کم‌آبی هری‌رود تقریباً منحصر

---

۱ـ آسیابادکه ازتوابع سرخس محسوب‌میشود درکنارهری‌رود بین‌دولت‌آباد وسرخس واقع است.

۲ـ قلعه‌نو–Galee-New ده،از دهستان میانولایت بخش حومه شهرستان‌مشهد ۱۲ ك شمال باختری مشهد ۲ ك شمال‌کشف رود (فرهنگ جغرافیائی ایـران جلد۹ ص ۳۰۴)

۳ـ محمدتقی میرزای مترجم شناخته نشد؟

۴ـ درمتن جای یك کلمه سفید است.

۵ـ نوقان ؟

به‌همان چشمه‌ساری است‌که زیردست نوروزآباد[1] ظاهراست ومقدار آبش درفصل مذکور قریب بده سنگ میشود و بموجب قـرار داد[2] خمس یاسدس آبی که‌بطرف‌سرخس میآید بیش‌ازدوسنگ نخواهدبود.

حال اگر تقسیم آب را در سربند دولت‌آباد قرار دهند بایدآب تابستانی سرخس‌هم از نوقانهٔ دولت‌آباد سیر کرده تـا به‌نهر کندك‌لی برسد واز آنجا به‌سرخس برسانند و این مسئله مستلزم این است‌که همیشه نوقانه دولت‌آباد وکندك‌لی [را] میبایدآباد نگاه داشت و راه بقای‌آبادی این‌دونهرکه ازابتدای بندالی سرخس مسافت چهارفرسخ است این‌است‌که اولا قراری بین‌سکنه واهالی دولت‌آباد و سرخس و آبادیهائی‌که درکنار هری‌رود واقع است مقررشود ومتفقاً اهالـی و سکنه این‌سرحد درتقیه این دونهر دراواخرسال چندروزی مجبور و و محکوم باشند. واز طرف اولیای دولت ابد مـدت هم درحق آنها رعایت ومرحمتی شود.

ثانیاً بطوایف‌تیموری وجمشیدی وغیره‌که درصحراهای‌سرخس

---

۱ــ نوروز آباد Now - Ruz -Abad نام یکی از دهستانهای بخش سرخس شهرستان مشهد که در باختر رودخانهٔ هریرود و جنوب سرخس واقع است. موقعیت‌دهستان جلگه، هوا،گرمسیر آب مزروعی‌کلیه قراء ازرودخانهٔ هری‌رود تأمین‌میشود. (فرهنگ جغرافیائی ایران جلد ۹ص ۴۲۶)

۲ــ برای اطلاع ازچگونگی قراردادهای مرزی ایران وروسیه واتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی رجوع شودبه «مجموعهٔ معاهدات دولت علیه ایران‌بادول خارجه» به‌اهتمام وگردآوری حسین پیرنیا «مؤتمن‌الملك» ص ۱۱۶ــ۱۷۴ و جلد۲، قرارداد دولت ایران وجماهیر شوروی راجع به‌استفاده از رودخانه‌ها وآبهای سرحدی‌واقع درامتداد سرحد ازرودخانه هریرود تابحرخزر ص۳۴۹

مرتع و چراگاه آنهـا است، قدغن سخت شودکه در حدود نـوقانها گوسفند نچرانند واز مواضع مخصوص‌که پل ساخته شود عبورکنند. درصورت رعایت واجرای دومسئله معروضه واهتمام حکومت ورعیت درحفظ نوقانها ورساندن آب، مقدارآبی‌که به‌سرخس وارد شوداقلا یك سنگ خواهد بود واین مقدار جهت سیراب داشتن چند قطعه باغاتی‌که طرح اندازند مسلماًکافی است.

فقرهٔ دیگرامنیت و انتظام است‌که باید حکومت و کارگذاری کمال‌مواظبت وکفایت را درامور وافعال ساکنین این سرحد از نوکر سخلو وطوایف عرب وسیستانی بخرج بدهد که مردم متفرقه برغبت جهت تحصیل‌منافع زراعتی دراین نقطه اجتماع نموده سکنا اختیار کنند و رفته رفته جمعیتی تشکیل شود و براعتبارات محل بیافزاید. چنانچه ازپل خواتون الی‌نقطهٔ‌که مبدأ سرحد شمالی واقع شود، در گدارهای هری‌رود تقریباً نزدیك به‌آبادیها جهت تردد ومنع سارقین ترکمان وافغانستان قراولخانه وقراول‌لازم است‌که همیشه هرقراول‌خانه حدود سپرده به آنجـا را مواظبت نموده، از وقـایع سرحدی فوراً حکومت وکارگذار را اطلاع بدهد ونگذارد ازطرف خاك‌روس بی‌تذکره عبورومرورنمایند. خاصه درسربند دولت‌آبادکه محل‌تقسیم آب است واجب‌است قراولخانه ساخته‌شود ومأموری ازطرفین درسر تقسیم‌آب حاضر باشد وآب را از روی درجه و میزانی که در کف رودخانه تعبیه کنند تقسیم کنند. واگر تقسیم آب بدین‌ترتیب نباشد مسلماً همیشه بین جماعت تراکمهٔ روس وطوایف سیستانی در سرآب منازعه واقع‌شده وگاه است‌که موجب بروزحادثه خواهد شدکه خالی

از تصدیع وگفتگو نباشد.

قلعه‌قوشه‌خان[1] که موضعش‌را درنقشه [چهارم] نموده‌است‌یك فرسخ‌ونیم پائین‌تر ازسرخس درشمال، ودرشمال واقع است!.

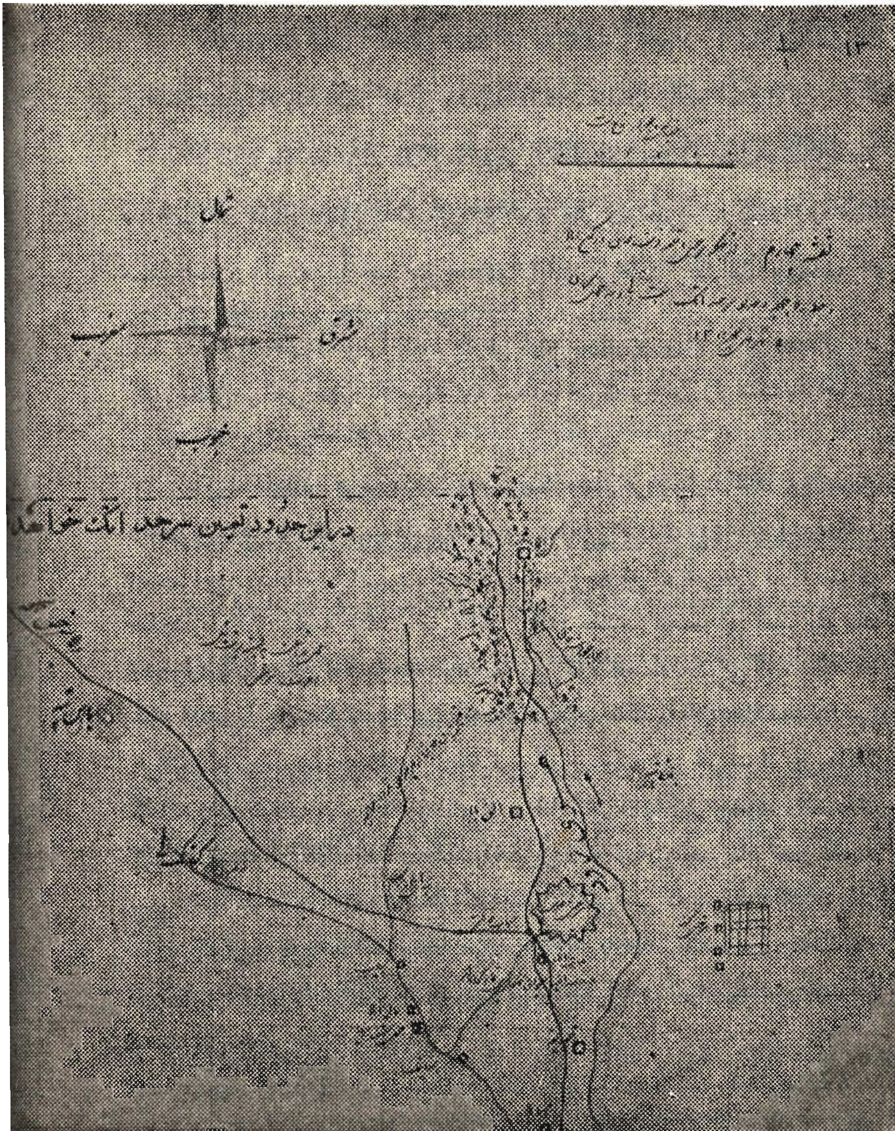
رکن‌آباد دوهزار ذرع پائین‌تر ازقلعهٔ‌قوشه‌خان است‌جنگل‌معبر سرخس ازحدود همین قلعه شروع شده بطرف تجن[2] درکنار رودخانه ممتد است. اگر مبدأ خط سرحدی را از سرخس بطرف چهچهه[3] و

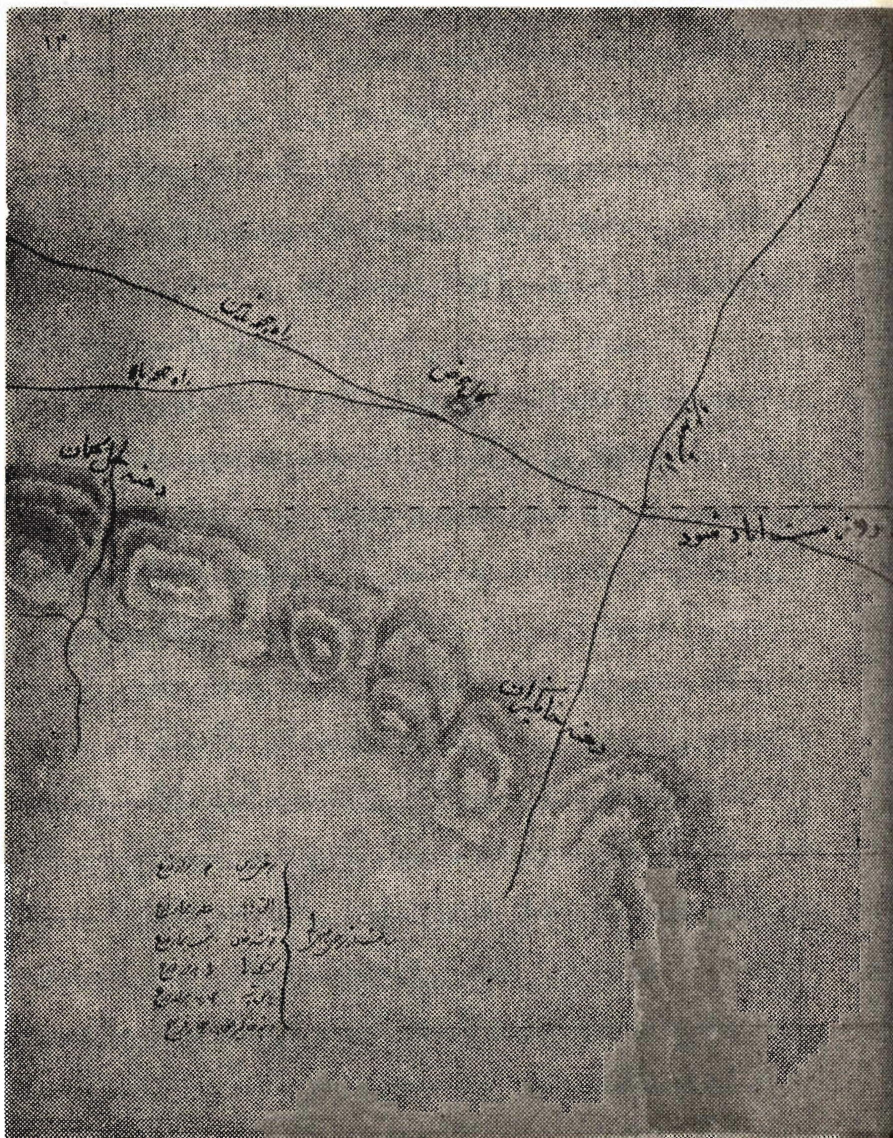
---

۱ـ قلعه قوشه‌خان:؟ ظاهراً قلعه: «قوش‌کهنه Gac-Kohne ده از دهستان‌کند کلی بخش‌سرخس شهرستان‌مشهد ۷ك شمال‌باختری‌سرخس (فرهنگ‌جغرافیائی ایران جلد ۹ـ ص ۳۰۹).

۲ـ تجن = تجند = هریرودلسترنج مینویسد.«شهرسرخس درکنارکوتاهترین راه‌طوس به‌مروبزرگ درساحل راست یعنی‌ساحل خاوری رودخانهٔ مشهدواقع است. این رودخانه را امـروز تجندگویند». (جغرافیای تاریخی سر زمینهای خلافت شرقی ترجمه عرفان) ص۴۲۱. آقای مهندس محمدعلی مخبرمینویسد «هریرود یارودتجن ازدامنه‌های جنوب غربی‌کوه بابـاو جنوبی‌کوه سفید در خاك افغان سرچشمه‌گرفته از شرق به سمت غرب مستقیماً جاری شده، اراضی هرأت رامشروب ساخته تقریباً ازیك فرسنگی جنوب شهر هرات از پل مالان گذشته وارد دره‌ای میشودکه مرز ایران وافغانستان راتشکیل میدهد وازملتقای کال‌کله تادهنه ذوالفقار خط وسطالمیاه هریرودکه ازاین پس بنام تجن نامیده میشود مرز ایران وافغان واز دهانهٔ ذوالفقار تا سرخس‌که همینطوردارای سیر شمال جنوبی‌است وسطالمیاه تجن مرزایران وشوروی میباشد. هریرودهمینطور سیرکرده عاقبت وارد ریگزار خوارزم میشود (مرزهای ایران نگارش مهندس محمد علی مخبر ص ۹۵ـ۹۶).

۳ـ چهچهه CAH-CAHE ده،ازدهستان میان‌ولایت‌بخش‌حومهٔ شهرستان‌مشهد ۳۶ ك شمال باختری مشهد ـ کنارکشف رود (فرهنگ جغرافیای ایران جلد ۹ـ ص ۱۲۱) .


شمال
مغرب
مشرق
جنوب
در این حدود تعیین سرحد



کلات درقلعهٔ قوشه‌خان بالاتر قرار دهندبرای سرخس‌وتوابع‌جنگلی باقی نمی‌ماند از اراضی سرخس صحراهائی که‌قبل از این عربهاکشت وذرع میکردند مفروز شده داخل خاك تراکمهٔروس میافتد ومحتمل است‌محلی راهم که امسال زراعت کرده‌انددراینصورت درخاك‌سرخس ناصری موضوع شود. بهرحال هرخطی که دراین حدود سرحد واقع شود درجنوبش‌که متعلق به‌ایران‌است لازم [است] طرح بنای‌آبادی داده خانوار ساکن شود.

چنانچه درقلعهٔ قوشه‌خان الی دهنهٔ خان‌گیران[۱] قریب چهار فرسخ است‌که بهیچوجه‌آبادی ندارد و میتوان این حدود را بتوسط نهرو نوقانه‌کندك‌لی زراعت نموده وسکنه قرارداد ودرمعابرمخصوص قراولخانه ساخته وچندنفرقراول جهت منع وتردد دزد ومترددین بی تذکره درقراولخانه‌ها سخلوباشند ودرتابستان بفرض‌آب به آن محل نرسدآب بهارهری‌رود کفایت زراعت‌بهارهٔ‌آنها رانیزمیکند. فقط‌نهر را باید باندازهٔ‌که‌آب به‌آن‌حدود بقدرکفایت برساند عریض و عمیق نمود. استعمالات دیگردرتابستان ازآب‌چاه وآب انبار وغیره باشد.

طرح محیط قلعهٔ سرخس است‌که بقانون علمی قلعه سازی بنا شده است وداخل محوطه هم ازابتدای بنای قلعه به‌خیابانهای مستقیم متقاطع طراحی داشته چنانچه جزئی بناهائی‌که تاکنون درخانه‌های عرب وغیره درداخل‌این قلعه‌برپااست. اگردرکنارخیابانهای مطروحه میساختند وترتیب منظمی داشت چندان بی‌نمایش و نظام نبود لیکن

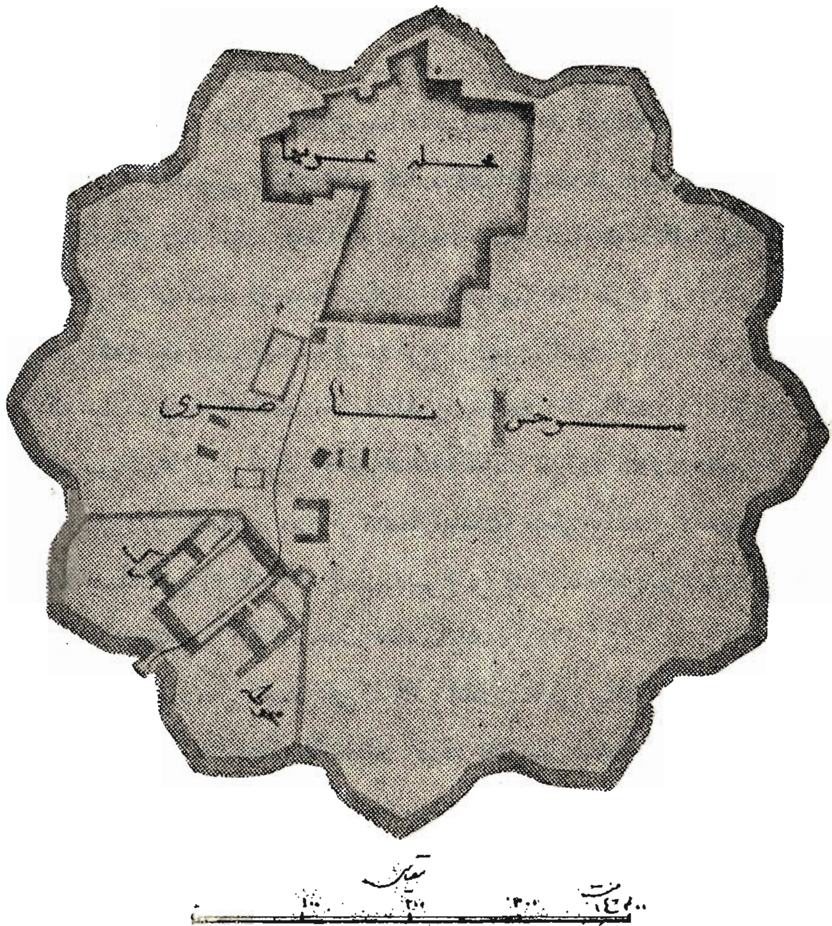
۱ــ خانگیران ــ مسافت از سرخس ناصری الی دهنهٔ خانگیران چهار فرسخ (است) متن، نقشه چهارم .

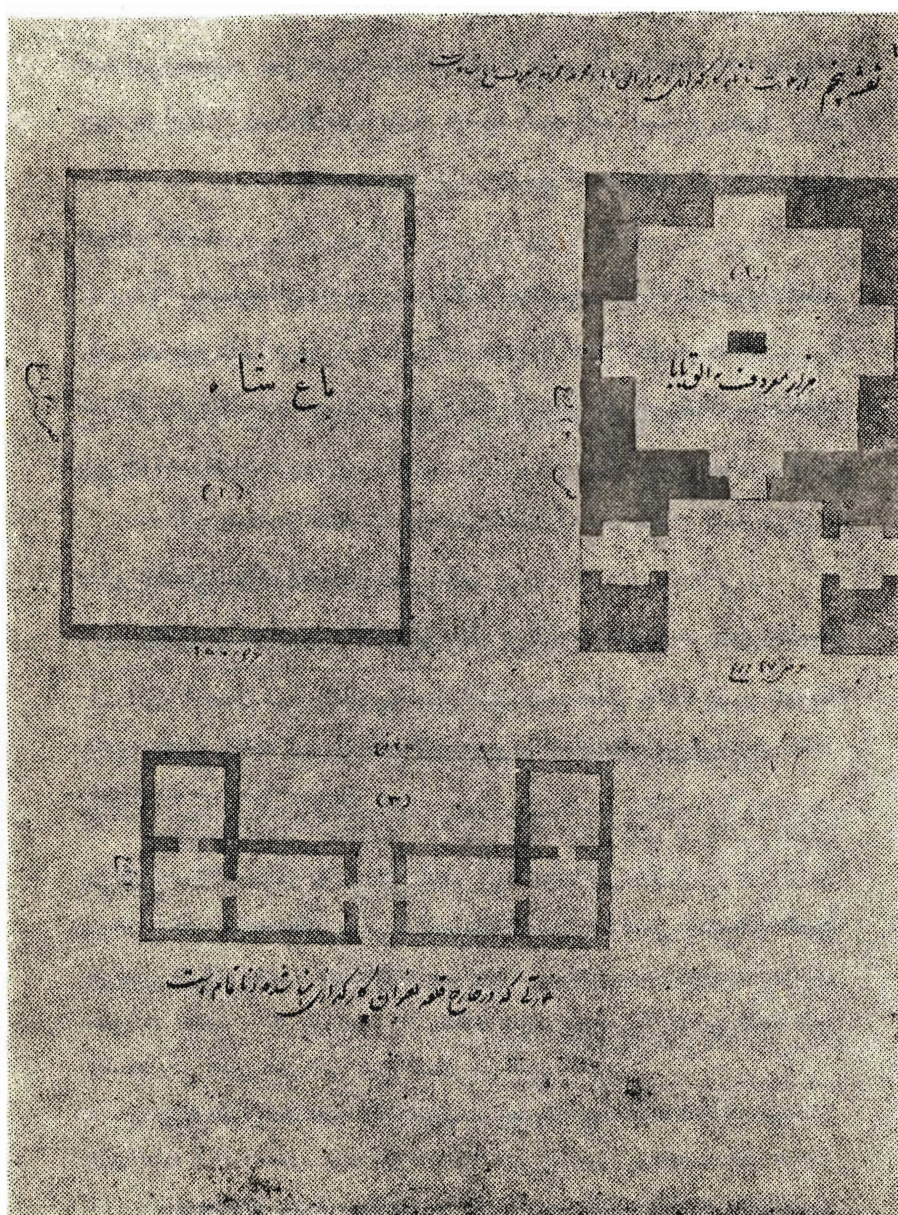
وضع حالیه بسیار بدنمااست. محله عربها درگوشه و هربنای دیگر در یك‌گوشه افتاده وتتمهٔ سطح‌داخلهٔ سرخس زمین خشك ناهمواری‌است که اغلب مواضعش ممتلی ازکثافت است. چنانچه هیئت محیط محلهٔ عربهاکه درنقشه نموده است‌مرکب ازیکصد وپنجاه‌شصت‌خانهٔ مخروبه ترتیبی است‌که تمام‌گاو وگوسفند و حشم طایفهٔ عرب با خودشان در همین محل محشور وگذران مینمایند.

محوطهٔ ارك سرخس است‌که معبر قلعه هم در همین محوطه و میدان توپخانه است وبجز توپخانه، سربازخانه، قورخانه، تلگرافخانه وعمارت حکومتی دیگر بنائی ندارد وعمارتهای معروضه مرسومه هم اغلب مخروبه است، خاصه قورخانه وحمام وعمارت حکومتی‌که اگر بکلی خراب‌کنند ومجدداً بسازند مسلم بهتر وبا صرفه نزدیکتراست زیراکه‌آنچه بمصرف‌تعمیربرسد بی‌پا وبیهوده است. چند موضع‌دیگر که عبارت ازکارگذاری وخانه قاضی ومسجد وغیره است بناهائی‌است که بسبك‌رعیتی بی‌شکوه ومتفرق ساخته‌اند، سر در دو دروازهٔ‌سرخس که‌یکی‌دروازهٔ مشهد ودیگری‌بخارا،است، خیلی مندرس ومنهدم‌است وازجمله تغییراتی‌که لازم است‌درسرخس بشود ساختن سرددروازه‌ها است‌که منزل قراول وصاحب منصب باشد.

فقره دیگر تعمیراتی‌که لازم است یکـی بنای چند باب انبار ذخیره وآذوقه است‌که لامحاله آذوقه یك سال سخلو وجمعیتی‌که از نوکر در آنجا است در انبارهای دیوانی ضبط باشد ودیوارهای محیط قلعه هم اگـر چـه چندان خرابی ندارد لیکن کاه‌گل و مرمت بعضی نقاطش لازم است چند موضع دیوارقلعه را هم ازطرف محلـهٔ عربها

وسمت ارك محض تسهیل خروج و دخول سوراخ کرده‌اند کـه ضمناً معبر خرید وفروش مخفیه هم باشد. ودیگر بواسطهٔ قلت آب‌تابستانی سرخس، لازم است کـه در داخل شهر جهت شرب سکنه آب‌انباری ساخته شودکه اقلامدت چهار ماه تمام‌سکنهٔ حالیه سرخس رامشروب نماید و این آب انبار چندان مخارجی ندارد تقریباً به هزار و پانصد





تومان آب انبار مـذکور ساخته خواهد شد. ازجمله تعمیرات دیگر تقیه نهرمخصوص سرخس است که ازسرآسیاب الی داخلهٔ قلعه‌تخمیناً چهارهزارذرع است لابد باید تقیه شود کـه آب تابستانی هرز نرود چنانچه در صورت علاحده بـرآورد جمیع تعمیرات از لحاظ انور خواهدگذشت.

آسیاب‌دیوانی‌که بیرون دروازه سرخس واقع‌است متروک‌افتاده وقدری تعمیردارد وبایربودن‌این‌آسیاب به‌اراده ومیل عربهااست‌زیرا که اگر دائرباشد در دوسه موضع دیگرآسیابی‌که خودشان ساخته‌اند بایرخواهد افتاد.

دراین صفحه نقشهٔ سه موضعی است که در خارج قلعهٔ سرخس واقع وبه‌مقیاسهای مختلف رسم شده.

نمره ۱ مزارمعروف به‌الق‌بابا[1] قریب به‌شمال سرخس بفاصلهٔ

---

۱ـ الق‌بابا همان شیخ لقمان سرخسی است و در محل به بابا لقمان شهرت دارد . مهدی بامداد دربارهٔ چگونگی وضع ساختمان وشهرت تـاریخی بنای شیخ‌لقمان سرخسی مینویسد:

«ازبناهای قدیمی وتاریخی سرخس بلکه ایران بنای مقبرهٔ شیخ لقمان سرخسی است که‌امروز درسرخس به‌نام بابالقمان‌معروف شده‌است. شیخ‌لقمان سرخسی درمائه‌چهارم‌هجری میزیسته‌وباشیخ‌ابوسعید ابوالخیر وشیخ‌ابوالفضل سرخسی عرفای مشهور آن‌زمان معاصر ومعاشر بوده است... مساحت زیربنای مقبره در حدود ۳۰۰ متر است واز بناهای بسیار محکمی که دراین مدت بنده دیده‌ام یکی همین‌بنای مقبره شیخ لقمان سرخسی است.

بنای مقبره فعلا در سه کیلومتری سرخس واقع شده وسابقاً که سرخس فوق‌العاده آباد ومعمور بوده مقبره درکنارشهر سرخس بوده‌است.»

برای‌اطلاع بیشتررجوع کنید به‌آثار تاریخی کلات وسرخس،خطابه ـــ

نیم‌فرسخ پائین‌تر است وبنائی است مربع‌شکل وبسیارمستحکم باآجر وگچ ساخته شده مقبرهٔ یکی ازمشایخ است‌که درسنه هفتصدوپنجاه و هفت بناشده قریب سه‌کرور آجر در ایـن بنا بکار رفته است طوایف ترکمان نهایت عقیدت را بصاحب این مزاردارند.

نمره ۲ـ محوطه‌ایست معروف بباغ شاه واقع در خـارج قلعه بفاصله پانصدذرع،دیواراطرافش بکلی خراب وبجزخارصحرا وقدری هم یونجه‌که دریك‌گوشه‌آن‌کاشته‌اندگیاه دیگری دراین‌محل معروف نروئیده، درخت ونهالی غرس نشده ودرسرراه سرخس کهنه درخارج دروازه بفاصلهٔ پانصدقدم واقع است. چنانچه درنقشه موضعش رانموده است.

نمره ۳ـ عمارتی است مشتمل برشش‌باب اطاق‌که‌چهارآن تمام ومسقف شده، ودواطاق بزرگتردیگر بپای‌طاق رسیده واگرامساله تمام نشود وبهمین‌حالت بماند محتمل است خراب شود.

این‌عمارت[را] بدواً بعنوان‌کارگزاری‌درخارج قلعه‌بناکرده‌اند وچون‌کارگزارحالیه به‌مناسبت وبعضی ملاحظات دیگردرعمارت‌سابق کارگذاری در داخل قلعـه منزل دارد خوب است‌این محل را به‌اسم مهمانخانه دولتی تمام نمایندکه هم منزل مأموران موقتی باشد وهـم پذیرائی ازصاحب منصبان روس هروقت لازم شود دراین محل‌بنمایند وکسی ازخارج داخل قلعه نشود[۱].

---

→ مهدی بامداد در انجمن‌آثارملی، نشریهٔ شمارهٔ ۳۰ انجمن آثارملی، صفحه ۲۶ به بعد.

۱ـ دراینجا شرح‌گزارش میرزا محمد حسین مهندس‌پایان یافته است.

# سفرنامهٔ رکن‌الدوله

«به‌سرخس»

## هوالله تعالی

کتابچهٔ روزنامهٔ سفر نواب مستطاب اشرف امجد والا شاهزاده رکن‌الدوله فرمانفرمای مملکت خراسان وسیستان دام اقباله‌العالی به سرخس، ازدویم شهر رجب ۱۲۹۹مطابق یونت‌ئیل،لغایت نوزدهم شهر شعبان‌المعظم‌ایضاً ۹۹. ملتزمین رکاب.

**کارگزاران ایالت خراسان**

جناب مستشارالملك پیشکارمملکت خراسان و مضفات.
نواب سهام‌الملك رئیس قشون وکماندان اردو.
ابوالفتح‌خان سرتیب، کشیك چی‌باشی.
محمدجعفرخان سرتیب فوج ترشیزی.
میرزا محمدعلی‌خان سرهنگ مهندس.
زین‌العابدین میرزای اجودان اردو.
میرزاحسن سرلشکرنویس‌باشی.

سلیمان میرزا.

میرمعصوم‌خان طالش ایشك آقاسی‌باشی.

یحیی میرزا.

میرزا اسماعیل، منشی‌باشی پیشکاری خراسان.

## عمله‌جات مخصوص حضرت والا

میرزا علینقی ملاباشی.

میرزا ابوالقاسم حکیم‌باشی.

میرزا هاشم منجم باشی.

میرزا ابراهیم‌خان مستوفی خاصه.

میرزا اسماعیل‌خان‌منشی خاصه.

میرزا فضل‌الله منشی‌خاصه.

محمدحسن‌خان منشی حضورومهردار.

محمدخان قاجارتفنگدار باشی.

محمدحسین‌خان امیر آخور.

محمداسماعیل‌خان صندوقدار.

غلامحسین‌خان آبدار باشی.

احمدخان‌نایب، کشیك‌چی‌باشی.

## صاحب‌منصبان وسرکردگان افواج و سواره وغیره

میرعطاالله‌خان ایل‌خانی وسرکردهٔ سوارهٔ تیموری.

عباسعلی‌خان سرتیب فوج‌قرائی.

افواج وسواره سیصدوسی وپنج نفرجمع ۱۲۲۰.
حیدرقلی‌خان سرتیب.
ذوالالفقارخان، سرهنگ فوج کزازی.
اسماعیل‌خان سرهنگ سوارهٔ هزاره.
محمدخان سرکردهٔ سوارهٔ قرائی.
حاجی فرامرزخان سرکردهٔ سواره سبزواری.
ذوالفقارخان سرکردهٔ سوارهٔ جمشیدی.
محمد شریفخان وسیدجناب و فـرمان علی‌بیگ سرکردگان سوارهٔ مروی.
محمدرضاخان سرکردهٔ سوارهٔ خوافی.
مرتضی قلی‌خان، سرکردهٔ سوارهٔ افشار.
فتح‌الله‌خان، سرکردهٔ سوارهٔ بیزکی.
یارمحمدخان وحیدرخان سرکردگان سوارهٔ خواجه اویماق.
عبدالله‌خان سرکردهٔ سوارهٔ رادکائی.
قلی‌خان سرکردهٔ سوارهٔ عمارلو.
حسین‌خان سرکردهٔ سوارهٔ نیشابوری.
میرتیمورخان سرکردهٔ سوارهٔ طالش.
گل محمدخان، سرکردهٔ سوارهٔ سیستانی.
ابوالقاسم‌خان، یاوراول توپخانه.
میرزا سیداحمد طبیب وجراح نظام.
رشیدخان امیرآخور توپخانه.
فوج کزازی وعراقی ۶۰۰نفر

فوج قرائی که قدری از آن مأمورساخلوی کلات است ۵۰۰نفر
شمخالچی حامل تفنگ سوزنی ۱۲۰نفر
سوارهها ۱۸۲۵نفر
تیموری ۳۰۰نفر
هزارهها ۴۰۰ نفر
قرائی ۳۰۰نفر
سبزواری ۲۰۰نفر
جمشیدی ۱۰۰نفر
مروی ۱۰۰نفر
خوافی ۹۰نفر
افشار ۵۰نفر
بیزکی ۵۰نفر
رکابی مشهدی ۵۰نفر
خواجه اویماق ۴۵نفر
رادکانی ۴۰نفر
عمارلو ۳۰نفر
نیشابوری ۳۰نفر
طالش ۲۵نفر
سیستانی ۲۵نفر

**توپخانه وقورخانه**

توپچی وقورخانچی، توپ وقورخانه ۶۶عدد.

توپچی ازصاحب‌منصب‌جزو ـ وتابین. قورخانچی ازصاحب‌منصب وتابین. توپ عرراده‌قورخانه وملزومات له‌عرراده. جوالداردوعرراده

بی‌جوال دوعرراده ۳۵۰بار. نجار وسراج وآهنگر۱۰۰نفر

این بنده نگارنده محمدعلی منشی نایب‌وزارت علوم.

روزشنبه دویم شهررجب‌المرجب شش ساعت به‌غروب مانده‌که ساعتی بس سعید بود نواب‌مستطاب والا درضمان تأئیدات الهی ازارك مشهد مقدس حرکت‌فرموده بدواً به‌قصد استرخاص ازحضرت امام‌ثامن ضامن‌علیه وعلی‌جده وآبائه وابنائه آلاف‌التحیة والسلام. به‌عتبه‌بوسی رفته‌کسب شرافت‌وسعادت‌کردندو ازدروازهٔ پائین‌خیابان خارج‌گردیده به‌طرف مقصد روانه شدند. منزل شب چمن ناگهان تعیین یافته بود. خط این راه به طرف مشرق مایل به‌شمـال امتداد دارد. و مسافت دو فرسخ است. رودکشف رودکه از رودهای‌کثیرالمنفعهٔ خراسان و طبعاً زاینده است وبا این راه تا سرخس همراهی دارد، در سمت چپ راه است، دراول راه نزدیك یك فرسخ به‌راه فاصله دارد و در کنار چمن ناگهان با خط راه تقاطع می‌کند وتمام این مسافت راه‌از میان املاك مزروع ومعموردهات دوطرف ممتد است.

**آبادی‌های سمت‌راست:**

**اول** : ایوان مصلی است‌که نزدیك به‌راه وازبناهای، مرحوم‌شاه سلیمان صفوی انارالله برهانه است و بنای عالی و بـا کاشی‌های معرق تزیین یافته وحال روبه‌خرابی است. درمقابل‌آن باغ مصلی است‌کـه موقوفهٔ‌آستانهٔ مقدسه‌ومرحوم حاجی‌میرزا حسنعلی وزیرسابق‌آستانه

آن را احداث کرده است.

**دویم:** قلعه‌گرد سلوك موقوفه آستانه است که میرزا مصطفی‌خان نایب‌التولیه پسر جناب وزیرامورخارجه عمارت آن را احداث نموده‌و نزدیك راه است.

**سیم:** قریهٔ بازه‌شخ ملکی ورثهٔ مرحوم امام‌جمعه، مسمی به‌محمد آباد قریب نیم فرسخ ازراه دوراست.

**چهارم :** مزرعهٔ کج درخت وقفی سرکارفیض آثار وورثه مرحوم حاجی عبدالحسین متصل به‌راه است.

**پنجم :** کلاته حاجی عبدل وقفی مکتب‌خانهٔ اطفال نزدیك به‌راه است.

**ششم:** قریهٔ فیض آبادکه قدری وقف وقدری ملکی حاجی هاشم‌خان پسرمرحوم حاجی مصطفی‌قلی‌خان صارم‌الملك وغیره است که بر راه نزدیك است.

**دهات سمت چپ راه:**

**اول :** مزرعهٔ نوچمن ملکی جناب میرزا محمدصادق ناظر آستانهٔ مقدسه است که رعیت ندارد وازاهالی شهرمشهدآن‌را زراعت می‌کنند نزدیك به‌راه است.

**دویم :** قریه مهرآبادکه قدری وقف وقدری ملك ورثهٔ مرحوم حاجی میرزا نصرالله مجتهداعلی‌الله مقامه است نیز نزدیك به‌راه است.

**سیم :** قریه بدرآباد ملکی رعایا ونزدیك به‌راه است.

**چهارم :** قریه ابراهیم‌آباد ملکی حاجی ملااحمد تاجرکاشانی

نزدیك به‌راه است.

**پنجم**: کریم آباد ملکی میرزامحمد نوادهٔ جناب میرزا محمد صادق ناظر آستانه وسلطان‌العلما نیز نزدیك به‌راه است.

**ششم**: قاسم آبادملکی جناب حاجی‌میرزاابراهیم‌سبزواری نزدیك به‌راه است، موکب والاپس ازقطع مسافت مزبوره ازرودخانهٔ‌کشف‌رود عبور نموده وارد چمن ناگهان شدند ولدی‌الورود باران شدیدی که‌دلیل رحمت الهی ومیمنت سفربود بارید واسباب مسرت خاطر ملتزمین رکاب‌گردید. چمن ناگهان چمنی‌وسیع پرآب وعلف ودرکناررودخانهٔ کشف رود واقع وجزوبلوك تبادکان است.

**یوم یکشنبه سیم شهررجب**: موکب والا در چمن ناگهان‌اطراق فرمود تا ملتزمین رکاب‌که عقب مانده‌اند برسند واوقات والامصروف دستورالعمل‌های لازمةالاجرای ایالت و تولیت متوقفین شهر مشهد مقدس‌گردید.

ودراین‌روز نوابان معین‌الدوله ونیرالدوله ومیرزااسماعیل‌لشکر نویسباشی وحاجی‌اسحق‌خان‌سرتیپ‌ومیرزامعصوم‌خان‌کارگزار خارجه ومیرزافضل‌الله‌خان‌سرتیپ‌تلگرافخانه‌وحاجی‌ابوالفتح‌خان‌بیگلربیگی وجمعی از اهل‌آستانه به‌اردوی والا برای مشایعت موکب‌والاوگرفتن دستورالعمل‌لازمه آمده ووقت عصر بازباران رحمت نازل‌گردید.

**یوم دوشنبه چهارم شهر رجب:**

امروز نیز دراقامت‌گاه مسطور اطراق اتفاق افتاد.

ونوابان معین‌الدوله و نیرالدوله و سایر اجزای ایالت و تولیت

آستانهٔ مبارکه پس‌ازانجام امور مرخص به‌معاودت شهر شدند و عصر نواب مستطاب والابازدیدپنجاه‌وپنج نفر سوارهٔ ورزاب جمعی خسرو میرزاکه مأمورپشتکوه تبادکان‌هستند ودرجلوسراپرده صف‌بسته‌بودند آمده سوار مزبور درکمال آراستگی‌ازحضورگذشته به‌محل‌مأموریت خود رفتند و در این روز مقرر شد که زین‌العابدین میرزا آجودان اردوکه ازتربیت یافته‌گان مدرسهٔ دارالفنون است اردوی‌والارا بعدها درمنازل عرض راه بروفق هندسهٔ جنگی طرح نموده ومنصوب داردو میرزا محمدعلی‌خان سرهنگ مهندس که نیز ازتربیت یافته‌گان آن مدرسه است نقشه‌ای از این راه بردارد و هرروزجماعتی از سوار در جلواردو وجماعتی نیز درعقب برسبیل قراول وچنداول حرکت‌نمایند وبنه وآغروق همه‌روزه فیمابین پیشقراول وموکب والا حرکت نموده ومتفرق نگردندوبه‌بندهٔ نگارنده مقرر گردید که روزنامهٔ این‌سفررا بطور اجمال بنویسد.

**روزسه‌شنبه پنجم‌شهررجب:** شش‌ساعت به‌غروب مانده موکب‌والااز چمن ناگهان حرکت نمود. منزل شب قریهٔ قوزقان خالصهٔ دیوان‌اعلا معین گردید. خط این راه دراول حرکت به‌قدر ربع فرسخ از ما بین مشرق وشمال، بعدازآن الی‌یك فرسخ به‌طرف مشرق، پس ازآن‌بقدر یك فرسخ وربع به‌طرف مشرق جنوبی وبعداز آن نیم فرسخ به‌طرف جنوب امتداد دارد ومسافت سه فرسخ است. تقریباً این راه قوسی‌طی گردید به‌واسطه سهولت عبورکالسکه‌وتوپ.دوراه دیگر این منزل‌دارد که راه اصلی آن دوراه است یك راه دوفرسخ‌ونیم‌وراه دیگر دوفرسخ است. وررودخانه کشف رود درسمت راست به‌تفاوت از نیم فرسخ الی

ربع فرسخ وکمتر به‌راه فاصله دارد. ودراین راه زراعت‌کمی متعلق‌به دهات اطراف راه دیده می‌شود. باقی اراضی بائر مستعدآبادی‌است.

**دهات سمت‌راست:**

**اول** : قریهٔسنگ درموقوفه‌آستانه ومحل سوارهٔ هزاره نزدیك به‌راه است. دومقبرهٔ خشتی‌که گنبد هم داشته است در داخل وخارج این‌قریه هست که بعضی ازآن مخروبه است. عقیده اهالی این است‌که مقبرهٔ عاشق و معشوقی بوده است واهل قریه آن دو مقبره را محترم می‌دارند.

**دویم**: قریهٔ گنبدلی‌است ملکی‌آستانه مبارکه ونیز محل سوارهٔ هزاره است که ده بزرگ معموری است ودرداخل وخارج قلعه خانه رعیتی بسیار دارد ومتصل به‌راه است نصف ایل‌هزاره دراین‌قریه‌وقریه سنگ درسابق‌الذکرونصف دیگر درقریهٔ کنه‌گوشه خالصهٔ دیوان‌اعلی که یك فرسخ از این دوقریه دوراست‌سکونت دارند.

**دهات‌سمت‌چپ**: منحصر به‌دوقلعه‌خالی ازسکنهٔ مخروبه است‌که بواسطه بی‌استطاعتی مالك‌خراب است. لباس‌اهالی‌این دهات‌کلاً شبیه به‌لباس اهل هرات است که‌عمامه‌کوچك درسردارند وبالاپوشی برزخ میان جبه وقبابالای پیراهن درزیرجامه‌پوشیده شالی‌برروی‌آن به‌کمر بسته‌اند.

موکب والا بعداز طی مسافت مزبوره سه ساعت به‌غروب مانده وارد قریه قوزقان گردید درنزدیکی منزل نواب مستطاب والا بعضی ازسوارهٔقرائی را درمیان زراعت مردم دیدندکه دواب خود رابه چرا

رها کردند وخرابی به‌زراعت‌مردم‌می‌رسانیدند.لهذا جمعی‌از تفنگداران شکاری مأمور شده‌وآنها را گرفته پس ازورود موکب والابه‌اردوآورده وحسب‌الحکم، سهام الملك‌کماندان اردوآنها رانفربه‌نفر دردرب‌سرا برده تنبیه نمود،

دراین منزل چاپاریست کاغذجات طهران را مقارن غروب به اردو رسانید.خاطر والا شب را مشغول نوشتجات طهران بود.شب پس ازافروختن چراغهای اردو بقدری حیوانات لذاعه به‌چادرها ریختند که مردم سوای اشخاصی که مجبور به‌خواندن و نوشتن بودند ناچار شده‌چراغ‌وروشنائی‌ها را ازچادرها برداشتند تا توانند راحت نمود. قوزقان خالصهٔ دیوان اعلی ودرعوض مواجب ومحل‌سوارهٔ جمعی علی مردان‌خان سرتیپ‌مقرراست. قریهٔ آبادمعتبری‌است‌وازکشف‌رودنهری جداکرده آن را مشروب می‌دارند.

**روزچهارشنبه ششم:** موکب‌والاسه‌ساعت ازروز گذشته از قوزقان حرکت‌نمود. منزل شب قریهٔ شادیشه خالصهٔ‌دیوان اعلی است.خط راه بدواً یك فرسخ مابین مشرق وشمال وپس ازآن دو فرسخ ونیم بطرف مشرق وبعدازآن نیم‌فرسخ به‌طرف مشرق مایل بجنوب امتدادمی‌یابد ومسافت چهار فـرسخ است. رودخانه کشف‌رود بفاصلهٔ ربع فرسخ و کمتر دردست راست راه است و درشادیشه باراه تقاطع می‌کند وکنار رود درامتداد این راه نیزار وگزستان است.

زراعت‌قلیلی متعلق به‌دهات اطراف در راه دیده می‌شود. باقی اراضی بائر وقابل‌آبادی است.

یك‌فرسخ‌ونیم تقریبی از اول این راه بیابان هموار است. پس

ازآن تا شادیشه‌زمین پست وبلند است وبعضی گشادگی‌های سیلابی‌در خط راه واطراف هست که به‌زبان‌خراسانی آنها را کال‌می‌گویند.چنین استماع شدکه درایام فترت و ناامنی ترکمانان به‌این مکان آمده این کال‌ها را کمین سرقت وشرارت خود قرار می‌دادند یکی از ملتزمین رکاب مذکور داشت‌که من خود علاوه ازدویست جنگ از ولات سابق خراسان ومأمورین ایشان باترکمانان که به‌تاخت وتازآمده بودنددر این محل دیده‌ام. دربین راه ذوالفقارخان سرکردهٔ سوارهٔ جمشیدی‌با سوارجمعی خودکه‌درقلعهٔ قرابوقه ساکنندوجزوملتزمین رکاب‌هستند به‌استقبال موکب والاآمدند. چون‌فی‌الجمله ناتمامی در کارآنها بود مقرر رفت به‌قرابوقه‌مراجعت‌کرده‌کارهای خود وسواررا اصلاح‌نموده فردای آن روز به‌رکاب والاملحق‌شود. نهارگاه در کنار زراعت قریهٔ قرابوقه.[است].

**دهات‌سمت راست:**

**اول:** قلعهٔ رسول‌آباد ملکی آستانهٔ مبارکه درآن‌طرف‌رودخانه وخالی ازسکنه است ونیم فرسخ ازراه فاصله دارد.

**دویم:** قریهٔ قرابوقه خالصهٔ دیوان اعلی و محل مواجب سوار جمشیدی نزدیك به‌راه.

**سیم:** قریهٔ‌نظریه ازجمله موقوفهٔ اولاد سروقدی‌ها دراین‌طرف رودخانه نزدیك به‌راه است.

**چهارم:** قریه‌لنگرك که‌عنایت آباد هم می‌گویند، ملکی اولاد مرحوم محمد ولی‌خان قاجار درآن طرف رودخانه نیم فرسخ به راه

فاصله‌دارد. مقبره‌ای‌دراین‌قریه‌هست که گنبدخشتی‌دارد ونمایان‌است. می‌گویند مقبرهٔ‌پیری‌است‌بابانیاز نام‌که به‌ترکی‌نیاز آتامی‌گویند اهالی دهات اطراف را به‌آن مقبره اعتقادی تمام است ومخصوصاً در گاومرگی که اتفاق افتد مردم دهات دسته‌دسته به‌این مقبره‌جمع شده گوسفند قربانی‌کرده آش می‌پزندو به‌فقرا می‌دهند. پس از آن‌گاوهارا دور این‌مقبره می‌گردانند ومعتقدند براینکه گاوآنهاگرفتار ناخوشی نخواهدشد.

**پنجم:** قلعه خرابهٔ شادیشه متصل به‌راه خراب و خالی از سکنه است ودرقدیم قلعهٔ شادیشه همان بوده است ازتطاول ترکمانان خراب شده‌قلعه را درنقطهٔ دیگر ساخته وآباد نموده‌اند وخانوارنشین ودائر کرده‌اند.

**ششم** : قلعه قلج‌آبادکه جوب‌نو،هم‌می‌گویند ملکی علی مردان‌ـ خان سرتیپ. درآنطرف رودخانه نیم‌فرسخ به‌راه مسافت دارد.آبادی ودهات سمت‌چپ منحصر به‌قریهٔ شادیشهٔ جدید خالصه دیوان‌اعلی‌است که درکنار رودخانه ومتصل به‌راه است. موکب والاپس از طی مسافت درمحلات قریه شادیشه از رودخانه عبور فرموده وارد منزل گردید. این‌منزل نیز حیواناتموزیه زیاد داشت. که هرقدر ازآنها می‌کشتند چیزی کم نمی‌شد. قریهٔشادیشه‌درکمال‌آبادی ودرعوض مواجب‌ومحل سوارهٔ مروی‌جمعی علی‌مردان‌خان سرتیپ مقرر است.

**یوم‌پنجشنبه هفتم:** موکب والا بعدازدادن‌جواب نوشتجات مشهد دوساعت ازدسته‌گذشته حرکت نموده و جهت منزل شب رباط ماهی اختیارگردید. خط راه ابتداتا دوفرسخ به‌طرف مشرق مایل به‌جنوب

وبعدازآن تامنزل به‌طرف مشرق مایل به شمال امتداد دارد ومسافت چهار فرسخ است واین راه به‌واسطهٔ سهولت عبور کالسکه وتوپ معین شده یك‌راه دیگر ازکناررودخانه هست‌که‌درقلعه‌خرابه‌قیچی‌در متصل به‌این‌راه‌می‌شود و نیم‌فرسخ‌نزدیك‌تراست. رودخانه‌کشف‌رودبه‌فاصلهٔ‌نیم فرسخ وکمتر به‌تفاوت درسمت چپ، وکنار آن جنگل گزونی‌است و دراین راه زراعت قلیلی متعلق به‌قریهٔ چاهك ومزرعه جم‌زرد دیده می‌شود. دوفرسخ‌ونیم این‌مسافت ازروی تپه‌های خاکی طی‌می‌شودکه فرسخ اولش تپه‌های پرگل صحرائی وعلف‌های‌معطر است ورایحهٔ‌آن دماغ عابرین‌رامعطر می‌دارد،ونیم‌فرسخ چمن پرآب‌وعلف است‌مسمی به‌چمن کله چشمه وفرسخ دیگرش‌علف‌زار است، باقی مسافت تامنزل گاه که یك فرسخ‌ونیم است ازمیان درهٔ وسیع قابل ومستعد زراعت‌که دردوطرف‌آن کوه و عرض‌درهٔ تقریباً ربع فرسخ است، طی می‌کرد.و نهارگاه‌این‌منزل‌خارج قلعه خرابه‌قیچی‌در دربلندی‌که‌مشرف‌به‌نی‌زار وجنگل است بود.

آبادی سمت راست منحصر به‌قریهٔ چاهك ملکی‌وراث مرحوم امام‌جمعه است‌که نیم‌فرسخ ازراه دوراست.

**آبادی‌های سمت چپ:**

**اول** : مزرعهٔ‌جم‌زرد ملکی عباسقلی‌بیك مروی غلام‌رکابی‌مشهد است درآن‌طرف رودخانه.

**دویم**: قریه سیاه‌بالامسمی‌به‌مؤیدیه‌احداثی مرحوم مؤیدالدوله که به‌جهت قراولی غلامان‌مروی احداث‌کرده بود.

**سیم** : چهارگنبد است که خالـی از سکنه و به‌جهت منزل‌گاه عابرین احداث نموده‌اند.

**چهارم وپنجم** : دوقلعهٔ قیچی‌در است که قدیمی و بالای تپه و جدیدی درپائین تپه‌کنار جنگل درجای غیرمناسب بی‌اعتباری‌ساخته شده‌است وهردومتصل به‌راه ونزدیك یکدیگر وهردو مخروبه وخالی ازسکنه است. بانی قلعهٔ جدید مرحوم حسین‌خان نظام‌الدوله و بانی قلعهٔ‌قدیمی رجب بهار مروی است‌که اوائل درمشهد مقدس بوریاباف بود. پس‌ازآن درجزو غلامان رکابی مشهد مقدس منسلك گردید ودر طغیان سالارصاحب‌اعتبار واختیار شده مصدر حتك‌ناموس وقتل نفوس بسیاری از مسلمانان گردید. و بالاخره به‌حکـم منتقم قهار بادست خود انتقام یافت. امروز قبل‌از حرکت از منزل، یکی‌از قاطرچیان نواب مستطاب والا هنگام حمل بنه به‌ضرب جفت لگد قاطـری که بصورت او وارد آمد دهان و بینی اورا درهم شکست ازپـا درافتاد و ساعتی‌بیهوش‌ماند. پس‌ازآن به‌هوش آمده ناله‌می‌کرد. حسب‌الحکم، میرزا سیداحمد حکیم‌باشی و جراح نظام، زخم‌صورت او را بسته و بخیه‌کرد وچندسوار معین‌گردیدکه اورا به‌مشهد برده معالجه نمایند. شاید انشاءالله التیام یابد ونیز امروز درجنگل‌هـای عرض راه ردپای سبعی دیدندکه به‌بزرگی جای‌پای شتری‌بود وقرقاول وکبك‌هم در راه شکارشد. وموکب‌والا پس‌ازقطع مسافت به‌اردوکه درمقابل‌رباط ماهی مرتب شده بود نزول نمود . زمین اطراف رودخانـه در این اردوگاه به‌قدری باتلاق است‌که عبور از آن مشکل بود جانورهای گزنده هم دارد. رباط‌ماهی درآن سمت رودخانه کشف رود و بنائی است عالی و

محکم که باآجروگچ ساخته‌شده ، سقف بیوتات آن اغلب خراب شده، درکتیبه بالای سردرب کلماتی چند به‌خط کوفی باآجرمرتب نموده‌اند، وهم‌چنین در کتیبه پائین سردرب رباط وسرایوان بزرگ که در وسط سه ضلع داخلی رباط است کلماتی به‌خط کوفی ازگچ بریده‌اند. اما به‌مرور ایام اغلب ازآنها ریخته شده است و چیزی از آن خوانده نمی‌شود. حتی‌دقت زیادشد شاید تاریخ بنای‌آن لامحاله پیدا شود و بهمان اکتفاآید. چیزی از تاریخ بجا نمانده بودکه معلوم گردد. در میان‌عوام معروف است‌که این رباط را همشیرهٔ گوهرشاد، آغابیگم حرم شاهرخ شاه ابن‌امیر تیمور گورکان‌که مسمات بماهی بوده است ساخته وبه‌اسم اونسبت یافته است. صدق و کذب آن را خداوند عالم داناتر است لیکن از وضع بنا وخط‌کوفی‌آن اینقدر معلوم می‌شودکه از چهارصد پانصد سال کمتر نیست بنا شده است . چون رباط ماهی یکی‌از منازل عرض راه سرخس است. نواب مستطاب والاآباد و دایر نبودن‌آن را نپسندیدند وبه‌عزم ثابت قرارساختن قلعه دراینجا دادند که‌از خانوار سالور بنشانند.

**روزجمعه هشتم:** از این منزل راه دو رشته است یک رشته از مزدوران بسرخس . یک رشته ازآق‌دربند به‌سرخس امتداد دارد. اگرچه راه مزدوران پنج فرسخ نزدیک‌ترازراه‌آق دربند است، لیکن چون هشت فرسخ‌آن ریگ‌زار وبی‌آب است و برای ملتزمین‌رکاب، خاصه پیادگان خطرناک بود آن‌راه را ترک فرموده، راه آق دربند را اختیارکردند وموکب والا دوساعت ازروز گذشته حرکت نمود. منزل شب باغ‌باغان است‌که در میان عوام معروف به‌بغبغو است. خط‌راه

به‌جزئی تغییر تامنزل بسمت‌مشرق امتداد دارد ومسافت سه‌فرسخ است. رودخانهٔ کشف‌رود همه‌جا درسمت چپ‌نزدیك به‌راه وکنارآن جنگل نی و گز و باتلاق است، وراه ممتد است از میان درهٔ مستعد و قابل زراعت، وعلف‌آن نیزبسیار است. نهارگاه دربالای تپهٔ باصفائی‌مشرف به‌رودخانه و جنگل یك فرسخ به‌منزل مانده بود. در دوطرف‌آبادی به‌هیچ وجه نیست. مگـر قریهٔ مزدوران کـه در آن طرف رودخانه درسینه‌کوه نمایان است، وقریب یك فرسخ ونیم ازاین راه دور است. نیم‌فرسخ به‌اردو مانده علی‌مردان‌خان، سرتیپ سوارهٔ تیموری‌که این اوقات باسوار جمعی‌خود مأمور سرحدات مشهداست به‌استقبال‌موکب والاآمد ونیزاز آرازایشان‌ترکمان باجمعی ازترکمانان طایفهٔ سالور رعایای دولت علیهٔ ساکنین باغباغان به‌استقبال آمدند. دراین روز در بین راه احمدخان پسرکشیکچی باشی ومیرزاتقی محرر ماری‌راکه‌دو ذرع‌ونیم‌قدودوکره‌قطر داشت به‌زخم دوگلولهٔ تفنگ کشتند و موکب والا وقت ظهر به‌منزل‌که درکنار جنگل نزدیکی باغ‌باغان مرتب‌شده بود ورودنمود. ملتزمین رکاب و ترکمان‌های باغ باغان قرقاول زنده‌و کشته وکبك وشکارکوهی بایك کره گور زنده آورده تقدیم حضور نمودندوبه‌انعام نایل‌گردیدند. نواب مستطاب والا امروزدرمنزل‌مشغول تحریر نوشتجات طهران گردید ووقت‌غروب به‌صحابت‌غلامان‌رکابی‌به مشهد فرستادند که به‌پست یك‌شنبه برسانند. این منزل از منازل قبل گرم‌تر وعلف راه وافروخشك بود. وقت مغرب بعضی ازملتزمین رکاب عمداً برای تماشا یاسهواً علف‌بیابان راآتش‌زده‌بودند چون علف‌بسیار ووصل بیکدیگر بودکم‌کم زیاد شده یك صحرا آتش‌به‌طرف اردومی-

آمدو بادمی‌وزید دقیقه به‌قیقه آتش‌در تزایدبود و برای خیام‌اردو، خاصه قورخانهٔ‌مبارکه احتمال خطر می‌رفت. نواب مستطاب والامقر رداشتند سهام‌الملك جمعی سوار وسرباز به‌آن سمت فرستاد تا يك‌ساعت ازشب رفته آن‌آتش راخاموش‌کردندومؤکداً مقررشدکه‌بعدها احدی‌مرتکب این آتش‌بازی نشود وهرکه علف را آتش بزند موردمؤاخذه خواهد بود. دراین‌منزل یکی ازقاطران سرکاری که بنهٔ شاطران‌برآن حمل شده بودهنگام‌عبور ازيك شعبه‌آب رودخانه بواسطه‌بدی معبرو باتلاق غرق شده سقط گردید.

از این منزل شبانه چندنفر عمله‌جات از نجار وغیره با اسباب کارمعین وروانه‌گردیدکه درمعبر فرداکه می‌بایست از رودخانه‌گذشت درمکان معروف به‌پل‌گزی‌پل فوری ببندند که ملتزمین رکاب توانند ازآن عبور نمود. این‌منزل هم جانوران گزنده بسیار داشت . لیکن بحمدالله اذیتی به‌ملتزمین رکاب نرسید.

باغ‌باغان‌احداثی‌مرحوم حاجی‌محمدولی‌میرزاست که درزمان ایالت خود احداث نموده‌و به‌واسطهٔ تطاول ترکمانان خراب وبائربود. امسال نواب مستطاب والايك‌صدخانوار ازترکمانان طایفه سالور که قبول رعیتی دولت‌علیه راکرده‌اند ازسرخس کوچانیده به‌اینجا سکنی داده‌انددرسه ماه توقف این‌ملك راخیلی‌آبادکرده‌اند. وزراعت‌بسیاری ازآنها به‌نظر رسید.

**روزشنبه نهم**: موکب والا سه‌ساعت‌ازروزگذشته حرکت فرمود. منزل شب اردوبری است‌که درنیم فرسخی آقدربند واقع است. خط راه بدواً نیم فرسخ به‌طرف مشرق جنوبی، پس ازآن تا منزل به‌طرف

جنوب حقیقی ممتد است ومسافت سه‌فرسخ است.

رودخانه‌کشف رود به‌فاصلهٔ‌کم درسمت‌چپ وبعداز دو فرسخ در پل‌گزی باراه تقاطع کرده، تامنزل درسمت‌راست‌است وکنارش‌جنگل وباتلاق سختی است. دراین‌راه وسعت‌دره‌کمتراست‌ومعبرهم تپه‌وماهور است. راه‌وکوههای دوطرف مثل منازل قبل پرعلف ومستعد زراعت و حشم‌داری است.

نهارگاه امروز بالای تپه‌ای است که‌مشرف به‌نقطهٔ ازرودخانه است که پل‌گزی برآن بسته شده، قریه وقلعهٔ‌آبادوخراب دراین‌راه‌از خوف ترکمانان وحشی مطلقاً نیست.

درسمت‌راست یك‌نقطه ازکوه موسوم به‌تخت سلطان است.عوام می‌گویند سلطان‌محمود غزنوی‌گاهی به‌قصد شکار به‌این‌مکان می‌آمده است. سراپردهٔ اورا بالای این‌کوه می‌افراخته‌اند. به‌این جهت موسوم به‌تخت سلطان شده، امروز نواب مستطاب والا دراول حرکت از جلو قلعهٔ‌باغ‌باغان‌که متصل به‌راه است‌به‌آرامی عبور نموده‌ترکمانان سکنه قلعهٔ مزبوره ازبزرگ وکوچك‌ذکوروانات درجلو قلعه صف‌بسته‌اظهار اهلیت‌ورعیتی‌نموده وبه‌وجودمسعودهمایون ونواب مستطاب والادعاها کردند ونواب مستطاب والاحکم به‌توقف کالسکه داده دقیقه‌ای چند به‌ترکمانان اظهار مهربانی نموده و ایشان ، ایشان را مخاطب کرده سفارشات لازمه نمودند ایشان وسایرترکمانان را از قرار تفضیل ذیل به‌خلعت‌وانعام‌نواخته‌امیدوارودل‌گرم‌به‌رعیتی‌دولت‌قاهره‌نموده‌گذشتند. آرازایشان خلعت جبه‌ماهوت توپ: سایرترکمانان انعام نقدینه پنجاه تومان. پس ازآن علی‌مردان خان سرتیب سوارهٔ تیموری را رخصت

مراجعت داده مقرر داشتند درغیاب موکب والا باتمام سیصدنفر سوار جمعی‌خود درشاهین گرماب متوقف باشد و درنهایت مراقبت مشغول سرحدداری گردد.پس‌طی مسافت نموده درخیمهٔ نهارگاه فرود آمدند وبعدازطرف نهارآنقدر توقف فرمودند که تمام ملتزمین رکاب وبنه و اسباب واحمال واثقال از پل گذشتند واین پل درمحلی بسته شده است که‌عرض رودخانه بیشتر ازسه‌ذرع نیست. لیکن عمق آن را تاده ذرع می‌دانند. ازشاخه‌های گز جنگل بریده برروی رودخانه می‌اندازند وبا ریسمان‌های علفی به‌هم می‌بندند وخاك برروی آن می‌ریزندوثانیاً شاخه‌گز برآن‌ریخته وخاك می‌ریزندوبرای عبور مسطح می‌کنندودر دوطرف پل‌کنار رودخانه به‌قدر سیصدذرع باتلاق است.که اگرباشاخه‌های‌گز مفروش نشود عبور از آن‌هم مشکل است. در زمان فترت و ناامنی ترکمانان تکه‌مروی‌که به‌تاخت‌وتاز می‌آمدند چنین پلی‌دراین محل بسته ازآن می‌گذشتند وپس‌ازتاخت وتاز ومراجعت ازپل‌گذشته آن را خراب می‌کردند.درهرحال معبری هولناك وگذرگاهی‌خطرناك است.

واهالی اردو با احتیاط تمام لاحول گویان از آن پل‌که نمونهٔ صراط بود گذشتند وبحمدالله‌تعالی توپ وتیب‌بدون‌آفت‌وآسیب ازآن گذشته آن‌طرف رود ایستادند، ونواب مستطاب والا بعد از همه اسب خواسته سواره بامعدودی ازجلوداران وخواص ازپل عبور نمودند.ای کاش اولیای دولت‌علیه پلی دراین معبربسته منتی عظیم برعابرین‌سبیل می‌نهادند.

بالجمله موکب والا پنجساعت‌به‌غروب مانده وارد منزل‌گردید.

درنزدیکی اردونواب مستطاب والا یکی از سربازان فوج قرائی را دیدندکه علف‌های صحرا راآتش زده بود مقررشد آتش‌را فرونشانده سرباز مزبور راگرفته‌به‌اردوآوردند ودردرب سرا پرده تازیانه‌زدند. [در] این منزل عقرب زیاد بود. اردو یری مکانی است که مرحوم فریدون میرزا فرمانفرما درسفر سرخس‌وقتل‌خان خیوه مدتی‌درآنجا اردو زده، متوقف بود لهذا به‌این اسم موسوم شده‌فضای باصفائی است مشرف به‌رودخانه وچمن.

**یوم یکشنبه دهم:** سه‌ساعت‌ازروزگذشته موکب والاحرکت نمود. منزل‌شب شورچه است. خط راه‌به‌طـرف مشرق امتداد دارد ومسافت دوفرسخ‌است. رودخانهٔ کشف‌رود درسمت راست ازپشت‌کوههای‌خاکی که‌قدری ازراه دوراست می‌گذرد و در شورچـه متصل براه می‌شود و کنارش نیزار و جنگل است و این راه تمام از دره و تپهٔ سهل‌العبور می‌گذرد ودوطرف آن‌کوه است. درتمام مسافت تپه‌های خاکی عرض راه وکوههای اطراف جنگل درخت پسته است و اغلب درخت‌ها بار زیاد داشت. کرورها خروار حاصل پستهٔ آن می‌شود. لیکن بواسطهٔ ناامنی غیراز ترکمان‌ها هنگام تاخت و تاز دیگری ازآن بهرهٔ نمی‌توانست برد. وهمه‌جا راه علف‌زار و مستعد زراعت دیم کاری وحشم داری است. نهارگاه امروز بواسطه قرب مسافت منزل‌گاه بود . ده و قلعهٔ‌آباد دراین‌راه مطلقاً نیست جز یك‌قلعهٔ شش‌برجی‌که درنزدیکی قراول‌خانهٔ آق‌دربند درمیان دژمرحوم حسین‌خان نظام‌الدوله‌احداث کرده بوده است‌که خانوار به‌آن‌جا برده سکنی دهد، ناتمام مانـده و خراب شده است.

نیم‌فرسخ که ازاین مسافت قطع شود تنگه‌ائی است ازکوه‌که فی‌الجمله رنگ خاك وسنگ آن سفید است به‌آن جهت مسمی به‌آق دربند شده. قراول خانه‌ای دراین نقطه جلو تنگه ساخته‌اندکه دوبرج وچند اطاق‌کوچك رعیتی‌دارد و دیواری به‌ارتفاع دو ذرع با خندقی که عمق آن دو ذرع وعرضش سه‌ذرع است، برآن دوبرج و خانه‌ها محیط است ودایم پنج سوار وبیست نفر شمخالچی درآن‌جا مشغول قراولی هستند ودر دو طرف بالای‌کوهها چندبرج محکم ساخته شده وسنگری‌هم خطراه را تقاطع‌کرده به‌دوطرف کوه امتداد یافته است. می‌گویند سنگر وبرج‌ها ازبناهای مرحوم نادرشاه است.

نواب مستطاب والا سواره به‌قلعهٔ مزبوره احداثی مرحوم نظام‌الدوله حسین‌خان که جزئی به‌راه فاصله دارد رفته ملاحظه نمودند واراضی آن را دیده وقراول‌خانهٔ آق‌دربند رابه‌دقت مشاهده کردند. جزئی تعمیر داشت‌تنخواه به‌قراولان دادندکه‌معجلاً آن راتعمیرکنند وبه‌بیست نفر شمخالچی قراول‌آنجا مطابق‌تفضیل ذیل انعام دادند.

بیست‌نفر ده تومان. بالجمله مرکب‌والاپس‌از طی مسافت وقت ظهر به‌اردو نزول نمود ولدی‌الورود دو نفر ترکمان کـه پیشقراولان اردو درراه دیده وگرفته بودند به‌حضور والاآوردند، مقررشدآنها را به‌چادر سهام‌الملك برده درحضور جمعی استنطاق نموده معلوم دارند که ازچه طایفه‌اند وبه‌چه مقصود اینجا آمده‌اند وآنها بعداز تحقیق اظهار نمودند که ما از ترکمانان تکه ساکنین سرخس رعیت دولت علیه هستیم وبه‌این‌مکان به‌جهت جمع‌آوری‌گل‌رنگ صباغی آمده‌ایم. مقررشد آنها را تحت‌الحفظ به‌سرخس بیاورند تا صدق وکذب قول

آنها معلوم شود و به‌اقتضای آن معمول افتد. در این منزل نیز در کوههای اطراف آتش فشانی می‌کردند اگرچه دور بود از بابت احتیاط که سرایت به‌اردو نکند محمدخان تفنگدار باشی وجمعی از تفنگداران مأمور شدند که آتش‌را خاموش کرده مرتکب آن را گرفته به‌اردو بیاورند و آنها رفته آتش را فرو نشاندند. لیکن مرتکب معلوم نشد کیست.

شورچه چمنی است پرعلف ووسیع‌در کنار کشف رود قلعهٔ‌چهار برجی خالی‌ازسکنه‌ای داردکه قدری‌از آن‌خراب شده درایالت نواب غفران مآب جلال‌الدوله‌طاب‌ثراه این قلعه را ساخته بودند وچندسال در آنجاقراول‌ساخلو می‌نشست. بواسطه‌بدی وشوری‌آب‌آن‌جاسکنه‌اش متفرق شده وخراب گردید.

**روزدوشنبه یازدهم:** موکب والا سه‌ساعت از روز گذشته حرکت نمود منزل شب پل‌خواتون است. خط راه بدواً به‌طرف شمایل مایل به‌شرق وبعدازنیم فرسخ به‌طرف مشرق تا منزل امتداد دارد، ومسافت سه فرسخ است. رودخانه‌کشف‌رود دراین راه‌نیزدرسمت راست ازراه خارج شده ازپشت‌کوه‌که قدری دوراست می‌گذرد وبعداز دوفرسخ در پس‌کمرکه‌نقطه‌ای ازکنارکوه است‌باراه تقاطع‌کرده ازسمت چپ‌راه‌تا نیم فرسخ وپس ازآن ثانیاً با راه تقاطع‌کرده تا پل خواتون‌که نیزنیم فرسخ است ازسمت راست جاری است، و در آن‌جا داخل هری رود می‌شود. وکنارش همه‌جا نیزار وگزستان وباتلاق است واین‌راه اول به مسافت‌کمی درتپه ماهورهای پرعلف وبعد تا منزل درمیان درهٔ وسیع امتداد دارد. نهارگاه امروزپس‌کمراست‌که‌محل بسیار مستعدی برای

آبادی وزراعت است. وترکمانان سالورکه پارسال‌قریب هزاروپانصد خانوار به‌رعیتی دولت‌آمده ساکن زورآباد هستند دویست نفر زارع به‌پس‌کمر فرستاده‌اند واز رودخانه نهری جدا کرده زراعتی خوب که نیم فرسخ طول وربع‌فرسخ عرض‌آن‌است نموده‌اند ازقرارتحقیق‌زیاده ازدویست خروار بذر،سالورهادراین‌جاکرده‌اند. آنچه‌به‌نظر آمد قریب دوهزارخروار ازآن زراعت‌عایدشان خواهد شد.علاوه برزراعت‌گندم مشغول‌کاشتن‌کنجد وفالیز هم شده‌اند و هنگام عبور والاترکمان‌های مزبورجلوآمده اظهار رعیتی‌واهلیت‌کرده به‌التفات ومهربانی‌های‌والا دلگرم و مستمال‌گردیده وازقرارتفصیل ذیل به‌آنها بذل انعام وسرب وباروت برای دفاع سایر ترکمانان نمودند. انعام نقد پنجاه تومان، باروت ده‌من. سرب بیست‌من. امروز در بین راه به‌سهام‌الملك ومحمد حسین‌خان میرآخور مقرر شدکه دستجات سوارهٔ ملتزمین رکاب‌راکه دسته‌دسته دربین راه صف‌کشیده منتظر موکب والا بودند غفلتاً شماره نمایند ومعلوم‌کننده که کسر نفری‌دارند یاندارند وپس ازدقت‌چندان ازمأخذکم‌نبود وموکب والا پس‌ازطی مسافت پنج ساعت به‌غروب‌مانده به‌اردو واردگردید، درنزدیك پل‌خواتون به‌فاصله پانصد ذرع درسمت راست آن‌طرف رودخانه‌کشف رود درفضائی وسیع وبا صفا رباطی‌از سنگ وگچ سی‌ذرع درسی‌ذرع تمام‌مسقف‌هست‌که سقف‌های آن‌اغلب خراب‌شده،باقی،باقی‌است. وجلوآن رباط‌آب انباری ازسنگ وآهك درکمال استحکام‌ساخته‌بودندکه‌شصت ذرع‌دورآن‌است. سقف‌آن‌خراب وبانی این‌دو معلوم نیست.

پل خواتون درملتقای‌کشف رود وهری‌رود برروی رودخانه‌در

کمال استحکام واعتبار بسته‌شده است. پنج چشمه بزرگ وچندچشمهٔ کوچك دارد. طول آن‌شصت ذرع‌وعرض آن‌پنج ذرع‌وارتفاع آن‌ازسطح رودخانه دوازده ذرع است‌که دراین‌وقت سه‌ذرع‌ازارتفاع درآب‌پنهان است ونه‌ذرع آن دیده می‌شود. دهنهٔ چشمه‌های وسط پل‌هشت ذرع‌و چشمه‌های بزرگ دیگر ازشش ذرع الی چهار ذرع‌است. چشمه‌های کوچك‌که دروسط پایه‌های‌پل است هریك یك‌ذرع ونیم است. دوقسم آجردرآن‌بکار رفته یك‌قسم شش‌گره عرض وطول، ویك‌گره‌قطردارد.

ویك‌قسم‌چهارگره عرض وطول‌ویك‌گره‌قطردارد‌دالحق کمال‌دقت درخرج واستحکام آن شده است. افسوس‌که این بنا درشرف‌خرابی است. طاق‌چشمهٔ‌وسط به‌کلی‌خراب شده است که عبور ممکن نیست . بالای پل ودیواره ومناره وپایه‌ها هم احتیاج به‌تعمیردارد. اگر اولیای دولت‌علیه‌حکم‌به‌تعمیراین‌پل فرمایندحفظ‌جان مسلمین رافرموده‌اند. بانی این پل را عوام، خواتون نـام همشیره گوهرشاد بیگم آغاحرم شاهرخ شاه‌تیموری مـی‌دانند وگویند آنهـا سه‌خواهر بوده‌اند اهل خیر وصلاح، گوهرشادآغا که حرم‌سلطان بود مسجد گوهرشاد رادر مشهدمقدس‌ساخته وماهی یك‌خواهر او رباط ماهی‌راوخواتون‌خواهر دیگرش این پل را بنانموده و آثار خیر از هر سه خواهر در روزگار مانده وموجب ذکر جمیل شده‌است.

**یوم سه‌شنبه دوازدهـــم** : موکب والا یك ساعت از روز گـذشته حرکت نمود. منزل شب نوروزآباد است. خط راه تا نیم فرسخ مابین مشرق وشمال، بعدازآن‌به‌طرف‌شمال امتداد دارد، ومسافت شش‌فرسخ است. رودخانهٔ‌کشف رود وهری‌رود ممزوجاً که از این‌جا موسوم به‌

رودخانهٔ سرخس می‌شود درسمت راست همه‌جا به‌فاصلهٔ هزار ذرع و کمتر وکنار آن بعضی جاها جنگل بیدوگزونی وبعضی جاها خشك و بی‌درخت است. مسافت امروز تماماً خاکاتك وصحرائی وسیع پرعلف مستعد زراعت وآبادی است. ازدو طرف تپه‌های خاکی از دور دیده می‌شود. نهارگاه امروز درکنار راه نزدیك به‌جنگل بوده است. قلعه وآبادی دردوطرف‌راه نیست‌جزاینکه‌یك‌فرسخ ونیم‌ازراه‌که‌طی‌می‌شود درسمت راست آن طرف رودخانه یك تپه بزرگ منفرد در جلو تپه خاکی طولانی دورا دور پیداست دیده می‌شود وموسوم به‌شیرتپه است. می‌گویند یکی ازمکان‌ها ونقاطی‌که‌ترکمان‌ها هنگام تاخت وتازجمع شده رفع خستگی‌کرده مستعد تاخت وتازمی‌شوند وبعدازتاخت وتاز الجه‌که‌بدست‌آورده‌اند قسمت می‌کنند. این شیرتپه است. ویك‌فرسخ ونیم به‌نوروزآباد مانده درروی دوبلندی‌که درسمت راست وکنارراه است بعضی خرده[1] آجر دیده می‌شودکه‌گویا برج یاقراول خانه بوده ونیز نزدیکی آن‌علامت‌وآثارآبادی درسمت چپ متصل به‌راه هست‌که آن نیز آجرخرده[2] زیاددارد. احتمال می‌رود قدیماً قصبه یاده‌بزرگی بوده است. امروزدرصحرای اتك بادهای خوش می‌وزید وهوا طراوت داشت به‌قسمیکه به‌ملتزمین‌رکاب طول مسافت چندان زحمت نرسانید ویك فرسخ ازمسافت‌که طی شدگلهٔ خوکی درصحرا به‌نظرآمد.نواب مستطاب‌والاتوقف فرموده حکم به‌شکارآنهاکردند تفنگداران‌سرکاری وغلامان رکابی وسوارهٔ ملتزمین رکاب در حرکت آمـدند. خوکها در صحرا متفرق وسوارهاآنها را تعاقب‌کردند. وهرچه‌آنها را هدف تیر

۱و۲ــ اصل: خورده‌آجر.

می‌کردند ازتکاپو نمی‌افتادند. دورأس ازآنهاکه تیرخورده بودندخودرا به‌آب زده‌آن طرف رودخانه رفتند. چند سوار به‌آب زده گذشتند و آنها را تعاقب‌کردند. سواری‌که یکی ازآنها راگرفته بود عریان شد وازمیان رودخانه شنامی‌کردوخوك را با خودمی‌آورد. تماشای‌غریبی داشت. آخرالامر هشت رأس خوك ویك‌آهوی زنده ویك‌آهوی کشته شکارکرده به‌حضوروالاآوردند. قرقاول بسیارهم شکارشد وسواران که شکارکرده بودند به‌انعام نایل شدند. اسب یکی ازسواره‌ها راهم‌خوکی زخم‌کرده تفرج تماشای این شکارخیلی ناظرین را محظوظ و مسرور نمود. ودر راه ومنزل مار وحیوانات لذاعه دیده می‌شد. موکب والاسه ساعت به‌غروب مانده به‌خیام اردو که نزدیکی نوروزآباد بالای تپه مشرف به‌جنگل و رودخانه افراخته بودند نزول نمود. عباس‌خان حاکم سرخس دراین منزل به‌استقبال موکب والاآمد. قلعهٔ نوروزآباد خالی‌ازسکنه، میان جنگل‌نزدیك رودخانه است. می‌گویند درایالت مرحوم حشمت‌الدوله احداث شده روبه‌خرابی است وچون یکی از منازل عرض راه سرخس‌است‌که بایدآبادی داشته باشد نواب‌مستطاب والاحکم به‌بازدید دیوارقلعه وخانه‌هاکردند وازروی برآورد تنخواه به‌عباس‌خان‌سرتیپ حاکم سرخس تحویل شد.که عاجلاً بسازد وبیست وپنج نفرشمخالچی‌برای‌ساخلوی‌آن جاگذاشتندکه بعدازساختن قلعه علی‌الحساب همان ساخلو، زراعت هم بکنند تا خانوار رعیت هم به آنجا برسانند.

روزچهارشنبه سیزدهم‌رجب ،که‌عید مولود مسعود حضرت علی‌بن ابیطالب(ع) است. موکب والا دوساعت از روز گذشته حرکت نمود.

منزل شب سرخس جدید است. خط راه به‌طرف شمال مایل به‌مغرب امتداد دارد. ومسافت چهارفرسخ است. رودخانهٔ سرخس همه‌جا در سمت راست نزدیك به‌راه وکنارش بعضی‌جاها جنگل و بعضی جاها خشك وبی‌درخت است. زراعت زیادی متعلق به‌ترکمانان تکه‌رعایای دولت علیه درراه نزدیکی سرخس دیده می‌شود.

مسافت امروزهم خاك‌اتك است وصحرائی وسیع پر علف قابل ومستعد زراعت وآبادی است. وتپه‌های‌خاکی‌که از دور دردوطرف‌راه دیده می‌شود بعدازطی دوفرسخ مسافت معدوم می‌گردد. بعداز آن تا چشم می‌بیند جلگه و بیابان است. نهارگاه امروز در کنارراه بود. **آبادی سمت راست:** اول قلعهٔ دولت‌آباد است‌که قلعه چهاربرجی است وخندقی هم برآن محیط است. سکنه ندارد جز ده‌نفرشمخالچی‌که مشغول قراولی‌هستند وازقرارتفضیل‌ذیل‌سی وپنج‌تومان به‌شمخالچیان متوقف‌دولت‌آبادانعام مرحمت شد.این قلعه متصل به‌راه استوخرابی هم زیادداشت. ازروی بازدید تنخواه تحویل عباس‌خان شدکه آن‌جا را بسازد ساخلوآن‌جا را هم بیست وپنج‌نفرشمخالچی مثل‌نوروزآباد قراردادندکه ازاول نسق مشغول زراعت شوند تا خانواررعیت وزارع هم برای‌آن‌جا معین‌شود.

**دویم:** قلعه قزل‌قایه‌آن‌طرف‌رودخانه به فاصله ربع فرسخ دیده می‌شود خالی ازسکنه وخراب است. می‌گویند این قلعه را سابق به حکم مرحوم حشمت‌الدوله درسربند قزل‌قایه ساخته بودندکه‌ساکنین قلعه محافظت‌بندمزبوررابکنند[تا]کسی خراب‌نکندوبند قزل‌قایه‌را درنزدیکی این قلعه بسته ونهری ازرودخانهٔ سرخس جداکرده بودند

که آب این نهر هفت فرسخ راه امتداد می‌یابد واملاك سرخس قدیمی ومحکمهٔ قوشیدخانی وسایر آبادی‌های جلگهٔ آن طرف رودخانه را مشروب می‌نماید.

**سیم** : سرخس‌قدیمی‌که در آن‌طرف رودخانه به‌فاصلهٔ نیم‌فرسخ دربالای تپهٔ مرتفعی نمایان است ودر نزدیکی سرخس قدیمی پلی در کمال اعتبار بر رودخانه بسته بودندکه حالا دوچشمهٔ بزرگ وسه‌چشمهٔ کوچك وبعضی پایه‌ها از آن به‌جامانده باقی خراب شده.

**آبادی سمت چپ:**

**اول** : قلعه خرابه‌ایست‌موسوم‌به‌قلعه قصاب خالی ازسکنه‌است.

**دویم** :آثارقریه یا قصبهٔ خرابی است‌که‌آجرخرده[۱] زیاد هم در آن دیده می‌شود وآسیای بادی هم‌دارد. می‌گویند اسم‌آن قلعه آسیا باد بوده است.

**سیم** : قلعه چهاربرجی است‌که محل سکنی تاج سردارترکمان وچند خانوارترکمان تکه رعایای‌دولت‌علیه است، و اوبه‌معتبری‌قریب هشتاد خانوارهم درخارج‌قلعه به‌فاصلهٔ‌هزارذرع ازراه دارندکه‌خانوار آنها دراوبه است وقلعهٔ مزبورحالاسکنه ندارد واین تاج سردار سه سال است به‌رعیتی‌ونوکری دولت ازمروآمده وبا مروی‌هاخونی‌است.

امروزهم درراه شکار قرقاول‌وکبك بسیارکردند وانعام گرفتند وموکب والا پنج‌ساعت به‌غروب مانده به‌اردوکه درخارج قلعهٔ‌سرخس نزدیك رودخانه نصب شده بود ورود نمود. وبه‌تشریفات ورود نواب

---

۱ـ اصل:خورده.

مستطاب‌والا بیست‌ویك تیر توپ از توپخانه قلعهٔ سرخس شلیك‌کردند. وقت‌غروب امروز نواب مستطاب‌والا اسب خواسته باچندنفر جلودار ومعدودی ازخواص از رودخانه عبور فرمود. به‌اوبهٔ ترکمانان تکه و سالور رعایای دولت علیه‌تشریف برده تفرج‌نموده به‌ترکمانان‌مزبور اظهار التفات ومهربانی نموده مراجعت به‌اردو کردند. قلعهٔ سرخس جدید احداثی‌مرحوم حشمت الدوله است‌که به‌مناسبت نام نامی‌اقدس همایون موسوم به‌سرخس ناصری‌گردیده‌است. وبه‌فاصلهٔ هزارذرع در این‌سمت رودخانه است.

**یوم پنجشنبه چهاردهم:** اطراق سرخس است و موکب والا دو ساعت از روز گذشته به‌جهت ملاحظه وسرکشی شهر سرخس قدیمی که معروف به‌سرخس افراسیابی است و محکمه قوشیدخان ترکمان که بین‌ترکمان‌ها مشهور به‌سرخس قوشید خانی وهردو درسمت‌شرقی رودخانه سرخس است، از اردو حرکت‌کرده ازرودخانهٔ مزبور عبور نمود. خطراه تاربع فرسخ کـه از کنار رودخانه و کال‌های متعلق به رودخانه طی می‌شود به‌طرف مشرق مایل به‌شمال وپس‌ازآن منحرف شده تاسرخس‌قدیم به‌سمت مابین‌مشرق وجنوب‌امتداد دارد، ومسافت یك‌فرسخ است. رودخانهٔ سرخس همه‌جا به‌فاصله کم در سمت راست راه است وکنار آن خشك وبی‌علف و درخت است. و راه ممتد است. ازاراضی‌آباد پرعلف و زراعت زیادی‌هم متعلق به‌ترکمان‌های تکه و سالور رعایای دولت علیه است. آبـادی منحصر به‌دواوبه‌است. از ترکمانان مزبورکه درنزدیکی رودخانه درسمت راست اقامت دارند وموکب‌والابعدازطی مسافت یك‌فرسخ به‌سرخس قدیمی وارد گردید و

این‌شهر درکنار تپهٔ مرتفعی بوده‌است و آثار آن‌که اکنون باقی است دلالت برعظمت واعتبار آن می‌کند وگویـا ارك آن در بالای تپه بوده است. درهرحال ازتمام آبادی این شهر چیزی کـه باقی مانده است قلعه‌ایست‌که دربالای تپه‌مزبور است واین‌قلعه ازدیوار باره وبروج و عمارات تماماً از آجرساخته شده بوده‌است. دربالای سردرب دروازه آثارعمارتی عالی‌باقی‌است‌که احتمال‌می‌رود نقاره‌خانه بوده است ودر وسط قلعه‌آثار عمارتی‌رفیع برجاست،که شایدبرج ومحل‌تفرج‌صاحب قلعه بوده‌است. وازاینکه این‌قلعه دیوار وبروجش غیرمنظم وبسیاری را باآجر شکسته‌وسقط ساخته‌اند، معین‌می‌گرددکه ارك اصلی‌قدیمی نیست بلکه یك دفعه خراب‌شده یا خراب کرده‌اند دوباره باآجرهای آن این‌قلعهٔ حالیه‌را ساخته‌اندکه آنهم خراب شده است. واین همان قلعه‌ایست‌که ترکمانان دراواخر عهد خاقان مغفورمحکمه‌کرده تمرد وعصیان‌میورزیدند. ولیعهدمبرور نایب‌السطنه طاب‌ثراه به‌نفسه لشکر کشیده به‌قهروغلبه مفتوح ساخت وخراب نمود. درپای تپه ایوان و گنبدی عالی است‌که ازآجردرکمال امتیاز واستحکام ساخته شده‌است. بعضی‌آن را مقبرهٔ فضل‌بن‌سهل ذوالریاستین وزیراعظم مأمون‌الرشید که درحمام سرخس به‌دست چندنفر غلام‌کشته شد می‌دانندکه حضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌وعلی جدّه وآبائه‌وابنائه‌آلاف التحیة والسلام قبل‌ازوقوع‌واقعه‌ازآن خبرداده بودند. لیکن‌ازروی تاریخ‌بنای مقبره که‌بعدازچندین سال ازقتل‌فضل ساخته‌بودند وتاریخ‌سنگ مقبره‌معلوم می‌شودکه مقبرهٔ یکی‌از امرای‌ترك است.کلماتی چند درکتیبه ایوان به‌خط ثلث ازگچ درآورده بودندکه چندکلمه ازاول و چندکلمه از

آخر به‌جا مانده که تاریخ نیز از او معلوم می‌شود باقی ریخته‌است.
کلمات اول کتیبه این‌است وتمت هذه العماره‌کلمات آخـر این‌است.
فی‌ثمان وعشیرین وثمان‌مائه. چند کلمه خط‌کوفی‌هم بالای‌کتیبه باگچ
درآورده‌اند که ریخته شده چیزی از آن خوانده نمی‌شود در مقبرهٔ
وسط گنبدکه ازسطح زمین گنبد سه‌چارك ارتفاع دارد سنگی‌که یك
چارك قطر دارد بالای‌آن نصب شده است وکلماتی چند برآن سنگ
به‌خط‌ثلث حجاری‌کرده‌اندکه بعضی‌ازآن وتاریخ‌آن شکسته وریخته
شده است. در اسم مدفون‌هم جزئی شکستگی بهم رسیده است. آنچه
خوانده می‌شود این است هذه مرقد الامیرالسعید الشهید المـرحوم
المغفور امیرتهمن ابن‌امیر غزاین ابوغاطاب مرقده و ترحم. و نواب
مستطاب‌والا بعداز ملاحظهٔ سرخس قدیمی بدون تأخیر وتأمل برای
ملاحظه محکمهٔ قوشید خان‌که دراین خاك ساخته بوده است روانه
گردیدند. خطراه همه‌جا به‌طرف شمال‌امتداد دارد ومسافت سه‌فرسخ
است. رودخانه سرخس همه‌جا به‌فاصله‌کم درسمت چپ‌است دوفرسخ
ازمسافت‌که طی‌گردید آثار آبادی درکنار راه دیده شدکه در قدیم
قصبه یادهی بوده وخراب شده است. در ایالت مرحوم فریدون میرزا
فرمانفرماکه خان‌خوارزم به‌عزم‌جنگ باقوشید خان و دست اندازی
به‌سرحدات دولت علیه به‌این صفحات‌آمده بود در این نقطه‌که یک
فرسخی‌محکمه‌قوشیدخان‌است اردو زده وسنگرهاساخته‌بوده است‌که
آثارآن باقی‌است وفیمابین این‌سنگر ومحکمه قوشیدخان ربع‌فرسخ
ازراه دورتر تپه‌ای نمایان‌است موسوم به‌قاتلی‌تپه واین همان تپه‌است
که بالای آن خان خوارزم محمدامین‌خان کشته شده و سر او را به

دارالخلافه آوردند وحسب‌الحکم درخارج دروازهٔ دولت دفن‌کردند و شمس‌الشعراء قصیده‌ای ساخته بودکه مطلعش این است:

افسر خوارزم شه کـه سود به‌کیوان

با سرش آمـد در این مبارك ایوان

نواب مستطاب والا بعداز طی مسافت به‌محکمهٔ قوشید خان رسیده سواره آن‌را تمام‌گردش‌کرده وملاحظه نمود. قلعهٔ بسیارمحکم وبزرگی‌است‌که ارك‌کوچکی هم دارد وهمهٔ اطراف آن خندق است و در دو طرف آن باستیان‌ها و دیوارها و سنگرها ساخته بوده است و دور این‌آبادی یك فرسخ بوده است وحالا بیشتر آن خراب است. برای‌احداث قلعهٔ‌جدید نزدیکی این‌قلعه را پسند فرمودند ونهار در این‌مکان درجنگل‌کنار رودخانه میل‌نموده عصرسوار شده وقت‌غروب وارد اردو گردیدند.

**روز جمعه پانزدهم** : اطراق سرخس است. نواب مستطاب والا میرزا محمدعلی خان سرهنگ مهندس را بـاجمعی ازاهل بصیرت مأمور نمودندکه رفته اراضی متعلق به‌سرخس قدیم افراسیابی را یا جائی‌که منتهی به‌ریگ‌زار میشود بانهرهائی‌که سابقاً برای‌آبادی‌ها ودهات خاك سرخس ازرودخانه بندبسته وجداکرده‌اند معلوم نمایند ونقشهٔ مختصری بردارد ودرنزدیکی محکمهٔ قوشیدخانی‌که روزقبل اختیارنموده بودند نقطهٔ‌مناسب معین‌کندکه قلعه جدیدی احداث‌شود وانشاءالله تعالی‌آباد گردد. وپس‌ازآن تاعصرخاطر والا مشغول‌تحریر نوشتجات طهران گردید.

هوای اردو در کمال گرمی وشدت حرارت است، به‌حدی که

مذکورشد تخم‌مرغ درریگ‌های کناررودخانه پخته‌گردید وملتزمین رکاب درکمال سختی روز راگذرانیدند دراین روز نوشتجات طهران که به‌توسط پست دولتی به‌مشهد رسیده بـود به‌صحابت غلام ازمشهد به‌اردو رسید وشب خاطر والا مشغول ملاحظهٔ آنها گردید. دو نفر ترکمان‌که در شورچه‌گرفتار شده بودند چون‌معلوم شد ازترکمانان طایفه تاج‌سردار ورعیت دولت هستند مرخص‌گردیدند.

**یوم شنبه شانزدهم:** اطراق سرخس است و نواب مستطاب والا بهبودخان سرتیپ حـاکم کلات را بـه‌موجب دست خط برای بعضی دستورالعمل‌هااحضاربه‌اردونمودند وعصربرای ملاحظه وسرکشی قلعهٔ سرخس‌جدیدسوارشدند وازدروازه ارك قلعه وارد گردیدند. سرباز و توپچی‌وشمخالچی‌ساخلوی قلعه‌که‌درخارج قلعه درب‌دروازه صف‌بسته بودند هنگام ورودنواب مستطاب والابه‌قلعه احترامات نظامی به‌عمل آوردندو نواب‌مستطاب‌والاپس‌ازورودبه‌ارك‌ازدردروازه‌دیگر ارك‌گذشته داخل قلعهٔ سرخس‌گردیدند. وسواره‌گردش وملاحظه وسرکشی‌نموده ثانیاً ازهمان راه‌که داخل شده بودند خارج گردیدند. این آبادی از خارج‌که ملاحظه‌می‌شوددیواری مرتفع‌به‌طورمارپیچ با بروج‌محکمه دارد وخندقی درچهارذرع عرض وسه ذرع عمق بر آن محیط است، ودرکمال استحکام به‌نظرمی‌آمد ودورقلعه نیم‌فرسخ است لیکن‌داخل آن بسیارخراب وشبیه به‌قشلاق‌های ایالات است. عمارت ارك‌منحصر است به‌یك‌خانهٔ خشتی‌دارالحکومه وچند باب‌خانهٔ رعیتی‌که‌توپچی‌ها درآن سکنی دارند ووسط‌قلعه به‌چهارقسمت‌که منقسم شود سه‌قسمت آن اراضی‌بایراست. یك قسمت ازوسط‌آن راکه سابق خانه ساخته و

آبادکرده بودند وچند معبر راسته بر آن ترتیب داده بودند اکثر آن خانه‌ها نیزخراب است وقلیلی ازآن باقی است‌که سرباز وشمخالچی درآن سکنی دارد. یك حمام‌کوچك وآب‌انباری مختصر داردآب‌ارك وقلعه ازنهری‌است‌که ازرودخانه جداکرده و آورده‌اند. درکم‌آبی‌آن هم خشك می‌شودآب ساکنین منحصر می‌شود به‌آب چاه و آب انبار. این قلعه دو دروازه دارد. یکی دروازهٔ ارك که مفتوح است و یکی دروازهٔ مروکه به‌احتیاط ازشرارت ودزدی ترکمانان تکه‌مروی سابقاً بسته وخاك ریزکرده‌اند. نواب مستطاب والابعداز ملاحظهٔ قلعه میل نمودند، به‌ملاحظه‌فاتحه‌خوانی‌مقبره‌ای‌که درنیم‌فرسخی‌این‌قلعه‌درسمت مشرق آن است‌ومعروف‌است به‌الغ بابا بروند. بااینکه غروب‌نزدیك بود وبعضی از ملتزمین رکاب اشکالات وارد آورده از احتیاط خارج می‌دانستند. نواب مستطاب‌والاقبول ننمودند با معدودی ازسواران و خواص به‌آنجا رفتند.

مقبرهٔ مزبوره عبارت است ازایوان وگنبدی وسیع‌وعالی که از آجر ساخته و پرداخته بودند و بعضی کاشی‌کاری هم دارد که چندان امتیاز ندارد و سقف ایوان خراب شده و در دیوارها هم خرابی به‌هم رسیده است. مقبرهٔ دروسط‌گنبد است. سنگ و تاریخ نداردکه معلوم شود مقبرهٔ که بوده است.

دردور دوطاق‌نماکه درجنبین درب‌گنبد است آیةالکرسی به‌خط ثلث ازگچ بریده‌اند ودردور درب‌گنبد این عبارتَ را به‌خط مزبور از گچ بریده‌اند. انما امرعمارت هذاالبقاع خدام شیخ الاسلام اعظم‌شمس الحق والملةوالدین فخرالاسلام‌والمسلمین‌معین‌الضعفاء والمساکین‌محمد

ابن محمدلقمان مدضله فی‌سموات سنه‌سبع‌وخمسین وسبعمائه.

وموکب‌والاپس ازفاتحه‌خوانی وتفرج یك‌ساعت ازشب‌گذشته‌به اردومراجعت نمودند.

**روزیکشنبه‌هفده** : اطراق سرخس است. میرزا محمد علی خان سرهنگ مهندس‌نقشه‌ای‌که حسب‌الحکم، از اراضی‌ومجاری‌آن طرف رودخانه‌وسرخس تا محکمه قوشیدخان برداشته‌بودونیز نقطه‌ای‌راکه از نزدیکی‌محکمه‌قوشیدخانی درکنار نهری‌که درقزل‌قایه ازرودخانهٔ سرخس جدا شده است ودرآن‌جا ثانیاً به‌رودخانه می‌ریزد برای قلعهٔ جدید مناسب یافته‌بود درآن‌نقشه‌نموده بانقشه‌قلعه جدید یازده‌برجی که علیحده رسم کرده بود به‌نظر نواب مستطاب والا رسانیدوپسندیدهٔ نظر والاگردید وعلی‌الفور به‌عباس‌خان حاکم سرخس‌مقررشدکه‌جمعی ازعمله‌جات بابیل‌وکلنگ‌واسباب کار به‌سر نهرمزبور بفرستد دوروزه اصلاح مختصری ازآن نهر بکنند که برای قلعه جدید آبی به‌آن جا برسد وتوانند بنائی وقلعه‌سازی نمود تابعد خرابی‌های نهرمزبور باکمال دقت رفع گردیده واصلاح‌کامل پذیرد وعباس‌خان حسب‌المقرر به‌انجام خدمت مزبور رفت وچون میرزا محمدعلی‌خان مهندس نقشه اتك‌قوچان‌ودره‌گز وکلات‌را باچهچهه درمأموریت سابق خودبرداشته بود امروز مقررگردید از این‌جاتا چهچهه و طژن رفته تا اردوی‌والا درسرخس اقامت‌دارد، نقشه این‌جا راهم برداردکه متصل به‌نقشه‌سابق نموده، تمام اتك بدون‌کسردرآن نقشه نموده شود ومشارالیه بااسباب کاربه‌محل مأموریت رفت‌وبه‌بیست‌وپنج‌نفرترکمان‌که همراه میرزاعلی محمدخان فرستاده شد از قرار ذیل انعام داده شد. بیست وپنج‌تومان.

**روزدوشنبه‌هیجده:** اطراف‌سرخس است. دراین‌روز به‌سهام‌الملك رئیس قشون مقرر رفت که تمام سوارهٔ ملتزمین رکاب را ازروی‌کمال دقت‌سان دیده وملاحظهٔ داغ واسب‌های آن‌ها را نموده هر یك داغ ندارند داغ نمایند تا تمام سوار واسب‌های آنها ازسال‌گذشته‌واحدی اسب بی‌داغ‌نداشته باشد. وسهام‌الملك چند دسته ازسوار را سان‌دیده اسب‌های بی‌داغ‌آنها را داغ‌کرد.

هوای سرخس امروز درشدت حرارت بود و باد گرم خطرناك می‌وزید. ناچار برای راحت نواب‌مستطاب والا وبعضی‌ازملتزمین‌رکاب به‌دستیاری ترکمان‌ها چند باب خارخانه ساخته شد که توانند لختی راحت نمود. امروز درچراگاه‌دواب، یکی از قاطران سرکاری راماری گزیده فوراً هلاك کرد وملزوع ازحدت زهر درا‌ندك مدت‌چنان ازهم بدر رفت که برای مباشرین قاطرخانه ممکن نشد داغ آن را بریده نزد رئیس خود بیاورند.

**روز سه‌شنبه نوزدهم:** اطراف‌سرخس است. سهام الملك‌امروزنیز چند دسته ازسوارهٔ ملتزم رکاب راسان دیده اسب‌های بی‌داغ آنها را داغ نموده وموکب‌والا یك ساعت ازروزگذشته‌برای بنای قلعهٔ جدید که درنزدیکی محکمه قوشیدخان اختیار افتاده‌بود وآب را ازنهری که در نزدیکی قزل‌قایه از رودخانه سرخس جدا شده است به‌آنجا رسانیده بودند حرکت نمودوجمعی معمار وبنا وعمله هم درموکب‌والا بودند ومیرزا هاشم منجم‌باشی ساعت بنای قلعه را در چهار ساعت از دسته گذشته که شش‌ساعت ونیم ازطلوع آفتاب رفته باشد به‌طالع‌برج سنبله‌ده درجه تعیین‌نموده بودکه عطارد وصاحب بیت درخانهٔ یازدهم

مقارنه بازهره داشت. وشمس ومشتری درعاشر اتفاق افتاده بود.مریخ دردوازدهم و زحل درنهم.وقمر در دلو بود. به‌ساعت مزبور درحضور نواب مستطاب والا معماران صفحه‌ای را که میرزا محمد علی خان سرهنگ مهندس معین نموده بود برای بنای قلعهٔ یازده‌برجی تخطیط کرده وشروع بکارنمودند.امید است‌که انشاءالله عماقریب به‌اتمام‌برسد وبه‌فاصلهٔ‌ربع‌فرسخ‌ازاین قلعه‌درکنار راه مرو تپه‌ایست موسوم‌به‌یاغلی تپه. مقرر شد دربالای آن تپه نیز برجی محکم که‌قراول‌خانه‌این‌قلعه باشد بنا نمایند. ویك هزار ودویست تومان برای مصارف بنائی از صندوقخانه داده شد ونواب مستطاب والا پس ازفراغت از این کاردر جنگل‌کنار رودخانه‌پیاده شده‌نهار میل‌کرده اندکی‌راحت‌نمودندوعصر به‌اردو مراجعت‌کردند. امروز درجنگل‌این رودخانه اسبی ازغلامان فرارکرده بود. چندنفرغلام آنرا تعاقب نموده بودند ازمیان جمیعت قدری دور افتادند درجنگل ببری دیدند چون بی‌اسلحه بودندجرأت نزدیکی به‌آن نکرده وببرهم از هیاهوی آنهافرارکرده بکسی اذیت نرسانید.

**روز چهارشنبه بیستم:** اطراف سرخس است. و سهام‌الملك امروز نیز مشغول سان غلامان وداغ کردن اسب‌های‌بی‌داغ آنها گردیده‌باقی مانده را تمام نمود. امروز میرزا محمدعلی‌خان سرهنگ مهندس که برای‌نقشه‌کشی‌خاك‌سرخس‌به‌سمت چهچهه وطژن‌رفته بود بعدازانجام خدمت مراجعت‌نمود. نواب‌مستطاب والا ترکمانان‌تکه وسالوررعایای دولت‌علیه را که درخاك‌سرخس خدمت وزراعت می‌کنند مورد التفات داشته امیدوار ودلگرم ساخته وبرؤسای آنهاازقرار تفصیل‌ذیل‌خلعت

التفات نمودند.

تاج‌سردار جبه‌ترمهٔ ایرانی‌توپ، پاپوش‌پهلوان جبهٔ‌ترمه‌ایرانی توپ. محاط سردار جبهٔ ترمه ایرانی توپ. ریش سفیدهای ترکمان جبه‌ماهوت‌پنج‌توپ.

وبه‌زین‌العابدین میرزای آجودان اردومقر رشد که‌نقشه‌سرخس قدیمی وسرخس‌ناصری ومحکمه قوشیدخانی‌رابامقیاس صحیح‌بردارد و مشارالیه حسب‌المقرر نقشه‌های مسطور را برداشته بنظروالارسانید و مطبوع افتاد.

**روزپنجشنبه بیست ویکم:** موکب والا سه‌ساعت ازروزگذشته بقصد سرکشی‌سرحدات زورآباد وجام‌وغیره‌از راه پل خواتون حرکت‌نمود. منزل شب نزدیکی نوروزآباد است‌که‌قبل‌از ورود به‌سرخس اقامتگاه اردو بود. خط راه جنوب مایل بمشرق ومسافت همان چهار فرسخ. رودخانهٔ سرخس دردست‌چپ حالت طبیعی اراضی وراه‌همان است که دریوم سیزدهم رجب نوشته شده است. نهارگاه درکنارراه بود ودرراه اتفاقی نیفتادجزاینکه ملتزمین رکاب مبارک‌شکار قرقاول وکبک‌وخوک وخرگوش زیاد کردند.

عباس‌خان حاکم سرخس وپسر او به‌خلعت‌والا ازقرارذیل‌مخلع شده ازبین راه مرخص گردیدند و موکب والاسه ساعت بغروب مانده به‌اردووارد گردید.

عباس‌خان سرداری‌ترمه کشمیری‌توپ یوسف‌خان‌پسر مشاروالیه سرداری ترمه ایرانی توپ.

**روزجمعه بیست‌دویم :** موکب والا یکساعت و نیم از روز گذشته

حرکت‌نمود. منزل شب‌پل خواتون است که نیز قبل از ورود سرخس اقامتگاه اردوبود.خط‌راه تانزدیکی‌منزل‌بطرف جنوب ودرنیم‌فرسخی پل خواتون بطرف جنوب مایل به‌مغرب ممتد است.ومسافت‌شش‌فرسخ رودخانهٔ سرخس درسمت چپ وحالت طبیعی اراضی بقسمی‌است‌که‌در یوم دوازدهم رجب‌نوشته شده. نهارگاه مقابل شیرتپه درکنار رودخانه بود وشکار قرقاول وکبک امروزهم زیاد نصیب ملتزمین رکاب گردید. وموکب والاسه‌ساعت بغروب مانده وارد اردو گردید. امروز کاغذجات طهران که بتوسط پسته ازطهران به مشهد رسیده بودبه‌صحابت غلام‌به اردو رسید وخاطر والا تاشب مشغول مطالعه‌آنها بود.دراین‌منزل‌ارقام چند به‌عهده‌حاکم‌سرخس وقراولان‌آق دربند ومزدوران صادر کردند. که بعدها تبعهٔ ، هیچ‌یک ازدول متحابه را بدون اینکه رقمی ازنواب مستطاب‌والایاحکمی ازوزارت امورخارجه دردست داشته باشنداجازه دخول بخاك سرخس وسیاحت نمودن و نقشه برداشتن ندهند و مانع گردند. عصرامروزبرادرزادهٔ‌گلمحمدخان سرکردهٔ سوارهٔ سیستانی‌که جوانی پانزده ساله بود در کنار پل خواتون برای شست و شوی بدن ازگرد راه‌به‌آب‌فرورفت وبیرون‌نیامد.کسان اوکه مراقب بیرون‌آمدن اوبودند همینکه توقف اورا درزیرآب قـدری از حد اعتدال خارج دیدند خود را به‌آب انداخته‌چندانکه‌تجسس‌کردنداورا نیافتند.همانا آن سوارجوان‌دواسبه براه عدم‌تاخته‌بود.کسان اوناله ونفیر برآوردند جمعی‌شناوران ازاهل‌اردوبه‌آب‌ریخته یکفرسخ ونیم ازطول رودخانه را بدقت تمام تفحص‌کردند اثری ازاوظاهرنشد بلکه آنشب وفردای آن را نیز ازجستجو نیاسودند جسداو را هم نیافته مأیوس گردیدند.

بهبودخان حاکم کلات بموجب احضار، امروز به اردوی والارسید.

**یوم شنبه بیست وسیم:** ازپل خواتون به زورآباد سه راه هست. اول دربند گرماب. دویم دربند شوراب. سیم دربند ناری. از راه اول بجهت زیادی آب رودخانه وبدی معبر آن ازراه دویم وسیم بعلت سختی کوه ودره وتنگی راه آن عبور کالسکه وتوپ متعسر است واگرچه بردن توپ وکالسکه ازهرسه راه محال نیست لیکن دربابت اینکه به اشکال وزحمت زیاد بردن آنها میسر می گردید نواب مستطاب والامقرر داشتند توپ و کالسکه را عباسعلی خان سرتیپ فوج قرائی برگردانیده ازراهی که اردو آمده بودند به پل گزی برده وازراه دیگر که سه منزل دورتر است به زورآباد آورده ملحق اردو نمایند. نصف فوج قرائی وچهار دسته سوار وتدارك لازمه همراه سرتیپ مشارالیه شد و او ازراه مسطور به طرف مقصد روانه گردید وخاطر والا تا ظهر درمنزل پل خواتون مشغول تحریر جواب مطالب متعلقهٔ مشهد وغیره گردیده نهار درمنزل مزبور میل نموده بعدازظهر موکب والا ازرودخانهٔ دربند شوراب که بعضی ترجیح بـر راههای دیگر داده بودند به طرف زورآباد حرکت نمود.

منزل شب چشمهٔ تیموری است. خط راه دوفرسخ ونیم فیمابین جنوب ومغرب و پس از آن تا منزل به طـرف جنوب امتداد دارد. و مسافت شش فرسخ است. رودخانهٔ سرخس ازاین راه دورافتاده دیگر دیده نمیشود وآب دیگرهم درراه نیست. پنج فرسخ این راه از میان کوهها ودره های پرعلف امتداد دارد و تماماً جنگل پسته است. یك فرسخ دیگر دشت است قلعه وآبادی مطلقاً در راه نیست. درنصفه راه تنگئی درکوه هست که دربند شوراب عبارت ازآن است. دراین نقطه

قدیماً سنگری ازیك طرف‌کوه امتداد داده به‌طرف دیگر برده‌اند که تقاطع به‌راه نموده است. وبرجی سنگی بریك طرف دیگرموسوم به برج خدابخش دیده میشودکه بیشتر آن خراب است. بانی سنگر و برج امیرقلیچ‌خان تیموری است‌که درایالت مرحوم حاجی محمدولی میرزا با ایل تیموری در زورآباد سکنی داشته است.

امروز ازسختی راه وبعد مسافت آن به‌اهل اردوخیلی بدگذشت ووقت مغرب موکب والابه‌اردو وارد گردیدند.

چشمهٔ تیموری چمن و نــی‌زاری است و آب کمی هم دارد. ترکمانان ساکنین‌زورآباد رعایای دولت قدری‌دراینجا زراعت‌کرده‌اند

**روزیکشنبه بیست وچهارم** . موکب والا دوساعت از روز گـذشته حرکت نمود. منزل شب زورآباد است. خط راه به‌طرف جنوب‌مایل به‌مشرق امتداد دارد ومسافت سه فرسخ است. رودخانه ونهر وچشمه درراه نیست وتمام مسافت دشت است‌که بعضی جاها علف هم دارد. و همه‌جا مستعد زراعت وآبادی است.

**آبادی سمت راست.** اول قلعهٔ خـرابه خالی از سکنه موسوم به گوش لاغراست. دویم قلعهٔ خالی ازسکنه وخراب است‌که قدیماً قلعهٔ زورآباد بوده است. درسمت چپ علامت‌آبادی به‌هیچ وجه نیست.

نهارگاه امروزنیم فرسخی زورآباد در بالای تپهٔ بلندی مشرف به‌زورآباد بود. امروز دوبره‌آهو یکی زنده ویکی کشته در راه صید شد. یکفرسخ به‌منزل مانده‌میرزا محمدحسین‌هراتی حاکم‌جام وباخرز وسواره‌های جامی و رؤسای ترکمانان زورآباد به‌استقبال موکب والا آمدند وموکب والاازمیان اوبه‌ترکمانان عبورنموده به‌اردو که مقابل

اوبه درکنارچشمه نصب‌شده بود ورود نمود. وهنگام عبورازمیان اوبه قاضی و ملاها وعموم ترکمانهای زورآباد ازبزرگ وکوچك درخارج اوبه‌سرراه صف‌بسته دعابه‌وجود مسعودمی‌نمودند. ویك نفرازترکمانها ایستاده به‌زبان ترکی متصل می‌گفت سرفرودبیاورید. وترکمانهاخاصه اطفال آنها به‌طورمضحکی تعظیم می‌کردند واحترام به‌عمل می‌آوردند ونواب مستطاب والاچند دقیقه توقف فرموده به‌قاضی و ملاهـا اظهار مهربانی‌کرده گذشتند.

زورآباد قدیماً یك ولایتی بوده ودرایالت مرحوم حاجی‌محمد میرزا امیرقلیچ‌خان تیموری را با دوازده هـزار ایل تیموری مرحوم مزبوربه‌آنجا سکنی داده بود. و اوارك وقلعه هم احداث‌کرده و ایـن خاك منظم‌بود. بعدازآن مرحوم، رفته رفته خراب شد و ایل تیموری ازآنجاکوچیدند. بکلی ازحلیه‌آبادی افتاد وترکمانها هنگام تاخت وتاز وقت رفتن ومراجعت‌دراین‌جلگه راحت می‌گردند وکمال‌ناامنی را داشت. حال فی‌الجمله‌خرابی به‌دیوار ارك راه یافته است، لیکـن قلعه به‌کلی خراب است.

**دوشنبه بیست‌وپنجم** :اطراق‌زورآباداست. نواب‌مستطاب‌والاامروز جمعی‌ازملاها ورؤسای‌ترکمانان سالوررا خواسته‌به‌مراحم والامستمال ومسرور نمودند ومقررداشتند سهام‌الملك ومیرزا محمد حسین هراتی حاکم‌جام وباخرز وزین‌العابدین میرزاآجودان اردوبه‌قلعهٔزورآبادکه ترکمانهای سالور درآنجا و در خارج آن اوبه دارند رفته ملاحظهٔ خرابی آن را نموده وخرج‌آبادی آن را برآورد کرده نقشه درستی کشیده به‌نظروالابرسانند، ومشارالیهم به‌آنجا رفته بعد ازملاحظه و

دقت به‌غرض‌رسانیدند که زورآباد دوقلعه‌متصل به‌یکدیگر است. یکی کوچکتر که شصت‌ذرع‌عرض ودویست وده‌ذرع طول وچهار برج‌دارد. ویکی دیگر بزرگتر که سیصدوچهل‌ذرع‌عرض وسیصدوچهل‌ذرع‌طول دارد. وقسمی‌ساخته‌شده است‌که قلعه‌کوچك می‌تواند ارگ‌قلعهٔ‌بزرگ باشد. خرابی دیوار قلعهٔ کوچك‌کمتر است لیکن دیوار قلعهٔ بزرگ خرابی زیاد دارد. فی‌الجمله ازدیوارهای آن باقی است.

نواب مستطاب والاچنین صلاح دیدند که قلعهٔ کوچك رابرای حاکم ونوکر ساخلوواستعداد آلات حربیه آبادنموده بقدرلزوم نوکر سرحد دارواسباب‌وآلات سرحدداری‌درآنجابگذارند. که‌عندالضروره معطلی به‌هیچ وجه نداشته باشند ودیوار محیط قلعهٔ بزرگ را آنچه باقی‌است تعمیروآنچه خراب‌شده از نو بسازند. برای سکنی‌ترکمانها که عجالتاً آلاچق آنها درقلعه باشد وبعد از اینکه تکمیل امنیت شد درداخل قلعهٔ بزرگ خانهٔ رعیتی ساخته شود و ترکمانها آلاچق را موقوف نموده درآن‌خانه‌ها توقف نمایند که دل‌بستگی آنها زیادشده مثل سایر رعایا درتحت‌مدنیت درآیند وانشاءالله این‌دوقلعه شهری در کمال متانت و استحکام و حاکم‌نشین شده و ملك زورآباد رفته رفته یکی از ولایات سرحدی خراسان گـردد. لهذا زین‌العـابدین میرزا به‌دستورالعمل و الا نقشهٔ ارکی که دارای ده‌برج و دو دروازه و یك باستیان مشرف به‌شهرو عمارت حاکم‌نشین وسربازخانه و قورخانه و آب انبار ومسجد و حمام و خیابانها و باغچه‌ها باشد. به‌اندازهٔ فضای همان قلعهٔ کوچك طرح و رسم نموده که یکی از دروازه‌ها به‌طرف خارج ودروازهٔ دیگر به‌طرف قلعهٔ بزرگ‌که شهر این ارك است‌مفتوح

گردد. و برج مربع باستیان مانندی درسردرب دروازه‌ای که به‌طرف قلعهٔ بزرگ است ساخته شود و یك برج زاویهٔ سمت‌قلعهٔ بزرگ محل یك عرراده توپ و یك‌برج زاویهٔ سمت بیابان هم محل‌یك‌عرراده‌توپ دیگر باشد واین ارك که درزمین بلندی هم واقع است‌مسلط برقلعهٔ بزرگ و بیابان بوده عندالضروره کوتوال آن استعمال قوهٔ حربیه‌خود را باتسلط تمام به‌آسانی تواند نمود، و این طرح پسندیدهٔ خاطر والا گردید ومقرر شد جناب مستشارالملك جمعی از اهل بصیرت واطلاع را حاضر نموده برآورد خرج این شهر را بنماید که اصلاحات و استحکامات بروج و بارهٔ قلعهٔ ارك مطابق نقشه بشود و عمارات وبیوتات‌داخلی آن هم تمام ساخته وآماده گردد. و فقط دیوار محیط قلعهٔ بزرگ هم ساخته استحکام داده شود. و جناب مشارالیه با حضور اهل‌خبره‌درکمال‌صرفه‌وغبطه‌آبادی ارك‌وحصارشهر را به‌انضمام‌مخارج افتتاح شش قنات درپنجهزارتومان برآورد نمود ومقرر رفت از شهر مشهد وتربت‌حیدریه چند معمار وبنا ونجار ومقنی بااسباب‌کارمعجلاً بیایند ومشغول‌کارگردند و یکهزار پانصدتومان هم برای مخارج از صندوقخانه داده شدودراین‌روزمقررشد میرزا محمدحسین‌هراتی‌حاکم جام وباخرز باامیرمعصوم‌خان ایشك‌آقاسی باشی‌وجمعی دیگر به‌اوبه ترکمانها رفته عدد وخانوار سالور ساکنین زورآباد را باعدد و نفوس آنها مشخص نموده‌بحضوروالابیاورند.وآنهاحسب‌الامر به‌انجام‌خدمت مزبور رفتند.

امروز طرف عصر قاضی و ملاها و رؤسای ترکمانان را بحضور خواسته اظهار مهربانی والتفات به‌آنها نمودند.

**سه‌شنبه بیست وششم**: اطراق‌زورآباداست. نواب‌مستطاب‌والاامروز به‌قصد ملاحظهٔ مقبره خواجه حسام‌الدین‌وقراولخانهٔ کرماب که‌درکنار رودخانه هری‌رود واقع است وسه‌فرسخ‌به‌زورآباد مسافت دارد ویکی ازنقاط سرحدی وقراولخانه است سوار شده، اول به دو قلعهٔ کوچك‌و بزرگ زورآبادومیان‌اوبه ترکمان‌ها رفته‌همه‌رابدقت ملاحظه‌نمودند، پس ازآن به‌طرف مقصد روانه شدند. بعضی نقاط کنار رودهری رودرا ملاحظه‌نموده‌بعد به‌فاتحه‌خوانی مقبرهٔ خواجه‌حسام‌الدین‌رفته‌ملاحظه وتفرج‌نمودند. درخواجه‌حسام‌الدین آثارآبادی زیاد دیده شدکه‌گویا شهر یاقصبه بزرگی بوده ومقبرهٔ مزبوره بطور چهار طاقی بزرگ از آجر ساخته شده روبخرابی است . و درنزدیکی آن مقبره‌ای شبیه‌به برج طغرل که‌درری‌است‌دیده‌شد که‌سقف‌آن‌خراب شده وبعضی‌خطوط کوفی درکتیبه آن ازگچ درآورده‌اند که اغلب ریخته شده وچیزی‌از آن‌خوانده نمی‌شود. احتمال میرود مقبرهٔ یکی از سلاطین یا امرای سلجوقی یامغول بوده است. ونزدیك‌آن علامت شبستانی هم‌هست که گویا مسجد بوده‌وقبرستانی درحوالی‌آن است که سنگ قبرهاچندان امتیازی ندارد ومدفون از معارف نیست. تاریخ آن سنگ‌ها هزارو سی‌وشش‌وهزار وپنجاه‌وچهار است.

بالجمله پس ازصرف‌نهار وراحت مراجعت نموده یکساعت به غروب مانده به اردو وارد گردیدند.

امروز درجنگل ونی‌زارهای عرض راه به‌قدری قرقاول وکبك بود که ملتزمین رکاب‌بدون تیروتفنگ بسیاری ازآنها رازنده‌گرفتند ونیزشکارکوهی بسیار بایك کره‌گور ، ترکمان‌ها واهل اردو به‌حضور

والا آوردند. و برای تمام صاحب منصب های ملتزمین رکاب قسمت فرستاده شد. وامروز نواب مستطاب والا میرزا محمدعلی خان سرهنگ مهندس را مأمور نمودند که نقشهٔ خط سرحدی را ازپل خواتون تاکافرقلعه که اول خاك هرات است برداشته درمنازل بعد به اردو ملحق شود.

امروز نیز جمعی از رؤسای ترکمانها اظهار مهربانی نموده آنها را به رعیتی دولت علیه مستظهر وامیدوارکردند.

**چهارشنبه بیست وهفتم:** امروزمیرزا محمد حسین هراتی حاکم جام وباخرزوایشك آقاسی باشی وسایر مأمورین عدد وخانوار وعدد نفوس ترکمانها راکه دراین دوروزمشغول تعیین آن بودند به حضوروالا آوردند. یکهزاروچهارصدوشصت هفت خانوارااند.وچهارهزاروهشصدو هفت نفر عدد نفوس آنها است و خاطر والا امروز مشغول تحریر نوشتجات دارالخلافه گردید که انجام داده فردا به صحابت غلام به مشهد فرستاده شود که به پسته یکشنبه برسد.

طرف عصر توپ وکالسکه که درپل خاتون ازاردو جدا شده بود و ازراه شورچه باعباسعلی خان سرتیپ روانه گردیده بود به اردو ملحق گردید.

**پنجشنبه بیست و هشتم:** اطراق زورآباد است . امروز نواب مستطاب والا ازمعارف ترکمانهای زورآباد بعضی نوشتجات صریح در امنیت و رعیتی آنها بدولت علیه ایران گرفته ضبط فرمودند و تمام رؤسای آنهارا به حضورخواسته اظهارمرحمت ومهربانی نموده منگلی مرادخان که یکی از بزرگ زاده های آنهاست به ریاست ترکمانهای ساکنین زورآباد منصوب نمودند و یکصد نفر سوار به سرکردگی

تکه‌خان‌که نیزیکی از انجاب است از ترکمانها برای قراولی وسایر خدمت سرحدی گرفته قرارجیره ومواجب آنها را دادند وسفارش و تأکیدات لازمه بههمهٔ ترکمانها نمودند واز قرار تفضیل ذیل انعام نقدی هزارتومان. خلعت جبه بیست ویك توپ. شال ترمه‌ایرانی پنج طاقه. ترمه‌کشمیری توپ. ترمهٔ ایرانی‌شش‌توپ. ماهوت چهارده توپ. منگلی مرادخان جبهٔ ترمهٔ کشمیری توپ. قاضی وایشانان جبهٔ ترمهٔ ایرانی‌توپ. تکه‌خان‌سرکردهٔ سواره‌جبهٔ ترمهٔایرانی حاشیه‌دار توپ. بیك‌نظرخان جبهٔ ترمهٔ ایرانی‌توپ. دوست محمدبای یلواج جبهٔترمهٔ ایرانی‌توپ. فرمان مراد شال‌ترمهٔ ایرانی طاقه. بای وردی خان شال ترمهٔایرانی‌طاقه. صفرعلی‌بیك شال‌ترمهٔ ایرانی‌طاقه. محمدحسن بای شال‌ترمهٔایرانی‌طاقه. قراول‌باشی شال ترمهٔ ایرانی طاقه. سایر ریش - سفیدان جبهٔماهوت‌چهارده‌توپ.انعام‌وخلعت ازجانب دولت‌علیه‌به‌آنها مبذول داشتند وقهرمان‌میرزا پسرمرحوم‌شجاع‌السلطنه حسنعلی‌میرزا راکه مردی‌کافی وآزموده وجنگ دیده ودر خراسان غالباً حکومت های سرحدی و ریاست سوار داشته است برای حکومت زورآباد انتخاب نمودند اورا ازتربت حیدریه احضارکردند وغلامی مخصوص برای‌آوردن او روانه شد. وچون قلعهٔ زورآباد هنوز استحکامی‌کامل ندارد برحسب لزوم وضرورت موافق‌تفصیل ازقشون فوج‌قرائی‌پنجاه نفر. سواره جمشیدی یکصد نفر. توپچی بیست‌نفر قورخانچی دونفر عملهٔ اصطبل ده نفر. توپ ۶ پوند پی‌خوان دو عراده. اسب توپخانه بیست‌عدد. قورخانه پنجاه بار.

ملتزمین رکاب و استعدادات لازمه که همراه اردو بود در

زروآبادگذارد عباسعلی‌خان سرتیپ فوج قرائـی‌را به‌سرداری ترمهٔ کشمیری مخلع نمودند به‌کوتوالی موقتی‌قلعهٔ زورآباد منصوب داشته ومقرر نمودندآن قدر در زورآباد متوقف باشدکـه قلعهٔ‌آن استحکام یافته قورخانه واستعدادات حربیه را درانبار قورخانهٔ قلعه‌که ساخته میشود جا داده توپهارا بربروج‌کشیده دویست نفر سرباز فیروزکوهی بایك‌نفر یاورآنهاکه بعداز ورود مشهد مقدس برای ساخلو زورآباد فرستاده میشود درمنازلی‌که برای‌آنها ساخته میشود منزل داده وهر وقت قهرمان میرزا حاکم زورآباد واردشود با او باکمال تمکین در خدمات سرحدی دولت علیه همراهی داشته باشد وپس از اینکـه از انتظام تمام‌کارها اطمینان حاصل نمود به‌اطلاع قهرمان‌میرزا مراتب را اظهارکند تادستورالعمل مراجعت او به‌اقتضای وقت داده شود ودر این روز حیدرقلی‌خان سرتیپ شمخالچی‌ها را باشمخالچیان وسواره مفصله درذیل ازملتزمین رکاب‌که وجود آنها بعدها دررکاب لازم‌نبود شمخالچی‌ها پنجاه نفر.سوارهٔ افشار پنجاه‌نفر. سوارهٔ بیزکی ۵۰ عدد. سوارهٔ رادکانی‌چهل‌نفر. سوارهٔ سیستانی‌بیست‌پنج‌نفر،مرخص‌خانه‌های خود نمودند.

**جمعه بیست و نهم**:موکب‌والادوساعت‌ازروزگذشته‌حرکت‌نمود. منزل‌شب درسرآب موش‌قال است. خطراه تادوفرسخ‌که به‌قلعهٔ خرابهٔ گوش لاغر میرسد همان راه‌است‌که روزیکشنبه بیست وچهارم‌ورودبه زورآباد نوشته‌شد وبطرف شمال مایل به‌مغرب واز گوش لاغر تامنزل با انحرافات جزئی که به‌طرف مشرق مایل به‌جنوب امتداد دارد. و مسافت چهارفرسخ است. اغلب این‌راه‌آب چشمه دارد کـه بقدر نهر

زراعت هست ودرچند نقطه ترکمانهای‌سالورساکنین زورآباد زراعت زیادی‌کرده‌اند. ازگوش‌لاغر تامنزل راه درمیان دوکوه‌که تمام جنگل نی وکز وعلف‌زار است امتداد دارد.

نهارگاه امروزدرمیان دره درکنارجنگل وچشمهٔ‌آب بود. قلعه و آبادی در راه نیست. در سمت راست درکنارتپه در دو نقطه آسیا خرابه درکنار راه هست، ودر سمت چپ‌همان قلعه خرابهٔ گوش‌لاغر است بالای تپه مرتفع‌که سکنه ندارد، وموکب والا پس‌از طی مسافت چهارساعت به‌غروب مانده به‌منزل وارشدند امروز بعداز ورود [به] منزل اهل‌اردو به‌میان نی‌زار ریخته‌برای دواب‌علف ونی بریده جمع می‌کردند. پلنگ ماده‌ای از نی‌زار بیرون جسته به‌کوه کوچك کنار نی‌زار بالارفت جمعی‌از اهل‌اردو سواره وپیاده بااسلحه وبی‌اسلحه از عقب وجلو اوبکوه صعودنمودند. پلنگ وحشت‌کرده سواری رازخمی کرده از اسب بزیرکشیده وفرارکرد. تیربسیاری بسمت‌آن ازاطراف خالی‌کردند. لهذا مستاصل شده از کوه ثانیاً به‌طرف نی‌زار گریخت چند سوارهٔ خراسانی وچندنفر از ترکمانهای زورآباد پیاده‌شده بـا شمشیرهای کشیده وچندنفر سرباز فوج‌کزاز باقمه وچوب به‌احتمال اینکه تیرهای کاری به‌پلنگ خورده است به‌نی‌زار داخل شده بـا شمشیر نی‌ها را حرکت میدادند که پلنگ تیرخورده را پیداکـرده شکارکنند.ازاتفاقات پلنگ دیگر نری سالم درمیان نی‌زار بود غفلة بیرون آمده حمله به‌آنها نمود وچند نفررا زخمی کرد. باشمشیر و چوب و سنگ پلنگ را کشته بحضور والا آوردنـد، و به‌انعام نایل گردیدند. نه‌نفر از سوارهٔ خراسانی و ترکمانها وسربـازان زخم دار

شدند. حسب‌الحکم والا میرزاسیداحمد طبیب وجراح نظام زخم‌های آنهارا بسته هیچ‌یك‌کاری نبود ونیز اهل‌ارود ویك‌کفتارهم شکارکرده به‌حضور والاآورده. انعام‌گرفتند ونواب مستطاب والا جمعی‌را مأمور نمودند تاشب درمیان نی‌زار واطراف تفحص‌کردند. شاید پلنگ مادهٔ تیرخورده را پیداکنند. اثری ازآن پیدا نشد.

شب محل ارود به‌قدری سرد بودکه اهل ارود محتاج به‌آتش شده‌بودند ودولحاف اشخاص‌را ازسرما حفظ نمی‌کرد.

امروز بهبودخان حاکم کلات بعداز گرفتن دستورالعمل‌های خود مرخص به‌معاودت کلات گردیده بیك توپ جبهٔ ترمهٔ کشمیری مخلع شد.

**شنبه سلخ‌رجب**: موکب‌والا یکساعت ازروزگذشته حرکت‌نمود. منزل‌شب درنزدیکی قلعه خرابه‌نیمسنگ است. خطراه مابین جنوب ومشرق امتداد دارد ومسافت هفت‌فرسخ است. دراغلب راه چشمه‌های آب به‌قدر یک‌سنگ ازمیان دره جاری‌است وکنارآن نی وگزاست. زراعت درراه دیده نمیشود جز درمنزل‌گاه. تمام این‌راه ازمیان دره وفیمابین دو کوه‌که بعضی جاها وسیع و بعضی جاها کم وسعت است ممتد است.

نهارگاه دروسط راه‌کنار نهرآب و جنگل نی بوده واین نقطهٔ آخرخاك زورآباد واول خاك جام است ودر بالای تپهٔ بلندی برج قراول خانه‌ای هست که حال بائر است. قلعه و آبادی در کنار راه نیست. لیکن درپشت‌کوه اطراف قلعه خرابهٔ متعدد هست‌که مدتها از حلیهٔ‌آبادی افتاده وبائرمانده است.

امروز درراه چندرأس آهودیده شد، لیکن هیچ‌یك شکار نشد. موکب والاچهارساعت به‌غروب مانده به‌منزل ورود نمود. یك پوست ببر ویك سرگرازکه چند روزقبل ترکمانها شکارکرده بودندبه حضوروالاآوردند نیمسنك ده‌آبادی بوده‌است.حال به‌کلی‌خراب است وترکمانان سالورساکن جام درآنجا زراعت زیادی‌کرده‌اند.

**یکشنبه غره شهرشعبان:** یکساعت ازدسته‌گذشته موکب‌والاحرکت نمود. منزل شب محمودآبادجام است.خط راه ازمیانه جنوب ومغرب امتداددارد ومسافت‌سه‌فرسخ‌است.آب درراه‌نیست.جزدردهات. زراعت متعلق به‌امقان. ومحمودآباد درراه زیاد دیده شد. فرسخ اول‌این راه ازمیان درهٔ وسیع‌که‌آب وچمن دارد ممتد است و از دربندی خارج میشود. دو فرسخ آخر جلگه جام است و اراضی‌آن بائر و مستعد آبادی است.

نهارگاه قریه امقان ملکی جبارقلی‌بیك ارگنجی است کـه نیم فرسخ از راه دوراست. سکنهٔ این قریه را کلیة ارگنجی می‌گویند به علت اینکه پنجاه ودوسال قبل الله قلی‌خان اوزبك در ضمن قلی‌ایناق برادر اوباجمعیت واستعداد دودفعه به‌جام‌آمده قریه‌امقان را بادوقلعهٔ دیگرکه درحوالی‌آن ودرپشت‌تپه ومسمی به‌روبنج وسمرقاده است‌به غلبه‌گرفته تاراج‌کردند وسکنه‌آنجا را تماماً ازصغیر وکبیر واناث و ذکورکوچ داده به‌ارگنج‌برده درآنجا سکونت دادند. بعدازچهل وپنج سال‌که هفت‌سال قبل باشد درغلبه‌دولت روس به‌آنجااینها رامأمورین دولت روس‌آزادکرده به‌ایران‌فرستادند وآنها‌آمده دهات خودراآباد کرده سکنی نموده‌اند. وبین اهالی اطراف مسمی به‌ارگنجی شده‌اند.

دهات عرض راه منحصر به‌قلعه امقان وقلعه نو و در سمت چپ نزدیك به‌راه است.

دراین روزسواره جامی هفتصدنفر ند.ساخته وپرداخته به‌استقبال موکب‌والا آمده ازحضوروالاگذشتند وچون این سواره کمال آراستگی را داشتند پسندیدهٔ خاطروالاگردیدند وبه‌سرکردگان وآحاد و افراد سواره اظهارمهربانی نمودند.

پنج ساعت به‌غروب مانده ازجام رود عبورکرده درچمن مقابل محمودآباد محل اردو نزول نمودند.

محمودآباد ازدهات معتبرآباد جام است. وملتزمین رکاب که قریب یکماه بود میوه وسبزی به‌چشم ندیده بودند در ایـن قریه از میوه‌جات وسبزی‌آلات محظوظ‌گردیدند.

جام رود ازکوههای بالاتراز محمودآباد جریان می‌یـابد واز جلگه جام می‌گذرد. درآخرجلگه جام به‌هری رود میریزد.

**دوشنبه دویم شعبان**: موکب والایك ساعت‌از روزگذشته حرکت نمود منزل شب تربت شیخ‌جام است. خط راه به‌طرف مشرق مایل به جنوب امتداد دارد ومسافت چهارفرسخ است.

رودخانهٔ جام رود به‌فاصلهٔ کـم در سمت چپ راه است. در راه زراعت متعلق به‌دهات، بسیارازدوردیده میشود وراه از پست و بلندی که علف‌کم وخاربسیار دارد ممتد است. و راه دیگراز کنار رودخانهٔ جام رود داردکه بین دوراه فاصله‌کمی است واین راه به‌واسطهٔ سهولت عبورکالسکه وتوپ اختیارافتاد. نهارگاه امروزمنزل بود.

**دهات‌سمت راست**: اول‌قلعه‌نو ملکی سهام‌الملك.دویم بزك‌ملکی

کدخدا جبار جامی. دهات سمت چپ اول قلعه‌نو ملکی میرزا جعفر. دویم امقان ملکی رعایای ارگنجی کـه روز قبل نهارگاه بود. سیم. یاقوتین موقوفهٔ آستانهٔ مبارکه. چهارم. قادرآباد ملکی گلزارخان هراتی پنجم. سلطان‌آباد احداثی نواب مستطاب والا حسام‌السلطنه کـه حالا معروف به‌حسن‌آباد وملکی آقاخورد است. قلعجات دیگر زیاد است ولی هیچ‌یك آباد نیست وتمام از تطاول ترکمانان بائر گردیده است.

معروف است که جام دارای سیصد وپنجاه قریه بوده است وحالا قریب بیست قریه از آن آباد است وباقی تماماً خراب و قنوات آن از آبادی‌افتاده است. درنیم‌فرسخی تربت سوارهٔ تربتی به‌استقبال موکب والا آمدند واز لحاظ والا گذشتند ونواب مستطاب والاقبل ازظهر بـه اردو واردگردیده و بدواً به‌قصد فاتحه‌خوانی وطلب همت به‌مقبرهٔ شیخ احمد جامی طاب‌ثراه رفته تا عصر درآنجا توقف وهنگام عصر به‌اردو مراجعت نمودند. قلعهٔ تربت درکمال استحکام وآبادی است. درداخـل چند باب دکاکین هم دارد ودراطراف خارج قلعه باغات میوه وانگور بسیاراست وابریشم هم درآنجا عمل می‌آید. کاروانسرای آجـری از آثارقدیم درخارج قلعه هست که باقی آن معلوم نیست ونزدیك به‌انهدام است. واین شهر دارالحکومهٔ جام است وعمارت حکومتی هم درداخل قلعه دارد.

**سه‌شنبه‌سیم شعبان:** اطراق تربت است . نواب مستطاب والا مقرر داشتند سهام‌الملك امروزسوارهٔ جامی رادرخارج قلعه‌سان دیده‌اسبهای آنها راداغ کند و مشارالیه از صبح تا عصر مشغول این کار بود. ونیز بندهٔ نگارنده حسب‌الحکم به‌ملاحظه ودقت خطوط کاشی وغیره که در

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

مزار شیخ جام است به‌مقبره مزبور رفت، تا آنچه فایده به‌حال تاریخ داشته باشد معلوم‌نماید. عمارات متعلق به‌مزار مزبور که به‌مرور اهل خیروصلاح بناکرده‌اند عبارت است ازیك ایوان بزرگ وگنبدی‌عالی و صحنی وسیع وباغی مشجر. مزار شیخ جام طاب‌ثراه در فضای صحن جلو ایوان واقع است. درخت پسته‌ای درروی قبر شیخ‌مرحوم‌روئیده شده است ومحجری‌ازسنگ سیاه دور قبر ترتیب داده‌اند. چند نفراز اولاد شیخ مرحوم در اطراف قبر شیخ مدفون گردیده‌اند. دو مسجد کوچك درسمت راست وچپ ایوان‌است‌که درب آن دومسجد ازمیان ایوان است. مسجد سمت راست مسمی به مسجد سفید ومسجد سمت چپ معروف به‌مسجدکرمانی است‌که معمارآن‌کرمانی بوده‌است. وبه این اسم معروف شده.

خانقاهی درسمت‌شمال‌گنبد مسطور هست مشهور به سراچه و مسجدی درسمت مغرب‌گنبداست معروف به‌مسجدجامع‌جدیده‌بناهای مسطور تا این وقت که سال هجرت یکهزار ودویست ونودونه رسیده دایر است. واتصال تمام به‌گنبد وایوان دارد. و سردرب صحن هم‌خالی از امتیاز نیست ودرخارج بناهای مسطوره در سمت شمال و جنوب و مشرق چندبنای عالی وصل به‌بناهای مسطور قدیماً ساخته بودند که حال اغلب ازآنها خراب وازحلیه‌آبادی افتاده است.

**اول:** مدرسه وگنبدسبز است‌درجانب شمال.

**دویم:** مدرسه متصل به‌سراچه است که‌آن نیز درسمت شمال ومتصل به‌مدرسه وگنبد سبز است.

**سیم:** مسجدجامع قدیم درسمت جنوب است.

**چهارم :** مدرسهٔ دیگرمتصل به‌جامع قدیم وایضاًدرسمت جنوب است.

**پنجم وششم:** دوخانقاه درسمت مشرق است.

کتابی درتربت بدست آمد که در سلطنت شاهرخ شاه تیموری نوشته شده بوداگرچه مؤلف آن‌معلوم نبود لیکن قدمت‌آن می‌تواند اسباب صحت آن باشد. مطابق مسطورات کتاب مزبور بانی ایوان و گنبد قیماس سنجری بوده است که بعد از نود وهفت‌سال ازوفات‌شیخ جام عمارت نموده بانی مسجد سفید ومسجد کرمانی وزینت ایوان و گنبد ملك غیاث‌الدین‌محمدابن محمدابن محمدابی‌بکرکرت‌بوده‌است که‌درسنه ثلاثین‌وسبعمائه عمارت نموده وبانی سراچه شیخ‌شهاب‌الدین اسمعیل، وبانی مسجدجامع جدیدامیرجلاالدین فیروزشاه، وبانی‌درب مزار خواجه ابن‌خواجه‌شهاب‌الدین اسماعیل، بانی‌مدرسه وگنبد سبز نیز امیرجلاالدین فیروزشاه. بانی مدرسهٔ جنب سراچه خواجه محمد فریومذی وزیر.وبانی‌مسجدجامع‌قدیم‌خواجه‌رضی‌الدین محمدمتولی. وبانی مدرسهٔ متصل به‌جامع قدیم‌امیرشاه ملك. وبانی دو خانقاه سمت مشرق امیر تیمورگورگان است وتمام بناهای‌مسطور درسلطنت‌شاهرخ شاه‌تیموری درکمال رونق‌وآبادی بود وددرزمان سلطنت شاه‌عباس‌ماضی صفوی انارالله برهانه ایوان گنبد به‌کاشی‌معرق ممتاز زینت یافته‌است که هنوز اغلب آن باقی است. ویکی از امرای شاه‌عباس، آب انباری درمیان باغ وجلو سردرب ساخته‌است که‌آب‌گوارائی‌دارد وبین‌اهالی آنجا معروف است که هروقت ایالت خراسان یا حکومت جام تغییر می‌کند چند روز قبل، آن‌آب گل‌آلود میشودوآن را ازکرامت‌شیخ

جام می‌دانند. درکتیبه اعلی ایوان جلوگنبد این‌کلمات باکاشی معرق به‌خط ثلث ترتیب یافته است «اتفق تجدیدهذه‌العمارة الرفیعه‌دراوان دولت خاقان الاعظم نتجبه اولا خیرالامم نقاوه احفاد نبی‌المکرم ابو-المظفرشاه‌عباس الحینی الموسوی خلدملکه» ورباعی ماده تاریخ‌وفات شیخ‌جام که معروف است درمحجر مزار شیخ حجاری شده است . که احمدجامی قدس‌سره تاریخ است۵۳۶. دریکی از نماهای صحن این کلمات باکاشی‌معرق‌به‌خط نسخ مرتب گردیده. «هذه‌العماره عمل‌العبد الضعیف استادحاجی زین‌جامع شیرازی غفرالله‌له‌فی‌سنهٔ اربع واربعین وثمان‌مائه درطرف‌محراب مسجدکرمانی این‌کلمات را به‌خط نسخ ازگچ بریده‌اند.«عمل عبدالضعیف‌النحیف الراجی‌الی‌رحمةرب‌العزیز. خواجوزکی ابن محمد ابن‌مسعودکرمانی وتم هذه المحراب به‌عنون الملك الوهاب فی‌اوائل شهر... ثمان‌مائه[1]

دردرب ایوان که درکمال امتیاز منبت کرده‌اند این کلمات به خط نسخ‌کنده‌شده.تمت فی‌شهردهم‌رجب سنهٔ ثلاث‌وثلاثین و سبعمائه. بالای همان درب کنده شده هذاالباب عمل استاد فرخ تبریزی.

درکتیبهٔ جلو آب‌انبار این اشعار به‌خط نستعلیق حجاری شده است.

| | |
|---|---|
| درزمان شه جهان عباس | فحراولاد سید کونین |
| یکی از بندگان درگاهش | خان‌فیروزجنگ ابن‌حسین |
| ساخت‌حوضی برای‌تشنه‌لبان | که ازان‌جام‌یافت‌زینت‌وزین |
| پی تاریخ این خجسته بنا | که بود آب زندگی را عین |

۱ــ چندکلمه افتادگی دارد.

زدصلا خضر خامه کی تشنه دم آبی بخور بیاد حسین
کتبهٔ‌العبدالمذنب علیرضاعباسی‌غفرذنوبه.

بعضی از سلاطین وبزرگان که به‌این مکان شریف نزول کردند مختصری بیادگاردردیوارگنبد ومحجر مزار نوشته‌اند. ازجمله‌محمد همایون پادشاه هندوستان که‌درسلطنت‌شاه‌طهماسب‌صفوی به‌ایران‌سفر کرده بود این کلمات رابامرکب به‌محجر دور مزار نوشته است‌وعجب است با اینکه سیصدوچهل‌وهشت سال‌است برف و باران باریده هنوز خوانده میشودوآن کلمات این است .

ای همت تو ندا پذیر همه کس ظاهر به‌جناب توضمیر همه‌کس
درگاه در تو قبله‌گاه همه خلق لطفت‌به‌کرشمه‌دست‌گیر همه‌کس

سرگشتهٔ بادیهٔ بی‌سرانجامی محمدهمایون. شنبه۱۴شهر شوال ۹۵۱.وعلی‌قلی‌خان حاکم هرات که گویا مهمان‌دار آن پادشاه بوده کلماتی چند درهمان محجر نوشته که خوانده‌نمی‌شود. اسم خود را علی‌قلی‌خان سپهسالار ایران نوشته وشاهنشاه مغفور مبرور محمد شاه غازی درسفر اول که‌درولایت خراسان‌به‌تسخیر هرات تشریف‌می‌بردند این‌کلمات را درمیان گنبد به‌خط مبارك برروی گچ نوشته‌اند:

زاحمد تا احد یك میم فرق است
دوعالم‌اندر این یك میم‌غرق است

حررّه۴۸ـ۴۴سنهٔ۱۲۴۹. لیکن بی‌شعوری به‌خیال خود خدمت پنداشته شعررا که آن شاهنشاه به‌خط مبارك‌نوشته‌اند حك‌کرده‌قدری جلی‌تر به‌خط‌خود نوشته. ازدست‌خط‌مبارك‌آن شاهنشاه جزلفظ‌حررّه واسم مبارك که به‌اعداد نوشته‌اند چیزدیگر برجا نمانده است.

**چهارشنبه چهارم :** موکب والا دو ساعت از روز گذشته حرکت نمود. منزل‌شب نزدیکی‌قلعه خرابه نیل‌آباد چشمه مودودبیك است. خطراه بدواً مابین جنوب و مشرق. پس‌ازآن به‌طرف مشرق امتداد دارد ومسافت چهار فرسخ است. رودخانه وآب مطلقاً درراه نیست و زراعت در راه دیده نمی‌شود. تمام راه در اراضی بائر مستعد آبادی ممتد است. نهارگاه منزل‌بود. دهات‌خرابه درراه هست.لیکن هیچ‌یك سکنه ندارد. تپه‌ای در کنار راه هست موسوم به‌تپه شاهی می‌گویند نادرشاه آن‌را احداث‌کرده است. امروزغالب مسافت ازشاهراه هرات طی شد. و در نزدیکی منزل از شاه راه هرات راه مایل به‌سمت چپ گردیده،راه‌هرات‌ازسمت راست امتداد می‌یابد. درنزدیکی‌منزل، قلعه خرابه پوزکان است‌که نواب‌مستطاب والا حسام‌السلطنه برجی‌درآنجا ساخته‌اند. و محل قراول است. مقبره شیخ اباذر پوزکانی که یکی از اوتاد بوده درخارج قلعهٔ مزبور است واهالی دهات اطراف‌را اعتقادی تمام به‌آن مقبره است و هرسال به‌آنجاآمده قربانی می‌کنند ودر حوالی‌آن جنگل‌کوچکی است. می‌گویندآن نقطه در زمان ناامنی محل‌راحت ترکمانان هنگام تاخت وتاز بوده است. وقت ظهر موکب والا به‌منزل ورودنمود واوقات والا دراین‌منزل صرف‌تحریرنوشتجات طهران گردیده به‌توسط غلام به‌مشهد فرستاده شد که به‌چاپارپست یکشنبه برسد. چشمهٔ مودودبیك نی‌زاری است درکنار تپه، آب‌کمی هم دارد.

**پنجشنبه پنجم:** موکب والا اول طلوع آفتاب حرکت نمود. منزل شب محسن‌آباد است. خطراه به‌طرف جنوب امتداد دارد. ومسافت

شش‌فرسخ است. رودخانه و آب درراه نیست. زراعت در هیچ‌جا دیده نمیشود جز نزدیکی منزل‌که زراعت متعلقه به‌محسن آباد دیده شد. شاهراه هرات امروز به‌فاصله کم در سمت راست است وتمام راه در اراضی‌بائر مستعد زراعت وآبادی‌ممتد است. نهارگاه منزل‌بود. قلعه وآبادی راه منحصر به‌قلعهٔ عباس‌آباد و کاروانسرائـی است در سمت راست دوفرسخ به‌محسن آباد مانده درکنار شاهراه هرات‌که شاه‌عباس ماضی‌انارالله برهانه احداث‌کرده است . در راه آهوی زیاد شکارشد و بحضوروالا آورده انعام‌گرفتند. یوسف‌خان میرپنجه سوارهٔ هزاره‌که درمحسن‌آباد مقیم‌است یکفرسخ به‌منزل مانده به‌استقبال موکب والا آمد وموکب والا پس‌از طی مسافت وقت‌ظهر به‌منزل ورود نمود ودر این‌منزل‌حکمی به‌لطفعلی‌خان حاکم پائین‌خواف ومیردرویش‌علی‌خان حاکم بالاخواف صادر گردیدکه برای بعضی دستورالعمل‌ها به‌اردوی والابیایند. محسن‌آبادملکی‌یوسف‌خان‌میرپنجهٔ‌هزاره‌ای وقلعه‌ای‌است محکم سه‌حصار ویك‌خندق‌بر آن محیط ودرکمال آبادی است واین قلعه‌آخر خاك جام است.

**جمعه ششم:** موکب والا دو ساعت از روز گذشته حـرکت نمود. منزل شب تایباد است. خط‌راه یك‌فرسخ ونیم فیمابین جنوب ومشرق وپس‌ازآن تامنزل به‌طرف جنوب مایل به‌مغرب امتداد دارد. ومسافت سه‌فرسخ است. آب راه منحصر به‌نهرهای قلعهٔ کاریز وتایباد است‌که دربین‌راه دیده‌میشود وزراعت‌متعلق به‌قریتین مزبورتین‌نیز دیده‌شد. باقی اراضی‌بائر ومستعد زراعت‌است. شاهراه هرات‌امروز بااین راه تقاطع کرده به‌طرف چپ می‌افتد. نهارگاه مقابل قریه کاریز درکنارنهر بود.

آبادی‌های سمت راست: **اول** رباط و آب انباری است که در نزدیکی قلعهٔ کاریز از آجر ساخته بودند می‌گویند بانی آن عباسقلی خان شاملو است بنای آن چندان امتیازی ندارد و رو بخرابی و متصل به‌راه است.

**دویم**: قلعهٔ کاریز ملکی رعایاکه اول خاك باخرز است قریه آباد و معتبری است ومتصل به‌راه، ودرسمت چپ آبادی مطلقاً نیست. از این‌قلعه کاریز تاکافر قلعه‌که سرحد خراسان است پنج‌فرسخ وتا شهر هرات هیجده فرسخ است واین‌قلعه اردوگاه مرحوم حسنعلی‌میرزای شجاع‌السلطنه طاب‌ثراه وذوالفقارخان سردارِدامغانی است‌که درزمان سلطنت خاقان مغفور انارالله برهانه به‌جنگ وزیر فتح‌خان افغان آمده بودند. درآن جنگ اردوی وزیر فتح‌خان در کافر قلعه بود و مابین‌کاریز وکافرقلعه جنگ‌گاه بوده‌است ووزیرفتح‌خان دراین‌میدان شکست خورده و در این جنگ بودکه خاقان مغفور شب در خواب دیدندکه ذوالفقارخان سردار را زنده پوست‌کنده‌اند واسباب کدورت و تشویش خاطر آن شاهنشاه گردید. یکی از معتبران به‌عرض رسانید این‌خوابی است بس مبارك زیراکه خاصیت ذوالفقارحضرت امیرالمؤمنین علی(ع) این‌بودکه هروقت ازغلاف بیرون می‌آمد فتح اورا بود. وذوالفقار خان‌هم‌نام آن است‌چون درعالم رؤیا از پوست‌که غلاف اواست برآمده به‌نظر مبارك جلوه کرده است لابداً فتح او را خواهد بود. این‌تعبیر کدورت و تشویش خاطر آن شاهنشاه را زایل کرد وبفرمود تا تاریخ خواب بنوشتند و ضبط کردند چیزی برآن نگذشت‌که چاپاران خبرفتح رسانیدند. چون درتاریخ فتح‌دقت‌کردند

اتفاقاً فردای همان‌شب‌که خاقان مغفور خواب مسطور را دیده بودند
این‌فتح اتفاق افتاده بود.

بالجمله موکب‌والا پنج‌ساعت به‌غروب مانده‌به‌منزل ورودنمود.
تایباد قلعهٔ معتبر آبادی‌است. ابریشم‌هم آنجا عمل‌می‌آید. وخالی‌از
امتیاز نیست و در خارج‌آبادی‌آن مزار شیخ زین‌الدین علی‌الخوافی
است‌که از عرفای عالم وصاحب مقامات بوده است. واین مزار عبارت
است ازایوانی عالی وگنبدی رفیع و صحنی وسیع وباغچه‌ای با صفا و
آب‌انباری محکم بنا وقبرشیخ مرحوم درصحن وجلو ایوان است. و
درخت پسته‌ای برروی قبر روئیده است واین عمارت درزمان سلطنت
شاهرخ‌شاه تیموری بناشده است ومحجری ازسنگ سیاه ترتیب داده
ودورمقبرهٔ شیخ‌کشیده‌اندویکی‌از وزراء درجوارشیخ مرحوم ویکی‌از
عرفادرصحن مدفونند. درجلو ایوان‌کتیبه‌ای‌به‌خط ثلث جلی ازآجر
تراشیدهٔ برجسته ترتیب داده‌اندکه‌زمینه‌آن‌کاشی فیروزهٔ ممتاز است.
بعداز بسم‌الله سورهٔ کهف تافضربناعلی آذانهم فی الکهف سنین عددا
ترتیب‌یافته‌پس‌از آن‌این‌کلمات‌رامرتب‌کرده‌اند صدق‌الله‌العلی‌العظیم و
صدق رسوله‌الکریم‌کتبه العبدالاحقر جلاالدین ابن‌محمد ابن‌جعفر و
درکتیبهٔ میان‌ایوان به‌خط ثلث باکاشی معرق این کلمات ترتیب یافته
است. الحمدلله علی‌ما اوصل البناء به‌محبة الاولیاء والصلوة علی‌حبیبه
احمدالمحمود واله‌آلاتقیاء وبعد فان المنجی بعدالکشف الیقین من
وسایل‌النجوة یوم‌الدین حب‌العلماء الراسخین وسنادید المتقین منهم
العالم‌الربانی والوارع الصمدانی زین الحق والشریعة والتقوی‌والدّین
اعلی‌الله درجاته فی اعلاعلین‌فتاسیس‌هذه‌البقعة الشریفه فی ایام دولته

الخلیفه اعظم‌الخواقین ملکاً و قدراً و اشرف السلاطین عـدلا و فضلا معین‌الحق والایمان شاهرخ بهادرخان خلدالله سلطانه به‌سعی واهتمام البعد الملك الخلاق‌الوافی پیراحمد ابن‌اسحق ابن مجدالدین محمد۔ الخوافی.

در دوسمت ایوان میان ایوان این‌کلمات را در دوشکل مربع محاذی‌یکدیگر به‌خط‌ثلث باکاشی‌معرق ترتیب داده‌اند.

شکل مربع سمت راست: اما بعد فقد تیسره بناء هـذه‌العمارة المبارکه الشریفه فی‌ایام دولت زینها الله تعالی به‌سلطنة السلطان الا عظم والخاقان المعظم سلطان سلاطین العرب والعجم شاهـرخ بهادر سلطان خلدالله تعالی‌اثاث قصرسلطنة وخلافة واعلی‌امره وشأنه.

شکل‌مربع سمت‌چپ: ماتثنی الفرقدان وشیدارکان بنیان‌عظمة وابهة ماتعاقب الملوان به‌سعی‌العبد الضعیف النحیف اجـوع خلق‌الله تبارك وتعالی الی‌رحمة ربه‌المجید الوافی پیراحمدابن اسحق‌بن مجد۔ الدین محمد الخوافـی احسن‌الله الاؤه وحبب احواله فی‌سنهٔ ثمان و اربعین و ثمانمائـه ۸۴۸. در درب گنبد این کلمـات را به‌خط ثلث بر آورده‌اند.

**درب سمت راست :** زین هذالباب به‌تربة شیخ‌الاسلام و سلطان المشایخ‌الامین وامرقطب الاقطاب الملهمة بالحق.باقی عبارت درپائین درب بوده وشکسته است معلوم نیست چه‌بوده.

**درب سمت چپ:** مفتاح‌الجنه لااله الاالله محمد رسول‌الله و باقی درپائین‌درب بوده وشکسته است دردونمای صحن سمت ایوان باکاشی معرق این‌کلمات ترتیب داده شده. طرف راست اللهم صل علی محمد

سیدالاولین. طرف چپ اللهم صل علی محمد سیدالاخرین. در سنگ سیاهی این اشعار را به خط نستعلیق حجاری کرده وسنگ مزبوررا دربالای سر شیخ نصب کرده‌اند.

در زمان خسرو گیتی ستان — شاه عباس آن شه عالی مقام
نقد اولاد امیرالمؤمنین — شاه گردون حشمة کیوان غلام
عبداکبر خواجه درویش آنکه بود — در فن جود وسخا مرد تمام
بهر قبر شیخ زین الدین علی — این محجر ساخت ازسنگ رخام
در هزار و سی به توفیق الله — تا بماند نام نیکش بردوام

در سنگ مرمر سفیدی که در پائین پای شیخ نصب کرده‌اند و متعلق به قبر یکی از وزراء است که درجوار شیخ مدفون است کلماتی چند حجاری کرده‌اند قدری از بالای سنگ شکسته است. آنچه باقی است این است:

«قطوبی لمن اجاب دعوة الحق اتیا بقلب سلیم و استبشر رحمة من الله وتعرفة منه وهو الغفور الرحیم اعنی الصاحب الاعظم المغفور صدر مجامع سناد یدالوزراء والصدر قدوة ارباب القلم به رای الرزین و عمدة الشراف العجم بافضل المبین» الواصل الاجوار رحمة الله الودود خواجه زین الملته والدین محمود ابن الصاحب المفاضل المعظم خلاصة الاعالی بعوالی الهمم خواجه صدر الحق والدین محمد الخوافی زین الله احوالهما و حفق آمالهما. و در سنگ مرمری که درقبر یکی از عرفاء در صحن مدفون است این کلمات حجاری شده‌است.

« هوالباقی وفات المرحوم المغفور المبرور الواصل الی جوار الملك الصمد الهادی مولانا قطب الملة والدین محمد ابن جناب مغفرت

بناءِ خواجه نورالدین تایبادی فی‌شهر ربیع‌الاول سنهٔ خمس و ثمانین وتسعمأئه وجعل‌الجنة مثواه القبر صندوق‌العمل».

شنبه هفتم: موکب والا دو ساعت از روز گذشته حرکت نمود. نواب‌مستطاب‌والا بدواً برای فاتحه‌خوانی به‌مزار شیخ زین‌الدین‌علی طاب‌ثراه رفته تفرج‌نموده وفاتحه خوانده ازآنجا رو به‌راه نهاد.

منزل‌شب پائین‌قریهٔ مشهدی ریزه، وقریهٔ مشهدی ریزه است.

خط‌راه تایك‌فرسخ سمت‌مغرب مایل‌به‌جنوب وپس‌ازآن‌تامنزل از مابین مغرب وشمال امتداد دارد. و مسافت چهار فرسخ است. آب جاری درراه نیست وزراعت دیده نمی‌شود جز درنزدیکی منزل. تمام راه جلگه واراضی‌آن بائراست وعلف وخار زیاد دارد.

نهارگاه امروز منزل بود.

**آبادی سمت راست:** منحصر به‌دوآب انبار است که به‌فاصلهٔ یك‌فرسخ از یکدیگر قدیماً در راه ساخته‌اند آب‌انبار اول خراب و بی‌آب، ودویمی آب دارد.

**آبادی سمت‌چپ: اول:** فرمان ده‌آباد ملکی رعایا در نزدیکی تایباد از راه دور است. «دویم وسیم» مشهدی ریزه و ریزه است که املاك آن وصل به‌یکدیگر وآبادی هردو به‌هم نزدیك است وموکب والا وقت ظهر به‌منزل وارد گردید و در اول ورود جمعی از یساولان مأمور گردیدندکه ازسواره وپیادهٔ اردوکسی خرابی به‌زراعت وباغات مردم نرساند.

نواب مستطاب‌والا وقت عصرقاضی افغانستان‌راکه به‌اتفاق‌سردار محمد ایوب خان ازافغانستان به‌خراسان‌آمده ودرمشهدی ریزه‌توقف

کرده است احضار نموده به‌ملایمت ومهربانی حرکت اورا محترماً از مشهدی ریزه به‌مشهدمقدس یایکی ازشهرها وقصبات یا دهات دیگر خراسان که از سرحد هرات دورباشد به‌دلایل‌چند خواستند. وقاضی مزبورکه پیرمرد عاقل عالم هوشمندی است اظهار اکراه دراین مسئله می‌نمود وعذرها می‌آورد ونواب مستطاب والا معاذیر اورا ردکردند. بالاخره قرار شد نقطه‌ای راکه از سرحد هرات دور باشد به‌میل‌خود ازخراسان معین‌کند ودرآنجا سکونت اختیار نماید . مشهدی ریزه و ریزه دوده‌آباد معتبرخوب نزدیك به‌یك‌دیگراست. زراعت ومیوجات زیاد دارد وابریشم‌هم دراین دو ده خوب به‌عمل می‌آید و ملکی رعایا است.

**یکشنبه هشتم:** دوساعت ازروز گذشته موکب والا حرکت نمود. منزل شب چمن اسکندرآباد است. خط‌راه تا دوفرسخ به‌طرف شمال مایل به‌مغرب. پس‌ازآن‌تامنزل میان‌شمال ومغرب‌امتداد داردومسافت شش فرسخ‌است. آب جاری متعلق به‌دهات ومزارع دردوسه جا هست زراعت نیز متعلق به‌قریهٔ پیرنخود وشهرنو دیده می‌شود. باقی اراضی بائر است.

نهارگاه امروزدرمزرعهٔ پیرنخود که درنصفه راه واقع است‌بود. دهات سمت راست: اول‌شهرنو ملکی رعـایا. «دویم» شهرکهنه ملکی شاملوها «سیم» قلعهٔ نوبهار ملکی هزاره‌ها «چهارم» اسکندرآبادآباد که حالا خراب وخالی ازسکنه‌است.

**دهات‌سمت‌چپ** منحصر به‌مزرعهٔ پیرنخود است.که خالی ازسکنه وخراب بوده. این اوقات یوسف‌خان میرپنج هزاره‌آن را خریده آباد

نموده است وهزاره‌ها آن را زراعت می‌کنند. امروز قهرمان میرزا پسر مرحوم حسنعلی میرزای شجاع‌السلطنه که برای حکومت زورآباد احضار شده بود به‌موکب والا رسید وموکب والا چهار ساعت به‌غروب مانده به‌منزل ورود نمود. ولدی‌الورود به‌عرض رسانیدند که قرقچی چمن امروزصبح که بیدار شده است دواسب میان چمن دیده، رفته‌است که معلوم کند اینها مال کیست واز چمن بیرون کند همینکه نزدیك آنها رسیده است دوشخص کشته درنزدیکی اسبها باخورجین‌واسباب وتفنگ وکارد شکسته افتاده دیده است که میان نی‌زار پنهان کرده‌اند. نواب مستطاب والا به‌اندازهٔ‌ازاین‌خبر متالم گردیده مقرر رفت کشته‌ها را دردرب سراپرده آورده دقت نمودند شناخته شد که دو نفر سواره هزاره جمعی اسمعیل‌خان‌سرهنگ پسریوسف‌خان میرپنج هزاره‌است که‌چهار ماه قبل اسمعیل‌خان آنها را به‌دره جز فرستاده بودکه قریب یکهزار تومان ازمواجب سوارهٔ هزاره که حواله آنجا شده بودوصول کرده بیاورند. چنین معلوم شد که ازآن تنخواه حواله چیزی برای سوار می‌آوردند آنهارا برای بردن تنخواه کشته‌اند.

نواب مستطاب والاحکم فرمودند درچادر جناب مستشارالملك مجلسی ازرؤسای اردووسرکردگان تشکیل داده دقت و تجسس نموده قاتل را معلوم نمایندکه بوده لهذا درآن چادرمجلسی ترتیب یافت‌و جمعی از اهل قراء حول‌وحوش را حاضر کرده استنطاق شد وجمعی را تهدید نمودند وهرقدر تا آخر شب سعی‌کردند چیزی معلوم نشد. لهذا درآن شب چندنفر از رؤسای دهات نزدیك را محفوظ داشتندتا امر معلوم شود وقاقل بدست آید.

چمن اسکندرآباد یکی ازهفت چمن است که وصل بیکدیگر و سه فرسخ طول دارد وعلف زیاد و نی بسیار وچشمه ها درآن هست بعضی جاهاهم باتلاق است.

**دوشنبه نهم:** امروز نواب مستطاب والا محض تحقیق امر مقتولین وتعیین قاتل درچمن اسکندرآباد اطراق نمود واول طلیعه سهام الملك ومیرزا محمدحسین هراتی حاکم جام وباخرز وجمعی ازصاحب منصب ها وسواره های بلد واهل بصیرت واشخاص رد زن رامأمور نمودندکه به مکان کشته ها رفته شاید توانند رد پای سوار وپیاده ای پیدا کنند ازآن به مقصود پی برند وآنها به نی زار رفته وازآنجا به قلعهٔ شهر نو وکوههای اطراف گردش کرده لازمهٔ دقت به عمل آورند. چون چمن و نی زار بود ردی که محل اطمینان باشدنتوانستندیافت. لیکن جمعی سواره وپیاده به سرراه های شهرهاودهات نزدیك ودور وایلات اطراف برای تفتیش وتحقیق آشکار وپنهان فرستاده شد وتأکید زیاد به حکام اطراف برای بدست آوردن ومعلوم نمودن قاتل رفت. وخاطر والا امروز در کمال زحمت وآزرده بود وزحمت های امروز نیز تاشام ثمری نبخشید وچیزی معلوم نشد. میرلطفعلی خان حاکم پائین خواف ومیردرویشعلی خان حاکم بالاخواف که از منزل محسن آباد احضار اردو شده بودند امروز وارد گردیده بحضور والارسیدند.

**سه شنبه دهم:** امروز قبل ار حرکت یك سرداری ترمهٔ کشمیری خلعت حکومت زورآباد به قهرمان میرزا داده شد ودستورالعمل های لازمه درباب انتظام ولایت واتمام قلعه وعمارات زورآباد به او داده و وروانهٔ محل مأموریت نمودندوموکب والادوساعت ازرزگذشته حرکت

نمـود. منزشب همت‌آبـاد است خط راه فیمابین شمال ومغرب ممتد است ومسافت سه‌فرسخ‌است. رودخانهٔ کوچکی که ازچشمه‌های‌کوچك میان چمن تشکیل یافته همه‌جا درسمت راست راه به‌فاصلهٔ‌کم‌جاری است ودرنصفهٔ راه میان چمن‌چشمه‌ای است معروف به‌چشمه‌نگار که نیم‌سنگ آب ازیك نقطهٔ‌زمین فوران‌دارد. تمام مسافت امروزازمیان چمن زراعت دهات اطراف راه‌طی‌گردید. نهارگاه منزل بود.

**دهـات سمت راست: اول** قلعه رباط ملکـی رعایـای بختیاری «دویم» قلعهٔ دشتو ملکی رعایا «سیم» قلعه‌کفج ملکی رعایا «چهارم» مزرعه قلعه‌نو ملکی‌چند نفر هزاره‌ای«پنجم» قلعهٔ‌افیون ملکی‌محمد سلطان «ششم» سرنا آباد ملکی رعایا «هفتم» سلطان‌آباد ملکی رعایا «هشتم» سیدآباد ملکی سادات «نهم» قلعه‌نو ملکی رعایا و تمام این دهات نزدیك به‌راه است.

**دهات‌سمت‌چپ:** اول‌کردیان‌ملکی‌آقایان تیموری. یك فرسخ از راه [دور] دویم ارخی ملکی رعایانیم فرسخ ازراه دور «سیم»جزآباد ملکی رعایا نزدیك به‌راه«چهارم» ادرنه ملکی رعایا یك فرسخ‌ونیم‌از راه دور«پنجم» اینه ملکی رعایانیم فرسخ از راه دور . امروز به‌میرزا محمدحسین‌هراتی حاکم جام وباخرز جبهٔ ترمهٔ کشمیری و به‌میرزا مسعودخان پسر اوکه‌نایب‌الحکومهٔ باخرز است‌سرداری ترمهٔ ایرانی خلعت داده‌شد ومقرر گردیدبه‌شهر نورفته تحقیقات‌لازمه درپیداکردن قاتل کشته‌ها بنمایند ویکی از پیشخدمت‌های سرکاری برای محصلی بامشارالیهما رفت. همت‌آباد ده‌آباد ومعتبر وآخرخاك باخرز ملکی رعایا است‌وانتهای هفت‌چمن.

**چهارشنبه‌یازدهم**، موکب والا یك ساعت از روز گذشته حرکت نمود. منزل شب قلعهٔ آقا حسن است. خط راه تا یك فرسخ فیمابین شمال ومغرب وپس‌ازآن تا منزل به‌طرف مغرب امتداد دارد. ومسافت پنج فرسخ است.آب جاری درراه نیست وزراعت دیده نمی‌شود جز نیم فرسخی‌منزل. زراعت متعلق به‌قریه‌آقاحسن زیاد است و راه امروز ازدره وتپه‌های خشك‌که‌خار بسیار وعلف‌کم دارد ممتد است.

نهارگاه منزل بود.

**آبادی سمت راست** ، منحصر به‌مزرعه‌کاهه متعلق به‌رعایای قلعهٔ آقاحسن نزدیك به‌راه است.

**آبادی سمت چپ**، منحصر به‌مقبره‌ای است‌که‌باغچهٔ با صفائی‌دارد ونزدیك قلعهٔ‌آقاحسن است.اهالی‌را اعتقادآن است‌که مقبرهٔ‌آصف‌بن برخیا وزیرحضرت سلیمان است.

وقت ظهرموکب والابه‌منزل ورودنمود دراین منزل اززورآباد خبررسیدکه دویست سوارترکمان ساروق را قراولان ترکمان سالور ساکن زورآباد دیده بودند به‌سمت خواف‌گذشته‌اند واین خبر دوازده ساعت ازراهی‌که تا این منزل سی‌وپنج فرسخ است به‌اردو رسید.نواب مستطاب والاسهام‌الملك را بایکهزارسوارزبده‌که اسب‌های‌آنها قوه و توانائی داشت از اردومأمورنمودکه به‌سرحدات خواف رفته جلوآنها را بگیرند. ومشارالیه به‌محل مأموریت روانه‌گردید. قلعهٔ‌آقاحسن‌از دهات‌آباد خوب وملکی رعایا است. فواکه زیاد دارد و ابریشم هم در آنجا عمل می‌آید وجزوبلوك زاوه واول خاك تربت حیدریه است.

**پنجشنبهٔ‌دوازدهم**. موکب والایکساعت ازروزگذشته حرکت‌نمود.

منزل شب قریه شیخ‌آباد خط راه‌تا یك فرسخ و نیم سمت مغرب‌مایل به‌شمال پس‌ازآن تا منزل فیمابین مغرب وشمال امتداد دارد ومسافت هفت فرسخ است.

آب جاری در راه متعلق به‌دهات اطراف در چند جا هست و زراعت زیاد متعلق به‌دهات اطراف دیده می‌شود ومسافت در اراضی هموارطی میشود. نهارگاه منزل بود.

**دهات سمت راست** : اول قلعهٔ علیك ملکی قهرمان میرزاحاکم زورآباد دوفرسخ ازراه دور. دویم شهنه بالاملکی رعایا دوفرسخ‌دور. سیم مزارعلم‌دار که زیارتگاه است ملك جزئی دارد می‌گویند مزار علم‌دارمقبرهٔ سلطان سلیمان برادرحضرت علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع)است چهارم چقماق ملکی رعایا دوفرسخ از راه دور. پنجم نصرآباد ملکی بلوچها نزدیك به‌راه. ششم مرغزار ملکی عباسعلی‌خان سرتیپ فوج قرائی دوفرسخ دور. هفتم پطروملکی رعایا دوفرسخ دور.گویندوقتی این قریه‌کلیة اززلزله خراب شد وتمام اهل‌آن هلاك گردیدند. حال چند خانوار درآنجا سکنی نموده‌اند زراعت می‌کنند هشتم صفی‌آباد ملکی‌آستانهٔ مبارکه نزدیك به‌راه. نهم حشمت‌آباد ملکی نواب‌والا حسام‌السلطنه نزدیك به‌راه.

**دهات سمت‌چپ** . اول قریه ساق ملکی قهرمان میرزا و رعایا نزدیك به‌راه. دویم‌گنجی ملکی رعایا یك فرسخ و نیم دور. سیم کلاته کورملکی رعایای قلعه‌آقاحسن نزدیك راه. سکنه ندارد واهل قلعه آقاحسن‌آن را زراعت می‌کند. چهارم چمرد ملکی رعایا یك فرسخ دور. پنجم سهل‌آباد ملکی رعایا متصل به‌راه. موکب والاپس از طی

مسافت به‌منزل‌ورودنمود. شیخ‌آبادملکی نظرعلی‌خان قرائی‌وقریه‌ای آباد است فواکه وابریشم دراینجا خوب عمل می‌آید.

**جمعه سیزدهم.** موکب والا دوساعت از روزگذشته حرکت‌نمود. منزل‌شب تربت حیدریه است. خط راه فیمابین مغرب وشمال امتداد دارد ومسافت چهارفرسخ ست.

آب جاری ازنهرهای دهات اطراف درراه بسیار است وزراعت زیاد متعلق به‌دهات دیده می‌شود و مسافت در جلگه طی می‌گردد. نهارگاه منزل بود.

**دهات سمت راست: اول:** دولت‌آبادخالصۀدیوان‌اعلی ملکی‌رعایا که قلعۀ بزرگ و محکم و خندق وبارۀ آن در کمال اعتبار است. می‌گویند سابقاً دارالحکومۀ تربت این قلعه بوده است. عظمت باره و خندق‌آن هم‌که مثل‌شهرمعتبری است. دلالت براین‌قول دارد ومتصل به‌راه. «دویم» گنگ بالا ملکی سادات نزدیك به‌راه. سیم: کیله‌سرا ملکی عباسعلی‌خان سرتیپ قرائی دو فرسخ دور. «چهارم»شهنه بالا ملکی رعایا نزدیك براه. «پنجم» کوچی ملکی رعایا دوفرسخ دور. «ششم»کاریزك ملکی رعایا متصل‌به‌راه. «هفتم»حاجی‌آبادملکی‌حاجی باقر متصل به‌راه. «هشتم» آب رود ملکی عباسعلی‌خان سرتیپ قرائی نزدیك به‌راه. «نهم»سیوخ ملکی رعایا نیم‌فرسخ دور. «دهم» سرکاریز ملکی‌رعایا نیم‌فرسخ دور. «یازدهم» کاریزك‌ملکی خواجوی‌نیم‌فرسخ دور «دوازدهم» شادی‌ملکی‌رعایانیم‌فرسخ دور. «سیزدهم» نقاب ملکی رعایا نیم‌فرسخ دور. « چهاردهم » صومعه ملکی میرزا محمدحسین مستوفی تربت نزدیك به‌راه . « پانزدهم » زیاوی ملکی رعایا نیم

فرسخ دور.

**دهـات سمت چپ :** « اول » زاوه ملکی رعایا، ده معظم آبادی است، می‌گویند این قریه وقتی حاکم‌نشین بلوک زاوه بوده است.

«دویم» کلاته تلخی ملکی رعایا نیم‌فرسخ دور. «سیم» میرآباد ملکی رعایا نیم‌فرسخ دور. « چهارم » نیازآباد ملکی حاجی‌علی‌نقی بیک یاور فوج‌قرائی ورعایا نیم‌فرسخ دور. «پنجم» سیاه سنگ ملکی رعایا یک‌فرسخ دور. «ششم» کلاته زنگنه ملکی هادی‌خان پسر احمد خان نوادهٔ اسحق‌خان‌قرائی یک‌فرسخ دور. «هفتم» گنگ پائین‌ملکی رعایا متصل به‌راه. «هشتم قلعه‌نی ملکی رعایا متصل به‌راه. «نهم» نصرآباد ملکی آقاسیدکاظم ورعایامتصل به‌راه «دهم» بولوایه‌ملکی‌رعایاوبلوچ‌ها خالی‌ازسکنه‌است. رعایای حسین‌آباد آن را میکارند، نزدیک به‌راه. «یازدهم» حسین‌آباد ملکی‌رعایا و بلوچ‌ها، نزدیک به‌راه. «دوازدهم» اسمعیل‌آبادملکی‌رعایامتصل به‌راه. «سیزدهم» اشترخـاص ملکی آقای محمدحسین‌صدر نیم‌فرسخ دور. «چهاردهم» دهک ملکی‌رعایا متصل به‌راه «پانزدهم» پیرو ملکی‌رعایا متصل به‌راه «شانزدهم» عریان‌ملکی رعایا نزدیک به‌راه. «هفدهم» برزار ملکی رعایا نزدیک راه یک فرسخ به‌شهر تربت مانده آب‌انباری برای شرب عابرین ساخته‌اند دائر است. وآبی درکمال‌گوارائی دارد. ویك فرسخ‌ونیم به‌شهر مانده حاجی محمدمیرزا پسر قهرمان میرزا نوادهٔ مرحوم حسنعلی میرزای شجاع‌السلطنه‌که حاکم‌تربت‌حیدریه‌است به‌استقبال موکب‌والاآمده و موکب والا قبل ازظهر به‌خیام اردوکه درخارج شهر تربت‌نصب شده بوددورودنمود.

تربت‌حیدریه یکی ازشهرهای‌حاکم‌نشین‌خراسان ومعروف‌است هوای خوب‌وآب‌بسیار دکاکین زیاد و پنج حمام و عمارت حکومتی‌و باغهای زیاد وفواکهٔ بسیار دارد.خاصه زردآلوی‌نوری‌آن که معروف است.

**شنبه‌چهاردهم:** امروز به‌جهت‌استحمام اهل اردوکه قریب یکماه ونیم است حمام ندیده‌اند ونیز آسایش وراحت دواب، نواب مستطاب والا درتربت‌حیدریه اطراق نمودند.

دراین روزسردار محمد افضل‌خان افغان‌که‌ازسرداران محترم افغانستان‌وپدرزن‌مرحوم امیرشیرعلی‌خان‌است‌وچندروزاست درتربت حیدریه‌اقامت‌داردبه‌حضوروالاآمده‌نواب‌مستطاب‌والابااو به‌طوراحترام ومهربانی‌رفتار نمودند. و امروز خاطر والا درمنزل به‌تحریر پاره‌ای نوشتجات طهران ومشهداشتغال داشت. وبندهٔ نگارنده‌برحسب‌حکم به ملاحظه وفاتحه‌خوانی‌مزارقطب‌الدین‌حیدرطاب‌تربته‌رفت.این‌مقبره‌در خارج‌قلعهٔ تربت‌حیدریه به‌فاصلهٔدویست‌ذرع واقع‌است.ایوان وگنبدی وسط وصحنی‌کم وسعت دارد. قبرآن مرحوم زیرگنبد دروسط است.و ضریحی‌چوبین‌برآن قرارداده‌اند. مثل قبورائمه‌که‌زیارتگاه مردم‌است ووصل به‌این‌مقبره. درسمت راست مسجدی که دارای ایوان ومقصوره وشبستانی وصحنی‌است ساخته شده. عمارت ووسعت مسجدهم به‌اندازهٔ مقبرهٔ مزبوره است. و در وسط صحن مسجد آب انباری سرپوشیده ساخته‌اند تمام بنای مقبره ومسجد از آجر است وچندان امتیازی‌در استحکام وزینت ندارد واغلب‌روبه‌خرابی است.کاشی‌کاری درآن‌مقبرهٔ ومسجدازاول‌بنانشده بود. درسنگی سیاه‌که میان ایوان بالای‌سردرب

گنبد نصب شده است این کلمات حجاری شده است. درایام ازل‌افتتاح ابد اختتام پادشاه‌جمجاه ملایک سپاه مروج مذهب جدهٔ‌سیدالمرسلین محی مآثر ابیه امیرالمومنین ابوالمظفر شاه عباس‌الصفوی الموسوی الحسینی خلدالله ملکه وسلطانه بشرف ایوان مزار کثیرالانوار قطب الاقطاب فی‌العالم سمی‌اب الائمه المعصومین امیرالمومنین حیدر صلوات‌الله وسلامه‌علیه مشرف شد. سعادت ورفعت پناه توفیق آثاری خواجه سلطان محمود تربتی۱۰۲۳ دردرب مقبره‌که نجاری‌آن‌خیلی ممتازاست به‌خط‌کوفی این‌کلمات را بیرون آورده‌اند. سمت راست لااله‌الااله. سمت چپ محمدرسول‌الله. ایوان گنبد راکه وقتی تعمیر کرده‌اند این چندکلمه‌را به‌خط بد درسمت راست ایوان ازگچ بیرون آورده‌اند. تعمیرایوان قطب‌الدین عمل‌العبد تاریخش ۱۲۱۲ق.بعضی قبور میان‌گنبد هست‌وسنگ‌های‌آن‌را به‌دیوارهای‌گنبد نصب‌کرده‌اند وچندان امتیازی ندارد.

ومدفون هم ازمعارف نیست تواریخ‌آن‌ها یکهزارو سی‌وهشت ویکهزاروهفتادویک.ویکهزاروهشتاد ویک.ویکهزارویکصدویازده. ویکهزارویکصد ودوازده،به‌نظررسید. درسنگی‌که‌تاریخ‌آب‌انباروسط صحن مسجد است وحالاآن سنگ را ازآب‌انبار کنده و میان ایوان مقبره‌گذارده‌انداین‌کلمات حجاری‌شده‌است‌الهم‌صل علی‌النبی والوصی والبتول والسبطین والسجاد والباقر والصادق والکاظم والرضا والتقی‌و النقی‌والعسکری والمهدی‌الهادی‌صاحب‌الزمان. درزمان دولت‌سلطان ابن‌السلطان ابن‌سلطان شاه سلطان محمدابن‌السلطان العادل والخاقان الباذل المرحوم‌المبرورالمغفورسلطان شاه طهماسب‌اللحسینی‌الصفوی

بهادرخان رحمه‌الله، تمام شد، فی‌التاریخ.

چون‌خواجه‌ملک سرورخورشید ضمیر.
حوضی بصفا ساخت به از بدر منیر.
گفت از پی تاریخ بنا پیر خرد
آب از بدل برکه کوثر برگیر ۹۵۵

امروزیک توپ‌سرداری‌کشمیری‌شمسه‌گلابتون به‌جهت‌حشمت الملک فرستاده شد وحاجی‌کاظم‌خان مباشربلوچ‌ها به‌سرداری ترمهٔ ایرانی مخلع‌گردید.

**یکشنبه پانزدهم.** امروزقبل ازحرکت حاجی محمد میرزاحاکم تربت به‌سرداری ترمهٔ‌کشمیری. ومحمد نظرخان پسر عباسعلی خان سرتیپ فوج قرائی به‌سرداری ترمهٔ ایرانی مخلع‌گردیده وموکب‌والا دوساعت ازروزگذشته حرکت نمود. منزل شب چمن حدیده نزدیکی قریتین‌کلاته قاضی وبیدستان است، خط راه بطرف شمال ومسافت پنج فرسخ است. درراه نهر آب متعلق به‌دهات اطراف و چشمه‌سار بسیار است، وزراعت زیاد متعلق بدهات دیده میشود. نصف راه در جلگه و نصف دیگر ازمیان درهٔ فیمابین کوه‌هاامتداد دارد.راه دیگر هم هست که ازتربت حیدریه‌جدا میشود. ودرمنزل دویم به‌این راه وصل‌میشود شاهراه تربت به‌مشهدمقدس‌آن است ودوفرسخ نزدیک‌تراست، این‌راه بواسطهٔ سهولت عبور کالسکه وتوپ اختیار افتاد ونهارگاه چمن کامه درکناررودخانه، یك‌فرسخ‌ونیم به‌منزل مانده بود،

**آبادهای سمت راست: اول** شاه‌ده‌ملکی‌رعایا نزدیك به‌راه«دویم» جنی ملکی رعایا متصل به‌راه، «سیم» منظر ملکی‌رعایا نیم‌فرسخ‌دور،

«چهارم» بهنگ‌ملکی رعایا نیم‌فرسخ دور ، «پنجم» فدك ملکی رعایا متصل به‌راه «ششم» دوغشك ملکی رعـایا نیم‌فرسخ دور، «هفتم» قلعه محمودآباد ملکی حاجی محمودخان حاکم سابق تربت‌نیم‌فرسخ دور، «هشتم»کامهٔ پائین ملکی رعایا نزدیك براه، «نهم» کشکك‌ملکی‌رعایا نیم‌فرسخ‌دور.

**آبادی‌های سمت چپ اول** : محله‌شو ملکی رعایا متصل به راه، «دویم» کوچه‌قاضیان‌ملکی میرزامحمدعلی مستوفی تربت‌ورعایامتصل براه، «سیم»ده‌پائین‌ملکی‌غلامرضا سلطان‌نیم‌فرسخ‌دور«چهارم»گنجشتو ملکی محمدخان سرکردهٔ سوارهٔ قرائی نیم فرسخ‌دور، «پنجم» دزقند ملکی رعایا متصل براه«ششم» اقوی ملکی رعایا متصل به‌راه، «هفتم» پهندرملکی رعایا یك فرسخ دور، «هشتم» بارستان ملکی‌حاجی‌علنقی بیك‌یاور نزدیك براه «نهم» صنوبر ملکی رعایا یك فرسخ‌دور «دهم» کامهٔ بالا ملکی محمدخان‌سرکردهٔ سوارهٔ قرائی‌نزدیك به‌راه.«یازدهم» بکاول‌ملکی رعایا نیم‌فرسخ دور. ودراین راه‌یك‌آب‌انبار در دوفرسخی شهرقدیماً ساخته‌اند دائراست. باقی معلوم نیست، و رباطی یك فرسخ به‌منزل نزدیك‌کامه مانده از سنگ وگچ و سرپوشیده است، ساخته‌اند و دائر میباشد. می‌گویند بانی آن شاه‌عباس است و نیم فرسخی منزل برج قراول‌خانه وگذرگاهی است معروف به‌گذرخماری.

موکب والاپس ازقطع مسافت پنج ساعت به‌غروب مانده‌به‌منزل ورود نمودکلاته‌قاضی وبیدستان‌دو ده‌کوچك نزدیك بیکدیگرو‌ملکی رعایا است واین دوقریه اول بلوك رخ ازبلوکات تربت حیدریه است،

**دوشنبه‌شانزدهم:** موکب والا دوساعت‌ازروزگذشته حرکت نمود.

منزل شب رباط سفید نزدیك قریهٔ بازه‌عو راست. خط راه فیمابین شمال ومشرق امتداد دارد ومسافت شش فرسخ‌است. نهر آب متعلق به‌دهات وچشمه‌سار درراه بسیاراست. زراعت متعلق بدهات قدری درراه‌هست. باقی اراضی بائراست. چهارفرسخ ازراه درجلگه و دوفرسخ از میان کوه امتداد دارد. وتمام راه امروزمسمی ببلوك رخ و یکی از تـوابع تربت حیدریه است. نهارگاه‌امروز درسر استخر[1] قریه اسدآباد بود.

آبادی‌های سمت‌راست.اول عنجی ملکی رعایا نیم فرسخ ازراه دور. دویم دول‌آباد ملکی رعایانیم‌فرسخ دور. سیم شورحصار ملکـی رعایا نیم‌فرسخ دور. چهارم سربالا ملکی رعایا یك فرسخ دور. پنجم نسر ملکی عباسعلیخان سرتیپ قرائی یك فرسخ ونیم‌دور. ششم خلج ملکی حاجی میرزا عبدالله‌گنابادی یك فرسخ ونیم دور. هفتم سنجی ملکی حاجی میرزا عبدالله‌گنابادی یک‌فرسخ‌ونیم دور. هشتم‌اکبرآباد ملکی ورثه مرحوم اسدالله میرزا نایب الایاله متصل به‌راه. نهم قلعهٔ کوهی ملکی میرزا بیک‌نایب یک فرسخ دور.

آبادی‌های سمت چپ. اول قلعه رباط ملکی رعایا متصل براه. دویم شوراب‌ملکی رعایا یک‌فرسخ دور. سیم پیش‌آخورملکی‌حاجی محمودخان حاکم سابق تربت یک فرسخ و نیم دور. چهارم اسمعیل آباد ملکی رعایا یك‌فرسخ ونیم دور. پنجم سلطان‌آباد ملکی رعایـا یک فرسخ ونیم دور، ششم کرك‌آباد ملکی صمد سلطان و غیره یک فرسخ ونیم دور، هفتم فخرآباد ملکی محمـد امین‌بیک قرائی یک فرسخ ونیم دور، هشتم حشمت‌آباد ملکی سهام‌الملک متصل براه، در

---

۱ــ اصل استخل.

این راه یک فرسخ ازمنزل‌گذشته‌آب‌انباری ساخته شده دائر است. دوفرسخ ازمنزل‌گذشته رباطی‌آجری درکنارراه است، درسمت راست دائر وبانی‌آن معلوم نیست. یکفرسخ برباط سفید مانده برج قراول خانه وچشمه‌ای هست معروف به‌چشمهٔ محمدمیرزا که سابقاً جائی مخوف وخطرناك بوده درنزدیکی منزل دربندی است مسمی به‌دربند قلعهٔ دخترو دربالای‌کوه‌آثارقلعه‌ای است مسمی به‌قلعهٔ دختر ومقبره سنگی درنزدیکی‌آن‌است. معلوم نیست قبرکه بوده است؟ موکب والا پس‌ازقطع مسافت چهار ساعت بغروب مانده وارد چمن بازه‌عورکنار رباط سفیدگردید. چمن مزبورپرآب وعلف وکنار آن باتلاق است. و رباط سفیدکاروانسرایی است آجری محکم بنا وسرپوشیده و دائر و منزگاه زواراست. بانی‌آن مطابق سنگی‌که بالای درب‌آن نصب است محمودبن حسین ترشیزی بوده ودرزمان سلطنت شاه طهماسب‌صفوی انارالله برهانه بنا شده است سنه سبع‌وستین وتسعمائة۹۶۷.

**سه‌شنبه هفدهم** : وقت سواری ازمنزل بازه‌عور حاجی‌مهدی‌قلی‌خان پسر مرحوم اسحق‌خان قرائی برادر محمد خان قرائی که پیرمردی هشتاد ساله قوی‌بنیه است بحضور والا آمد، ومورد مهربانی گردید. وموکب والا دوساعت از روزگذشته حرکت نمود، منزل شب حسن‌آباد است. خطراه تادوفرسخ فیمابین شمال ومشرق وپس‌ازآن تامنزل مایل‌بطرف مشرق ومسافت چهارفرسخ است. درراه نهرمتعلق بدهات اطراف و چشمه‌سار هست. زراعت متعلق بدهات قدری دیده میشود. باقی اراضی بائر علف‌زار مستعد زراعت آبی ودیمی است، و این‌راه دوفرسخ ونیم فیمابین‌کوه‌که آخربلوك رخ تربت است ویك

فرسخ‌ونیم درجلگه امتداددارد که جلگه‌امروزجزوبلوك سرجام‌است، نهارگاه امروزمنزل بود.

**آبادی‌های‌سمت راست: اول** کافرقلعه ملکی رعایاکه قلعه‌ای است محکم و آباد بالای تپه مرتفعی بنا شده است نزدیك به‌راه «دویم» سیرزارملکی رعایا نیم‌فرسخ از راه دور، «سیم» سرقایه ملکی رعایا نیم‌فرسخ‌ازراه‌دور، درسمت چپ‌نزدیك براه‌قلعه‌وآبادی نیست، دراین راه نزدیکی کافرقلعه رباطی از سنگ و گچ ساخته‌اند سرپوشیده که دائراست وبانی آن‌معلوم‌نیست که بوده‌است وموکب‌والاوقت‌ظهر به‌منزل ورود نمود. حسن‌آباد ده‌آباد و معتبری است و از موقوفات آستانه مبارکه است.

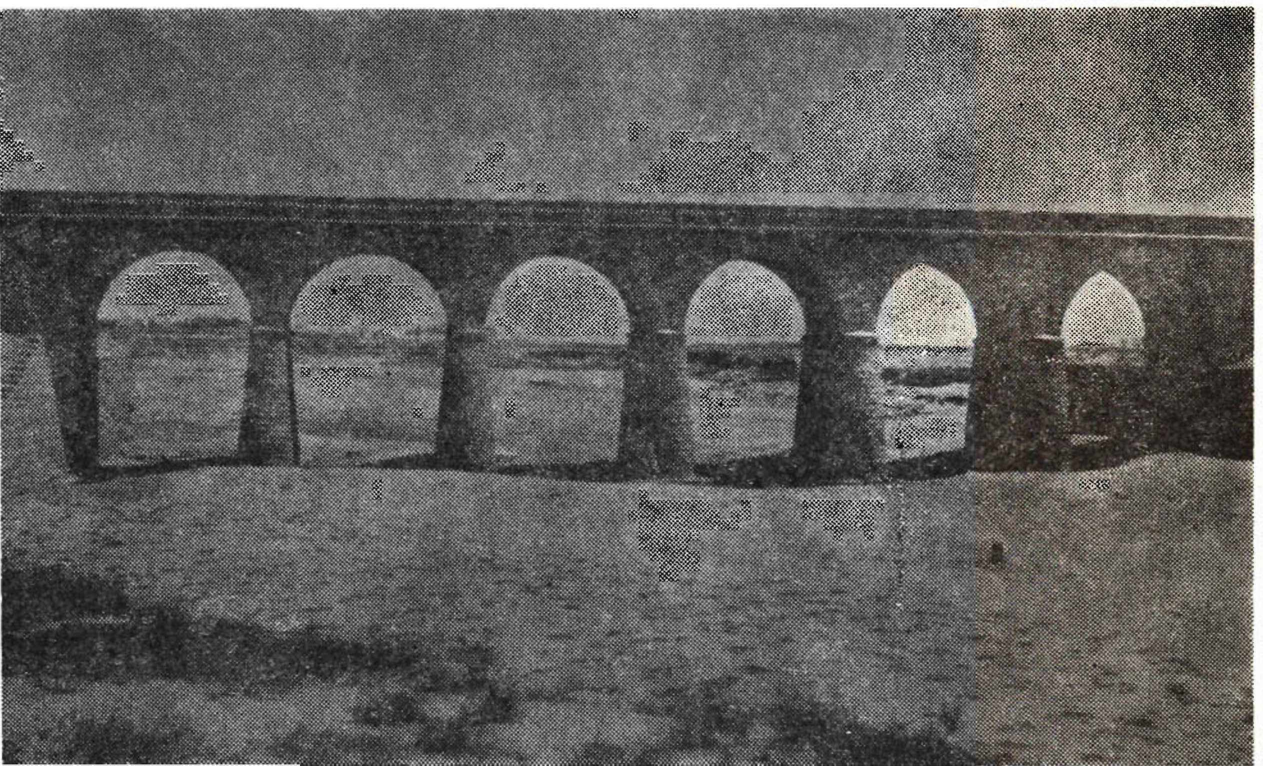
**چهارشنبه هیجدهم:** موکب والا دو ساعت از روز گذشته حرکت نمود. منزل‌شب طرقاست. خطراه همه‌جامابین شمال ومشرق امتداد دارد. ومسافت شش‌فرسخ است. آب‌درراه متعلق بدهات‌اطراف‌زیاداست وزراعت‌هم‌زیاددیده‌میشود. باقی‌اراضی بائراست. مسافت‌امروزیك‌فرسخ ونیم‌درجلگه‌سرجام‌پس‌ازآن تامنزل درکوه وتپه ودره طی‌میشود. ودر یك‌فرسخی‌طرق، شاهراه دارالخلافه بااین‌راه متصل‌میگردد، نهارگاه امروز نیزمنزل بود.

**دهات سمت راست: اول**ـ امیرآباد ملکی رعایا «دویم» قراکپنك ملکی رعایا، «سیم» فرزنه ملکی رعایا، « چهارم » عبدالمجید ملکی برادر زاده‌های جناب مستشارالملك، «پنجم» ده ملا ملکی‌ملا محمد. «ششم» داش‌خانه ملکی حاج نظرعلی جدید، «هفتم» جهان‌آباد ملکی میرزا اسمعیل منشی‌باشی و محمد باقرخان‌پسر محمدعلیخان‌قرائی،

«هشتم» علی‌آباد ملکی اولاد حاجی‌سیدعزیز معیر، «نهم» هادی‌آباد ملکی هادی‌خان قرائی، «دهم» باغچه موقوفه آستانه مقدسه و غیره. «یازدهم» امین آباد ملکی جناب مستشارالملك، «دوازدهم» ملك‌آباد ملکی میرزا عبدالله ومیرزا علیرضا مستوفی وسادات و تمام این‌دهات جز ملك‌آباد که متصل براه است باقی از نیم فرسخ الی‌یك فرسخ از راه دوراست.

**آبادی‌های سمت چپ: اول**- مزرعهٔ‌دلبران‌ملکی‌اهل‌شریف‌آباد. «دویم»شریف‌آبادکه درکنار جادهٔ دارالخلافه واقع‌است، ملکی‌رعایا. «سیم» گنبددراز ملکی رعایا، «چهارم» نظرآباد ملکی ورثهٔ حاجی نظرعلی‌جدید، «پنجم» چاه‌سرخ ایضاً ملکی‌ورثه حاجی‌نظرعلی‌جدید الاسلام. وتمام این‌دهات یك‌فرسخ وبیشترازراه دور است. درنزدیکی منزل محمود میرزای پیشخدمت خاصه حامل‌خلعت همایونی وحاجی هاشم‌خان رئیس دیوانخانه و ندیم‌باشی ومیرزا هادی‌خان منشی‌باشی وآردل‌باشی به‌استقبال موکب‌والا آمدند وموکب والا یك‌ساعت‌ازظهر گذشته بمنزل‌ورود نمود. طرف عصر نواب‌والا معین‌الدوله نایب‌الایاله وبابر میرزا ومیرزا اسمعیل لشکر نویس باشی ومیرزا معصوم خان کارپرداز خارجه و میرزا فضل‌الله‌خان سرتیپ تلگرافخانه و حاجی ابوالفتح‌خان بیگلربیکی و میرزا آقاخان ناظر و حاجی ابوالقاسم ملك‌التجار ومیرزا حسین‌مباشر طرق وچندنفر ازاهل‌آستانه مقدسه ازشهر به‌استقبال آمده بحضور والا رسیدند قریهٔ‌طرق ازاملاك خیلی معتبرآباد وموقوفه آستانه مبارکه است.

**پنجشنبه نوزدهم شعبان:** امروزقبل‌ازسواری جمعی‌ازاهل‌آستانه



پل کشف‌رود

منوره‌ازشهر به‌استقبال آمده حضوروالارفتندوموکب‌والادوساعت‌ازدسته گذشته حرکت‌نمود. امروز روز ورود به‌مشهد مقدس ومنزل شب ارك است. خط راه همه‌جا شمال مایل بمغرب ومسافت دوفرسخ است. نهر آب طرق در چندجا درراه هست. واز طرق تاشهر مشهد دوطرف راه تماماً زراعت است بقسمی‌که زمین بیاض مطلقاً دیده نمی‌شود. وتمام این‌مسافت جلگه‌است. نهارگاه امروز مشهدمقدس است آبادی سمت راست منحصر به‌قلعهٔ عسکریه خالی از سکنه ملکـی اولاد مرحوم امام‌جمعه نزدیک‌براه است، وآبادی سمت چپ منحصر بمزرعه خلج احداثی نواب مستطاب والا حسام‌السلطنه است. نیم فرسخ ازراه دور، امروز دربین‌راه سوارهٔکردبچه وسوارهٔ ایلات قزوین‌که مأمور ساخلو خراسان هستند و در چمن کال یاقوتی توقف دارند به‌استقبال موکب والاآمده کنار راه صف بسته ازنظر والاگذشتند وسواره‌های ساخته و پرداخته بنظروالا آمده طرز وسبک‌آنها پسندیدهٔ خاطر والاگردید. یک‌فرسخ به‌شهرمانده حاجی شکورخان سرتیپ توپخانـه مبارکـه به‌استقبال آمده بحضوروالا رسید وبه‌احترام ورود مقدم والا به‌شهر از بین‌راه شروع به‌شلیک توپ‌کرده بیست‌ویک تیرتوپ به‌دفعات شلیک نمودند. درخارج شهرحاجی‌اسحق‌خان‌سرتیپ بافوج‌حشمت‌که قراول شهرمیباشند واسمعیل‌خان سرتیپ بافوج فیروزکوهی‌که‌مأمورساخلو مشهد هستند با البسهٔ رسمیه موکب والا را استقبال نموده‌احترامات نظامی بعمل‌آوردند واز اهالی شهر ذکوراً واناثاً جمعیت زیاد ازحد ازشهرخارج شده به‌استقبال آمده دعا به‌وجود مسعود همایون ونواب مستطاب‌والا می‌نمودند وموکب والا شش‌ساعت ازروزگذشته بسلامتی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

واقبال‌ازدروازهٔ پائین خیابان به شهرمشهد مقدس ورودنموده‌به آستانه مبارکه تشرف‌جستند ودر ایوان طلا انعقادسلام‌شد ونقاره‌خانهٔ سرکار فیض آثاررابه‌بشارت‌ورودوالاکوفتندو بیست‌ویک تیرتوپ‌شلیک کردند. خطیب خطبه‌ای‌غرا خوانده شعرا قصیده‌ها بعرض حضورروالارسانیدند پس‌ازانجام سلام نواب‌مستطاب والا به‌تقبیل عتبه متبرکه حضرت امام ثامن‌ضامن‌علی‌ابن موسی‌الرضاعلیه‌وعلی‌جده‌وآبائه‌وابنائه آلاف‌التحیة والسلام شتافته اززیارت روضه منورهٔکسب شرف وسعادت‌تازه‌نموده‌به ارک‌مبارکه‌ودارالایاله‌دولتی‌تشریف‌برده‌این سفرکثیرالثمراختتام یافت.

هوالله التعالی شانه، مجملاً اینکه مدت سفرچهل وهشت روز مسافتی‌که درمدت مسطوره طی‌گردیده است یکصدوپنجاه فرسخ‌است. اردوی والا در سی و دومکان اقامت‌کرده، بیست نقطه از آن نزدیک آبادی، ودوازده نقطهٔ دیگر بیابان وبیغوله بوده است. دراین مسافت کوه و گردنه صعب‌المسلک نیست و همه‌جا عراده میتوان برد. تمام اراضی عرض راه و اطراف‌آن مستعد زراعت و آبادی است، یا قابل مال‌وحشم داری، اغلب دهات‌که دیده‌شده صیفی وحبوبات و فواکه و غله‌وپنبه وتریاك خوب‌دارد، ابریشم‌هم همه‌جا عمل‌می‌آید بلکه‌بعضی امکنه ابریشم‌آن خالی‌از امتیاز هم نیست، جزبرخی‌که هوایش گرم است سایرامکنه ملایم وبعضی‌جاهاییلاقیت دارد واکثرجاها بادشدید دارد.لباس رعایای تمام‌دهات شبیه به‌لباس اهل هرات است جز تربت حیدریه که اهل‌آن شیعی مذهب‌اند. باقی دهات بیشتر سنی مذهب و کمتر شیعه‌اند همه‌قسم شکار درهمه‌جا هست تا واضح باشد.

**حرره‌الاقل محمدعلی منشی**

# فهرست راهنما


آ

آبیاری در ترکستان: ۱۰
آثار تاریخی کلات و سرخس: ۴۲
آرازایشان : ۶۳
آردل باشی: ۱۲۸
آس تپه : ۹
آسیاباد : ۳۲
آصف الدوله. غلامرضا شاهسون : ۲۸
آصف بن برخیا : ۱۱۷
آغابیگم: ۶۲
آقاحسن : ۱۱۷–۱۱۸
آقا سیدکاظم : ۱۲۰
آق دربند : ۲۴-۲۶،۶۲-۶۸،۸۶

الف

اتك: ۱۶،۷۲،۷۴،۸۲
احمد جامی: ۱۰۴
احمدخان : ۶۳
اردکان : ۱۴
ارخی: ۱۱۶
اردویری : ۶۴،۶۷
ارگنج ۹۸
ادرنه: ۱۱۶
اسمعیل آباد: ۲۴،۲۵،۱۲۰،۱۲۵
اسمعیل خان سرتیپ: ۱۱۴، ۱۲۹
اسمعیل خان سرهنگ هزاوه : ۵۰
اسحق خان قرائی: ۱۲۶
اسدآباد : ۱۲۵
اسداله میرزا نایب الایاله : ۱۲۵
اسکندرآباد: ۱۱۳
اشترخاص : ۱۲۰
افغان ← افغانستان
افغانستان : ۲۶،۳۴،۳۵،۱۱۲
اقوی : ۱۲۴
اکبرآباد : ۱۲۵
الله قلی خان ازبك : ۹۸
الغ بابا : ۸۱
امام جمعه : ۱۲۹
امقان: ۹۸،۹۹،۱۰۰
امیرآباد : ۱۲۷

امیر تهمن : ۷۸
امیر تیمور گورکان ۶۲-۱۰۳
امیر جلال‌الدین فیروزشاه : ۱۰۳
امیر- سلطان مسعود غزنوی: ۱۱-۱۲
امیرغزاین : ۷۸
امیر قلیچ‌خان تیموری: ۸۸،۸۹
امیرمعصوم‌خان ایشك‌آقاسی‌باشی: ۹۱
ایران: ۱۴،۲۸،۳۵،۱۰۵
اینه: ۱۱۶

ب

بابانیاز : ۵۹
بابرمیرزا : ۱۲۸
باخرز : ۸۸،۸۹،۹۱،۹۳،۱۰۸،۱۱۵، ۱۱۶
بادغیس : ۱۱
بارستان : ۱۲۴
بازه‌عور : ۱۲۵
باغ‌باغان = باغباقو = بغبغو : ۲۵ ، ۶۲،۶۴
باغوچهٔ ملاحسین : ۲۵
بالاخواف : ۱۰۷
باورد : ۱۱-۱۲
بحرخزر : ۳۳
بخارا : ۳۹
بدرآباد : ۵۳
برج طغرل : ۹۲
برزار : ۱۲۰
بزك : ۹۹
بغلان: ۱۱
بکاول : ۱۲۴
بلخ : ۱۱
بلوك رخ : ۱۲۶
بولوایه : ۱۲۰
بهادرخان: ۱۲۳
بهبودخان حاکم کلات: ۸۰،۸۷،۹۷
بهنگ: ۱۲۴
بیدستان: ۱۲۳-۱۲۴
بیهقی خواجه ابوالفضل: ۱۱-۱۳

پ

پاپوش پهلوان: ۸۵
پائین خواف، ۱۰۷
پرنس ارفع ← معین‌الوزاره، میرزا رضاخان ارفع‌الدوله
پس‌کمر: ۲۶،۶۹-۷۰
پشتکوه: ۵۵
پطرو: ۱۱۸
پل‌خواتون: ۹،۱۹-۲۰، ۲۵-۲۹،۳۴، ۶۹-۷۰،۸۵،۸۷،۹۳
پل‌شاهی: ۱۹- ۲۰
پل‌گزی: ۶۴،۶۵
پوزکان: ۱۰۶
پوشنگ: ۱۲

پهندر: ۱۲۴
پیراحمدبن‌مجدالدین‌محمدخوافی ۱۱۰
پیرنخود: ۱۱۳
پیرو: ۱۲۰
پیش آخور: ۱۲۵

ت

تاج سردار: ۷۵،۸۰،۸۵
تاریخ بیهقی: ۱۱–۱۲
تایباد: ۱۰۷،۱۰۹،۱۱۲
تبادکان: ۵۴–۵۵
تپه‌شاهی: ۱۰۶
تجن ← تجند
تجند: ۹،۱۴،۳۵
تخت سلطان : ۶۵
تربت‌حیدریه: ۱۰۰،۱۱۷،۱۱۹، ۱۲۵ ۱۳۰
تربکان : ۲۱
تکه: ۸۱،۸۴،۸۶

ج

جام: ۸۸،۸۹،۹۱،۹۳،۹۸،۱۰۷،۱۱۵
جام‌رود : ۹۹
جبارقلی‌خان ارگنجی: ۹۸
جزآباد : ۱۱۶
جغرافیای ایران : ۱۳
جغرافیای تاریخی سرزمینهـای خلافت شرقی: ۹،۳۵
جلال‌الدوله: ۶۹
جلال‌الدین بن محمدبن‌جعفر: ۱۰۹
جنت‌آباد : ۹
جوب‌نو : ۵۹

چ

چاه‌سرخ : ۱۲۸
چاهك : ۶۰
چشمه‌نگار : ۱۱۶
چقماق : ۱۱۸
چگودر : ۲۴
چمرد : ۱۱۸
چشم‌زرد : ۶۰
چمن‌اسکندرآباد: ۱۱۳،۱۱۵
چمن‌بازه‌عور : ۱۲۶
چمن‌حدیده : ۱۲۳
چمن‌کال یاقوتی: ۱۲۹
چمن: ۶۰
چمن‌کامه : ۱۲۳
چمن ناگهان : ۵۲،۵۴
چهارگنبد: ۶۱
چهچهه : ۳۵،۸۲،۸۴

ح

حاجی‌آباد : ۱۱۹
حاجی ابوالقاسم ملك‌التجار: ۱۲۸

حاجی اسحق‌خان سرتیپ : ۵۴، ۱۲۹
حاجی‌باقر : ۱۱۹
حاجی‌زین جامع شیرازی : ۱۰۴
حاجی سیدعزیز معیر: ۱۲۸
حاجی شکورخان سرتیپ، ۱۲۹
حاجی علینقی‌بیك یاور: ۱۲۴
حاجی‌فرامرزخان: ۵۰
حاجی محمدمیرزا : ۲۱،۶۴،۸۸، ۸۹، ۱۲۳
حاجی محمودخان حاکم: ۱۲۴،۱۲۵
حاجی ملااحمد : ۵۳
حاجی میرزا حسنعلی : ۵۲
حاجی میرزا ابراهیم سبزواری : ۵۴
حاجی‌میرزا رضامستوفی سبزواری: ۲۴
حاجی میرزاعبداله گنابادی : ۱۲۵
حاجی‌میرزا نصراله مجتهد: ۵۳
حاجی‌نظرعلی جدیدالاسلام : ۱۲۸
حاجی هاشم‌خان رئیس : ۱۲۸
حسام‌السلطنه: ۱۰۰، ۱۰۶،۱۱۸،۱۲۹!
حسن‌آباد: ۱۰۰،۱۲۶
حسین (ع) : ۱۰۵
حسین‌آباد : ۱۲۰
حسین‌خان نظام‌الدوله: ۵۰،۶۱،۶۷،۶۸
حشمت‌آباد : ۱۱۸
حشمت‌الدوله: ۷۳،۷۶
حشمت‌الملك : ۱۲۳
حیدرخان : ۵۰
حیدرقلی‌خان سرتیپ : ۵۰،۹۵

خ

خان فیروز جنگ : ۱۰۴
خانگیران : ۳۸
خراسان : ۹،۱۴،۱۶، ۱۹، ۴۷، ۵۲، ۹۰، ۹۴، ۱۰۵ ، ۱۰۸، ۱۱۲ ، ۱۱۳،۱۲۹
خسرومیرزا : ۵۵
خلج: ۱۲۵،۱۲۹
خواتون : ۷۱
خواجوزکی : ۱۰۴
خواجه اویماق : ۵۰
خواجه رضی‌الدین‌محمد متولی: ۱۰۳
خواجه زین‌الدین تایبادی : ۱۱۲
خواجه‌سلطان‌محمود تربتی: ۱۲۲
خواجه محمد فریومذی:۱۰۳
خوارزم : ۳۵
خواف : ۱۱۷

د

داش‌خانه : ۱۲۷
دربند شوراب : ۸۷
دربند قلعه‌دختر : ۱۲۶
دربندگرماب : ۸۷
دربند ناری : ۸۷
دره‌گز : ۹،۸۲
دزقند : ۱۲۴
دشتو : ۱۱۶

دکترفیاض : ۱۱، ۱۲
دلبران : ۱۲۸
دوغشك : ۱۲۴
دول‌آباد : ۱۲۵
دولت‌آباد : ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۷۴، ۱۱۹
ده پائین : ۱۲۴
دهستان پائین : ۹

ذ

ذوالفقارخان سردار: ۱۰۸
ذوالفقارخان سرکرده سوارهٔ جمشیدی:
۵۰، ۵۸
ذوالفقارخان سرهنگ فوج کزازی: ۵۰

ر

رادکان: ۲۰
رباط‌سفید: ۱۲۵، ۱۲۶
رباط ماهی: ۲۱، ۲۴، ۵۹، ۶۱، ۶۲، ۷۱
رسول‌آباد : ۵۸
روبنج : ۹۸
روس = روسیه : ۱۴، ۱۵، ۲۸، ۳۴،
۳۸، ۹۸
رشیدخان امیرآخور : ۵۰
رکن‌آباد ، ۳۵
رکن‌الدوله : ۲۴، ۴۷
ری : ۹۲
ریزه : ۱۱۲
زاوه : ۱۱۷
زورآباد: ۷۰، ۸۷، ۸۹، ۹۵، ۹۷، ۱۱۵
۱۱۷، ۱۱۸
زیاوی : ۱۱۹
زین‌العابدین میرزا آجودان : ۵۵، ۸۵،
۸۹-۹۰
ساق : ۱۱۸
سالور : ۷۶، ۸۴
سراب موش‌قال : ۹۵
سرجام : ۱۲۷
سرخس، سرخس‌ناصری، سرخس کهنه،
سرخس افراسیائی: ۹-۱۳، ۱۵-
۱۶، ۲۰-۲۱، ۲۴-۲۶، ۳۳-۳۴ ،
۳۸-۴۰، ۴۲-۴۳، ۴۷، ۵۲، ۶۴،
۶۷-۶۸، ۷۲-۷۴، ۷۹-۸۰، ۸۵
سرخس قوشیدخانی : ۷۶
سرقایه : ۱۲۷
سروش اصفهانی، شمس‌الشعراء : ۷۹
سلطان‌آباد : ۱۰۰، ۱۱۶
سلطان‌العلماء : ۵۴
سلطان سلیمان: ۱۱۸
سلطان محمود غزنوی: ۶۵
سلیمان میرزا : ۴۸
سمرقاده : ۹۸
سنگ‌در : ۵۶
سنگر : ۲۹
سهام‌الملك : ۴۷، ۵۷، ۶۴، ۶۸، ۷۰ ،

۸۳-۸۴،۸۹،۹۹، ۱۱۵ - ۱۱۷ ،
۱۲۵
سهل‌آباد : ۱۱۸
سیاه‌بالا = مؤیدیه: ۶۰
سیدآباد : ۱۱۶
سیاه‌سنگ : ۱۲۰
سید جناب : ۵۰
سیرزار : ۱۲۷
سیستان : ۴۷
سیسوخ : ۱۱۹

## ش

شادی : ۱۱۹
شادیشه : ۵۹،۵۷
شادیشه جدید : ۵۹
شاه‌ده : ۱۲۳
شاهرخ بهادرخان : ۱۱۰
شاهرخ شاه تیموری : ۶۲،۷۱، ۷۳، ۱۰۳،
۱۰۹
شاه سلیمان صفوی: ۵۲
شاه طهماسب صفوی : ۱۰۵،۱۲۲
شاه‌عباس : ۱۰۳-۱۰۴،۱۰۷، ۱۱۱ -
۱۲۲، ۱۲۴
شجاع‌السلطنه، حسنعلی‌میرزا: ۹۴،۱۰۸
۱۱۴،۱۲۰
شرخ : ۲۱،۲۴
شریف‌آباد: ۱۲۸
شورچه: ۲۵،۲۶،۶۷،۶۹،۸۰
شورحصار : ۱۲۵
شوروی: ۹،۱۴
شهرکهنه: ۱۱۳
شهرنو: ۱۱۳،۱۱۵–۱۱۶
شهنه‌بالا: ۱۱۸–۱۱۹
شیخ‌آباد: ۱۱۸–۱۱۹
شیخ‌اباذر پوزکانی: ۱۰۶
شیخ‌ابوالفضل سرخسی: ۴۲
شیخ‌ابوسعیدابوالخیر: ۴۲
شیخ‌احمد جامی: ۱۰۰
شیخ‌جام: ۱۰۲–۱۰۴
شیخ‌زین‌الدین‌علی‌خوافی: ۱۰۹،۱۱۱
شیخ‌شهاب‌الدین اسمعیل: ۱۰۳
شیخ لقمان سرخسی = الق بابا = بابا
لقمان: ۴۲
شیرتپه: ۲۸،۲۹،۷۲،۸۶

## ص

صارم‌الملك مصطفی‌قلی‌خان: ۵۳
صفی‌آباد: ۱۱۸
صمدسلطان: ۱۲۵
صومعه: ۱۱۹

## ط

طاهر: ۱۲
طرق: ۱۲۹

طژن: ۸۴،۸۲
طوس: ۹
طهران: ۸۶،۸۰،۷۹،۶۳،۵۷، ۱۲۱

ع
عباس‌آباد: ۱۰۷
علی‌اصغرخان: ۲۵
عباس‌خان حاکم: ۷۳– ۸۵،۸۲
عباس‌خان سرتیپ: ۷۴،۷۳
عباسعلی‌خـان سرتیپ: ۴۸، ۷۸، ۹۵، ۱۱۸–۱۲۵،۱۲۳،۱۱۹
عباسقلی‌خان شاملو: ۱۰۸
عباس‌میرزا نایب‌السلطنه: ۷۷
عباسی،علیرضا: ۱۰۵
عبدالله‌خان،سرکرده سوارهٔ رادکانی: ۵۰
عبیدالله: ۱۱
عریان: ۱۲۰
عشق‌آباد: ۱۵
عضدالملک. ۲۱
علی (ع): ۱۱۱،۱۰۸،۷۳
علی‌آباد: ۱۲۸
علی‌ابن‌موسی‌الرضا: ۱۱۸،۷۷
علی‌قلی‌خان حاکم‌هرات: ۱۰۵
علیمردان‌خان سرتیپ: ۶۳،۵۹،۵۷
عنایت‌آباد: ۵۸

غ
غلامحسین‌خان آبدارباشی: ۴۸
غلامرضاسلطان: ۱۲۴
غنجی: ۱۲۵

ف
فتح‌اله‌خان سرکردهٔ سوارهٔ بیزکی: ۵۰
فخرآباد: ۱۲۵
فدك: ۱۲۴
فرخ‌تبریزی: ۱۰۴
فرزنه: ۱۲۷
فرمانده، ۱۱۲
فرمان‌علی‌بیك: ۵۰
فرهنگ جغرافیائی ایران: ۹، ۱۹، ۲۴، ۳۵،۳۲،۳۱،۲۶
فریدون میرزا فرمانفرما: ۷۸،۶۷
فریمان: ۹
فیض‌آباد، ۵۳

ق
قادر آباد: ۱۰۰
قاسم‌آباد: ۵۴
قانلی‌تپه: ۷۸
قرابوغه: ۲۰
قراکپنك: ۱۲۷
قریه بازه‌شخ: ۵۳
قریه‌سنك: ۵۶
قریه طرق: ۱۲۷–۱۲۸
قریه‌نظریه: ۵۸

قطب‌الدین‌حیدر: ۱۲۱–۱۲۲
قلعه‌افیون: ۱۱۶
قلعه‌رجب‌بهار مروی: ۶۱
قلعه رباط: ۱۱۶
قلعهٔ قزل‌قایه: ۷۴، ۸۲
قلعه قصاب: ۳۱–۳۲، ۷۵
قلعه قلح‌آباد: ۵۹
قلعه قوشیدخان: ۳۵
قلعه‌قیچی: ۶۰، ۶۱
قلعه‌نو: ۳۲، ۹۹، ۱۰۰
قلعه‌نی: ۱۲۰
قلعه‌نیم‌سنگ: ۹۷–۹۸
قلی‌ایناق: ۹۸
قلی‌خان: ۵۰
قوچان: ۸۲
قوزقان: ۵۵، ۵۷
قوشیدخانی، ۷۵، ۷۸
قهرمان میرزا: ۲۱، ۹۵، ۱۱۴– ۱۱۵
۱۱۸، ۱۲۰
قیماس سنجری: ۱۰۳

ک

کاریز: ۱۰۷، ۱۰۸
کاریزک: ۱۱۹
کافرقلعه: ۹۳، ۱۰۸، ۱۲۷
کامه: ۱۲۴
کاهه: ۱۱۷
کج‌درخت: ۵۳
کدخدا جبار: ۱۰۰
کردیان: ۱۱۶
کرک‌آباد: ۱۲۵
کریم‌آباد: ۵۴
کزاز: ۹۶
کشاورز، کریم: ۱۰
کشف‌رود: ۱۶، ۱۹، ۲۴-۲۶، ۳۵، ۵۲
۵۴-۵۵، ۵۷، ۶۰
کشك: ۱۲۴
کفج: ۱۱۶
کلات: ۹، ۵۱، ۸۰، ۸۲
کلاته تلخی: ۱۲۰
کلاته حاجی عبدل: ۵۳
کلاته‌زنگنه: ۱۲۰
کلاته قاضی: ۱۲۳-۱۲۴
کلاته‌کور: ۱۱۸
کندکلی: ۳۳
کنه‌گوشه: ۵۶
کوچه قاضیان: ۱۲۴
کوچی: ۱۱۹
کوه آلاداغ: ۹
کیله‌سرا: ۱۱۹

گ

گرماب: ۲۶، ۲۸، ۶۶، ۹۲
گلزارخان هراتی: ۱۰۰

گلمحمدخان : ۸۶
گنبد دراز : ۱۲۸
گنبدلی : ۵۶،۲۱
گنج روستا : ۱۱
گنجشتو: ۱۲۴
گنجه : ۱۵
گنجی:۱۱۸
گنگ‌بالا : ۱۱۹
گنگ پائین: ۱۲۰
گوش‌لاغر: ۸۸،۹۵-۹۶
گوهرشادبیگم: ۶۲،۷۱

ل

لسترنج : ۹،۱۳
لطفعلی‌خان : ۱۰۷
لنگرك : ۵۸

م

مامون الرشید: ۷۷
مجله دانشکدهٔ ادبیات وعلـوم انسانی مشهد: ۱۳
مجموعهٔ معاهدات دولت ایران با دول خارجه: ۳۳
محسن‌آباد: ۱۰۶– ۱۰۷، ۱۱۵
محکمهٔقوشیدخان: ۷۶،۷۸– ۷۹، ۸۳ ۸۵
محمدآباد: ۱۴،۵۳
محمدایوب‌خان،سردار: ۱۱۲
محمداسمعیل‌خان صندوقدار: ۴۸
محمدافضل‌خان افغان: ۱۲۱
محمدامین بیك: ۱۲۵
محمدامین‌خان: ۷۸
محمدباقرخان‌قرائی: ۱۲۷
محمدبای یلواج: ۹۴
محمدبن محمدابی بکرکرت:۱۰۳
محمدتقی میرزا: ۳۲
محمد جعفرخان: ۴۷
محمدحسن‌بای، ۹۴
محمد حسین‌خان امیرآخور: ۴۸،۷۰
محمدحسین‌خان منشی: ۴۸
محمدحسین‌صدر، ۱۲۰
محمدحسین مهندس: ۱۳،۱۶
محمدخان تفنگدار: ۶۹
محمدخـان سرکردهٔ قرائی، ۵۰، ۱۲۴ ۱۲۶
محمدخان قاجار تفنگدارباشی: ۴۸
محمدخوافی: ۱۱۱
محمدرضاخان سرکردهٔ سواره خوافی ۵۰
محمدسلطان: ۱۱۶
محمدشاه: ۱۰۵
محمدشریف‌خان: ۵۰
محمدعلی‌بیك نایب وزارت‌علوم: ۵۲
محمدعلیخان قرائی: ۱۲۷

محمدعلی منشی: ۱۳۰
محمدمیرزا: ۱۲۰
محمد نظرخان: ۱۲۳
محمدولی‌خان‌قاجار: ۵۸
محمد همایون: ۱۰۵
محمودآباد: ۹۸-۹۹، ۱۲۴
محمودبن حسین‌ترشیزی: ۱۲۶
محمودمیرزا پیشخدمت: ۱۲۸
مخبر مهندس محمدعلی: ۳۵
مرتضی‌قلی‌خان‌سرکردهٔ‌سواره‌افشار: ۵۰
مرزهای ایران: ۳۵
مرغزار: ۱۱۸
مرو: ۹-۱۰، ۱۲، ۷۵، ۸۴
مروالرود: ۱۱
مزارعلمدار، ۱۱۸
مزدوران: ۲۰-۲۱، ۲۴، ۶۲-۶۳، ۸۶
۱۲۳
مزرعه‌جنی: ۱۲۳
مزرعهٔ منظم: ۱۲۳
مستشارالملک: ۴۷، ۹۱، ۱۱۴، ۱۲۷
۱۲۸
مسجدگوهرشاد: ۷۱
مسعودکرمانی: ۱۰۴
مشهد: ۹، ۱۴، ۱۶، ۲۰، ۳۱، ۵۲-۵۴
۵۹، ۶۱، ۶۳، ۷۱، ۸۰، ۹۳، ۹۵،
۱۰۶، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۳۰
مصباح‌الملک ← نصرالله‌خان‌مشیرالدوله
مشهدی ریزه: ۱۱۲، ۱۱۳
معین‌الدوله احمدمیرزا: ۲۸، ۵۴، ۱۲۸
ملامحمد: ۱۲۷
ملک‌آباد: ۱۲۸
ملک‌غیاث‌الدین محمد: ۱۰۳
منگلی‌مرادخان، ۹۳-۹۴
مؤتمن‌السلطنه: ۲۴
مؤتمن‌الملک حسین‌پیرنیا: ۳۳
مودودبیک: ۱۰۶
مؤیدالدوله: ۴-۶، ۶، ۱۶، ۱۹
مهدی بامداد: ۴۲-۴۳
مهرآباد: ۵۳
میرآباد: ۱۲۰
میرتیمورخان: ۵۰
میردرویش علی‌خان: ۱۰۷، ۱۱۵
میرزا آقاخان‌ناظر: ۱۲۸
میرزا ابراهیم‌خان‌مستوفی: ۴۸
میرزا ابوالقاسم حکیمباشی: ۴۸
میرزااسمعیل‌لشگرنویسباشی: ۵۴، ۱۲۸
میرزا اسمعیل منشی‌باشی: ۴۸
میرزا تقی‌محرر: ۶۳
میرزا جعفر: ۱۰۰
میرزاحسین مباشرطرق: ۱۲۸
میرزا رضاخان‌ارفع‌الدوله: ۱۵
میرزا سعیدخان مؤتمن‌الملک: ۱۵-۱۶

میرزا سیداحمد طبیب: ۵۰،۶۱،۹۷
میرزا عبدالغفارنجم الدوله: ۱۶
میرزا عبدالله: ۱۲۸
میرزا عطاءاللهخان: ۴۸
میرزا علیرضا مستوفی: ۱۲۸
میرزا علینقی ملاباشی: ۴۸
میرزا فضل‌اللهخان سرتیپ: ۵۴، ۱۲۸
میرزا فضل‌اللهخان منشی خاصه: ۴۸
میرزا محمدحسین مستوفی تربت: ۱۱۹
میرزا محمدحسین هراتی: ۸۸،۸۹،۹۱،
۹۳،۱۱۵،۱۱۶
میرزا محمدصادق: ۵۳
میرزا محمد علی‌خـان سرهنگ مهندس
۴۷،۵۵،۸۲،۸۴،۹۳
میرزا محمدعلی مستوفی، ۱۲۴
میرزا مسعودخان: ۱۱۶
میرزا معصوم‌کارگزارخارجه: ۵۴،۱۲۸
میرزانصراله‌خان مشیرالدوله، ۱۴-۱۵
میرزا هادی‌خان منشی‌باشی: ۱۲۸
میرزا هاشم منجم‌باشی: ۴۸،۸۳
میرلطفعلی‌خان حاکم پائین‌خواف:۱۱۵
میرمعصوم‌خان طالش: ۴۸

ن

نادرشاه : ۶۸،۱۰۶
ناصرالدین‌شاه : ۱۳ـ۱۴،۱۶
ندیم‌باشی: ۱۲۸
نسا : ۱۱
نسر: ۱۲۵
نصرآباد: ۱۱۸،۱۲۰
نصرت‌الملك، علی‌خان قراگوزلو : ۲۸
نظرآباد : ۱۲۸
نظرعلی‌خان قرائی : ۱۱۹
نقاب : ۱۱۹
نوبهار: ۱۱۳
نوچمن: ۵۳
نوروزآباد : ۳۳،۷۱ـ۷۴ـ۸۵
نیازآباد : ۱۲۰
نیرالدوله: ۵۴
نیشابور : ۱۱
نیل‌آباد : ۱۰۶

و

ورزاب: ۵۵
وزیر فتح‌خان افغان: ۱۰۸

ه

هادی‌آباد : ۱۲۸
هادی‌خان قرائی: ۱۲۸
هرات : ۱۲، ۳۵، ۹۳، ۱۰۵، ۱۰۸،
۱۱۳، ۱۳۰
هری‌رود : ۹،۱۶،۱۹،۲۶، ۲۸، ۳۲ ،
۳۵،۳۸،۶۹،۷۱،۹۲،۹۹

هزاره : ۵۶
همت‌آباد : ۱۱۶
هندوستان : ۱۲، ۱۰۵

ی
یارمحمدخان : ۵۰
یاغلی‌تپه : ۸۴
یحیی‌میرزا : ۴۸
یورت : ۴۴
یوسف‌خان میرپنجه : ۱۰۷ ، ۱۱۳ ، ۱۱۴

# فهرست مندرجات


| عنوان | صفحه |
| --- | --- |
| سرآغاز (مقدمه). | ۳ |
| نمائی ازسرخس. | ۱۹ |
| سفرنامهٔ رکن‌الدوله. | ۴۵ |


# فهرست تصاویر


| عنوان | صفحه |
| --- | --- |
| محمد تقی میرزا رکن‌الدوله. | ۶ |
| ابوالفتح میرزا مؤیدالدوله. | ۸ |
| نقشهٔ امتداد هری رود وسرحداتك. | ۲۲-۲۳ |
| نقشهٔ شرتپه. | ۲۷ |
| نقشهٔ ابتدای جنگل نوروزآباد. | ۳۰ |
| نقشهٔ جلگه سرخس وقلعهٔ قوشیدخانی. | ۳۶-۳۷ |
| نقشهٔ سرخس ناصری | ۴۰ |
| نقشهٔ ساختمان کارگزاری ومزارالق بابا. | ۴۱ |
| تصویرصفحهٔ اول سفرنامه. | ۴۹ |
| تصویریکی ازصفحات سفرنامه. | ۱۰۱ |
| تصویری ازپل کشف رود. | ۱۲۹ |
| تصویرآخرین صفحه سفرنامه به‌خط مؤلف. | ۱۳۱ |
| فهرست راهنما. | ۱۳۳ |